



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

برنامه ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

تفسیر موضوعی

سوره مبارکه (فاطر)

رساله ماستری

محقق: سید نقیب الله "مفکر"

اشراف: دکتر نصر من الله "مجاهد"

سال: 1442 هـ ق 1399 هـ ش



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

# تفسر موضوعی سوره مبارکه (فاطر)

رساله ماستری

محصل: سید نقیب الله "مفکر"

اشراف: دکتور نصر من الله "مجاهد"

سال: 1442 هـ ق 1399 هـ ش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





# پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دپارتمنت تفسیر و حدیث

بورده ماستری

## تصدیق نامه

محترم سید نقیب الله ولد شمس الحق: ID: نمبر SH-MST-98-527 محصل دور پنجم تفسیر و حدیث که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: تفسیر موضوعی سوره مبارکه فاطر به روز یکشنبه ۸ تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۹ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۹۰ (نمره به عدد) نود پورک (نمره به حروف) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور اصحاب الله او اب	عضو هیات	
۲	دکتور عبدالباری حمیدی	عضو هیات	
۳	دکتور نصرمن الله مجاهد	استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع	

معاون علمی

آمر بورده ماستری

## تقدیر

نخست از همه شکر و سپاس الله متعال را که بنده را به نوشتن و تکمیل نمودن این پایان نامه توفیق عنایت فرمود بجا میاورم.

وثانیاً از هیأت رهبریپوهنتون سلام و تمام مسؤولین و کارمندان اینپوهنتون، استادان معظم و گرانقدرم، به ویژه استاد رهنمایم، دکتور نصرمن الله "مجاهد" که رهنمایی بنده را به عهده گرفته و وقت گرانبهای خویش را در این راستا صرف کرده و با دانش و درایت کامل شان در راستای سهولت آفرینی و در موارد حل مشکلات نوشتاری این تیزس بیش از حد بنده را یاری فرمودند، از ایشان نهایت سپاس مند و شکر گذار بوده و از الله متعال برای شان عمر طولانی و با برکت جهت خدمت بیشتر به دین و اهل علم مسألت دارم.

وهم چنان سپاس فراوان مینمایم از شریک زندگیم که در ترتیب این رساله با بنده از هیچگونه همکاری در بیغ نورزیده از بارگاه ایزد منان به ایشان عمر با عافیت تمنا دارم.

و نیز سپاس ویژه دارم از همه اعضای خانواده گرامی ام که در رأس پدر مرحوم مم، مادرمهربانم، برادران نهایت عزیزم، خواهران نهایت دلسوز و مشفقم، که زمینه تعلیم و تحصیل را در هر شرایط برایم مساعد ساخته تا توانستم موفقانه دوره های تحصیلی لسانس و ماستری خویش را به پایه اکمال رسانم.

و در اخیر تشکر و تقدیر خویش را خدمت تک تک کسانی تقدیم می نمایم که بنده را در نوشتن و اکمال این رساله همکاری کردند.

## خلاصه سوره

محور اصلی این سوره مبارکه را موضوع توحید الله متعال و امور خاصه آن که تعلق به یکتا پرستی تعلق دارد تشکیل میدهد، که ابتدا به این اشاره صریحی دارد که تنها و تنها الله متعال پیداکننده تمام امور کائنات، و تحت حکم روای آن فرمان می برند، و بدون حکم و اراده آن هیچ کاری کرده نمی توانند، و در برابرنا شکری و تکذیب مستمره مرجع دیگری هم ندارند.

و به ادامه بزرگی قدرتهای آن امور دیگری از جمله زنده نمودن بعد از مرگ استکسی دیگری موصوف به این صفات شده نمی توانند که آیات 5-8 به آن اشاره صریحی دارند.

سپس هدف اساسی که اثبات یکتا پرستی است برای سرکوب کردن منکرین و معاندین توحید ضمن اثبات بعث بعد از مرگ، و مراحل خلقت و پیدایش انسانها و عدم مساوی بودن نعمتهای الله متعال در میان بحرهای و بالای آن، و پی در پی آمدن شب و روز تماما علامه و نشانه بر قدرتهای بی پایان آن است. و در عین حال هیچ نوعی از امور کائناتی مطلب نیا فریده شده است، بلکه حتما دارای غرضی آفریده شده است و هیچ گاه مطلب بدون حل نیازمندی به دست نخواهد آمد، یگانه مالک و صاحب نیازمندیهای تمام امور کائنات تنها و تنها الله متعال است و به هیچ صورت از آن بی نیاز شده نمی توانند.

و هم چنان اثبات یکتا پرستی الله متعال با دلائل نقلی و عقلی ضمن بیان مثالهای گوناگون، از جمله باریدن آب از آسمان و زنده نمودن انواع میوه های زمین، و متفاوت بودن رنگهای کوهها، پخشی و بلندی آنها، و عدم مساوی بودن انسانها، جنبنده ها، حیوانات و غیره از لحاظ جنس، صنف، رنگ و غیره.. و حتی متفاوت بودن بنده های الله متعال به انواع مختلف ستم کننده بر نفس خویش، میانه رو، و پیشی کننده به کارهای نیک، و بیان با دایر آنها در آخر نتیجه کار و عمل.

و همچنان هر آن کسی که در برابر حقایق چشم دید، و گوش شنید، ضد، و عناد کند نماید عاقبت و خاتمه آن به زنده گی همیشگی و دائمی که هرگز از آن نجات نمی یابند، و سرانجام چانس خویش را از دست داده خائب و تاوانی خواهد ماند.

در آخر در وقتیکه پرده های حقائق دریده شود حق به حقداران سپاریده شود آنها که در برابر نعمتهای الله متعال تکبر، و ناسپاسی کرده اند با یکدیگر منازعه و مناقشه بی هوده می داشته باشند که هیچ نتیجه را ببار نخواهد آورد.

در آخر فرموده شد که الله متعال از بسیاری کاستیهای بنده های خویش درگذری میکند، ورنه اگر مؤاخذه کند هیچ جنبه را در روی زمین نمی گذاشت، و مهلت آنها تا یک وقت مقرر است و این حکمت را غیر از الله متعال کسی دیگری نمی داند.

واژه های کلیدی: سوره، فاطر، تفسیر، تفسیر موضوعی.

## فهرست موضوعات

عنوان ..... صفحه

مقدمه ..... 8-1

تمهید

(مفاهیم و کلیات)

مبحث اول

تعریف تفسیر موضوعی

10.....:مطلب اول:معنا ومفهوم تفسیر:

10.....الف: تعریف تفسیر در لغت

10.....ب: تعریف تفسیر در اصطلاح

11.....مطلب دوم: معنا ومفهوم کلمه موضوع:

11.....الف: تعریف موضوع در لغت

11.....ب: تعریف موضوع در اصطلاح

11.....مطلب سوم:تعریف تفسیر موضوعی:

12.....مطلب چهارم: اقسام تفسیر موضوعی:

12.....قسم اول: تفسیر موضوعی مصطلح یا کلمه واحد در قرآن کریم

14.....قسم دوم: تفسیرموضوعی واحد درقرآن کریم

15.....قسم سوم: تفسیر موضوعی یک سوره درقرآن کریم

مبحث دوم

معرفی اجمالی سوره مبارکه (فاطر)

16.....مطلب اول: مشخصات سوره فاطر



- الف: نام گذاری سوره مبارکه فاطر..... 16
- ب: وجه تسمیه این سوره:..... 16
- ج: محل نزول این سوره:..... 16
- د: تعداد آیات این سوره:..... 17
- ه: خصائص و فضائل این سوره:..... 17
- و: مضمون و محتوای این سوره:..... 18
- ز: محور اساسی سورت مبارکه فاطر:..... 19
- مطلب دوم: مناسبت و ارتباط ط این سوره به سورهما قبل آن (سوره سباء)..... 21
- مناسبت و ارتباط اول:..... 21
- مناسبت و ارتباط ط دوم:..... 21
- مناسبت و ارتباط ط سوم:..... 22
- مناسبت و ارتباط ط چهارم:..... 22
- مناسبت و ارتباط ط پنجم:..... 23
- تفسیر موضوعی سوره مبارکه (فاطر) این سوره به هفت مقاطع تقسیم شده است**
- مقطع اول: آیات ( 1- 4 ) ..... 25-39**
- دلایل بر قدرت الله (جل جلاله) و ذکر نعمات آن..... 52
- تفسیر اجمالی آیات:..... 26
- دلیل عقلی اول:..... 26
- دلیل عقلی دوم:..... 30
- دلیل عقلی سوم:..... 32

- 35.....دلیل چهارم: اثبات رسالت رسول الله صلى الله عليه وسلم وتسليط به آن
- 37.....رهنمایی های آیات این مقطع
- 38.....مناسبت این مقطع با محور سوره
- 53-40.....مقطع دوم: آیات (5-8)
- 40.....تحدیر از محبت دنیا و فریب شیطان
- 41.....مناسبت این مقطع با مقطع قبلی
- 42.....تفسیر اجمالی آیات:
- 43.....دشمنی شیطان با انسانها
- 45.....سرانجام دو گروه
- 46.....فریب خوردن انسان به چیزهای باطل و بی هوده
- 50.....ارتباط این مقطع با محور اصلی سوره
- 53.....رهنمای های آیات این مقطع
- 71-54.....مقطع سوم: آیات (9-14)
- 54.....دلائل قدرت الله متعال (جل جلاله) بغرض اثبات بعث
- 54.....مناسبت این مقطع با مقطع قبلی
- 54.....اثبات بعث بعد الموت (زنده شدن بعد از مرگ)
- 55.....تفسیر اجمالی آیات:
- 55.....دلیل عقلی اول:
- 58.....راه عزت و سرانجام مکرکننده گان
- 61.....مراحل خلقت انسان

- الف: دلیل عقلی دوم:.....61.....
- ب: دلیل بر کمال علم الله متعال (جل جلاله).....63.....
- عالم بحر ها وافلاک.....65.....
- ج: دلیل عقلی سوم: بر اثبات وحدانیت الله.....65.....
- پس معبود کسی است که دارای چنین اوصاف باشد.....69.....
- مناسبت وارتباط این مقطع با محور سوره.....70.....
- رهنمای آیات این مقطع.....70.....
- مقطع چهارم: آیات (15 - 26).....82-72.....**
- انسان ها از خالق خویش بی نیاز شده نمیتوانند.....72.....
- مناسبت وارتباط این مقطع با مقطع قبلی.....73.....
- تفسیر اجمالی آیات:.....74.....
- دواشیاء متضاد باهم برابر نیستند:.....78.....
- تسلیت به رسول الله (صلی الله علیه وسلم).....80.....
- مناسبت وارتباط بین مقطع و محور سوره.....81.....
- رهنمایی های آیات این مقطع.....81.....
- مقطع پنجم: آیات (27 - 35).....97-83.....**
- اثبات توحید بادلائل عقلی و نقلی.....83.....
- مناسبت وارتباط این مقطع با مقطع قبلی.....84.....
- تفسیر اجمالی آیات:.....85.....
- متفاوت بودن رنگ ها,میوهها,انسانها,کوه ها,حیوانات,وغیره.....85.....

- 85..... دلیل عقلی اول:.....
- 90..... قرآن کریم بهترین نعمت الله به بندگانش.....
- 96..... مناسبت بین مقطع و محور سوره.....
- 97..... رهنمای آیات این مقطع.....
- 106-98..... **مقطع ششم: آیات (36-39)**.....
- 98..... تهدید کفار و ذکراحوال آنها در آتش.....
- 100..... مناسبت وارتباط این مقطع با مقطع قبلی.....
- 100..... تفسیر اجمالی آیات:.....
- 100..... تهدید کفار و ذکر احوال آنها در آتش.....
- 103..... دلایل وشواهد بزرگ بر قدرت الله متعال (جل جلاله).....
- 105..... مناسبت وارتباط این مقطع با محورسوره.....
- 106..... رهنمایی های آیات این مقطع.....
- 115-107..... **مقطع هفتم: آیات (40-45)**.....
- 107..... مناقشه مشرکین در مورد عبادت بت ها وانکار آنها از توحید ورسالت.....
- 107..... مناقشه مشرکین.....
- 108..... مناسبت وارتباط این مقطع با مقطع قبلی.....
- 108..... تفسیر اجمالی:.....
- 110..... اسباب ووسائل که مانع ایمان واسلام آوردن برای شخص واقع میگردد.....
- 112..... تشویق وترغیب به سیرو نشانهای قدرتهای بی پان الله متعال (جل جلاله) بغرض پند و عبرت.....

112.....	حلم, گذشت و لطف مهربانی خداوند متعال (جل جلاله) بالای مخلوق و بندگان خویش.....
112.....	مناسبت و ارتباط میان مقطع و محور سورة.....
113.....	رهنمای آیات این مقطع.....
114.....	مناسبت میان اول سورة و آخر سورة.....
116.....	خاتمه:.....
117.....	اول: نتیجه گیری:.....
118.....	دوم: پیشنهادات:.....
119.....	سوم: فهرس:.....
122.....	فهرست آیات:.....
123.....	فهرست احادیث:.....
125.....	فهرست أعلام:.....
126.....	فهرست مصادر و مراجع:.....
129.....	Summary.....

## مقدمه

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له، ومن يضل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمدا عبده ورسوله.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ<sup>1</sup>.  
يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا<sup>2</sup>.  
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (70) يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا<sup>3</sup>.

أما بعد:

بعد از تلاش و مشوره با استادان گرامی تفسیر موضوعی سوره مبارکه فاطر را به حیث عنوان تیزس ماستری خود انتخاب نمودم که این موضوع یک نوع از انواع تفسیر موضوعی سوره مبارکه فاطرا در برمیگیرد، دین مبین اسلام دین که هر کس به اندازه خود در قبال خدمت به آن مکلف است، چنانچه الله متعالی اولین وحی که به رسول الله گرامی ما حضرت محمد صلی الله علیه وسلم نازل کرد کلمه (اقرأ) بود، تا به این طریق انسان ها را به اهمیت علم و دانش آگاه ساخته، و از تاریکی جهل و نادانی برهاند.

از آنجایی که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم فرموده اند: علماء وارثین انبیاء هستند، از گذشته تا اکنون علمای بزرگ اسلام بخاطر ادای این وجیبه ارزشمند قد علم نموده و تفاسیر ارزشمندی به زبان های مختلف دنیا به رشته تحریر در آورده اند، بناء بنده به عنوان یکی از طلبه های تفسیر و حدیث با قدم گذاشتن به در یای بی کران علم تفسیر شریف و نوشتن تفسیر موضوعی با استفاده از این بحر بی کران به لطف خداوند رحمان خواهان خدمت به دین مبین اسلام، و خدمت به وطن عزیز ما افغانستان می باشم.

<sup>1</sup>- سوره ال عمران (آیه) (101)

<sup>2</sup>- سوره نسا (آیه) (1)

<sup>3</sup>- سوره احزاب (آیه) (70-71)



## اهمیت موضوع:

این موضوع دارای اهمیت خاصی بوده ضمن آنکه تحریر این رساله برای بنده از لحاظ بلدیت به مراجع و روش نوشتاری حایز اهمیت بوده همچنان در بخش اعتقادی برای عامه مردم اهل علم و مطالعه مفید است، چون موضوع آن بحث کلی اثبات توحید و یکتاپرستی است، بناء میتوان اهمیت کلی این موضوع را در چند نکته ذیل مشخص نمود.

1- قرآن کریم کتاب مسلمانان است و موضوعاتی که در این کتاب ذکر شده است برای هر فردی از مسلمانان مهم و فهمیدن آن ضروری است زیرا این کتاب برای ما مسلمانان حیثیت قانون الهی را دارد. بنا براین سوره مبارکه فاطر که یکی از سوره های کلیدی و پر محتوی قرآن کریم است که در آن موضوعات کلیدی در باب عقیده که ایمان به بعث بعد الموت ایمان به امورات غیبی و ایمان به رسالت رسول الله صلی الله علیه وسلم و غیره موضوعات درآنگنجانیده شده است از همین جهت تحقیق در این سوره از دید بنده ضروری و با اهمیت میباشد.

2- قرآن کریم یک کتاب زنده و پویا است که مطالب آن مطابق به واقع میباشد گرچه انسانهای آن عصر نتوانند که موضوعات آنرا درک کنند اما به هر اندازه که علم پیشرفت میکند حقایق و موضوعات قرآن کریم زیاد تر روشن میشود و انسان چنان فکر میکند که قرآن کریم همین امروز برای بشریت نازل شده است سوره مبارکه فاطر نیز حاوی مطالبی است که امروزه برای اثبات آن نیازی به دلیل نیست مانند اثبات هلاکت اقوام گذشته که در اثر تکنالوژی امروزی بقایا آثار و علایم تمدن آنها تاحدی کشف شده است پس از این لحاظ بررسی آیاتی که در این مورد در سوره مبارکه فاطر آمده است و مطابقت آنها با تکنالوژی عصر فعلی یک امر پسندیده و ضروری میباشد تا از این طریق از یک جهت پرده از معجزات قرآن کریم برداشته شده و از سوی دیگر از بزرگترین دلایل به اثبات الهی بودن قرآن کریم است.

3- تلاوت و تحقیق پیرامون آیات و سوره های قرآن کریم نه تنها که دارای پاداش عظیمی است بلکه ایمان انسان مسلمان را افزوده و سبب اطمینان قلبی انسان میشود و سوره مبارکه فاطر زیاد ترین آیات را در این مورد داشته و مشکلات دنیوی و اخروی انسان ها را حل میسازد.

## سبب اختیار موضوع:

چون سوره مبارکه (فاطر) موضوعات مهمی مانند اصول دین (مسائل اعتقادی) مانند: (توحید رسالت و معاد) را به شکل واضح مورد پژوهش قرار داده است که فهم، درک و اعتقاد به آن مسائل به

شکل درست آن یکی از مهمترین وجایب هر مسلمان میباشد، که بدون اعتقاد راسخ به موضوعات متذکره انسان مسلمان گفته نمیشود، فلهدا بنده خواستم تا تفسیر موضوعی این سوره را موضوع رساله ماستری خویش انتخاب نمایم تا روی موضوعاتی مهمی را که این سوره احتوا نموده است تحقیق بیشتر صورت گرفته و در دسترس مردم قرارگیرد.

وهم چنانبنا بر قوانین ومقررات وزارت تحصیلات عالی کشور برهرفرد از محصلین لازم است تا در پایان دوره تحصیلی خود تحقیقی را به حیث نتیجه دوره تخصص در رشته تحصیلی شان بنویسند، بنده نیز مکلف بودم تا موضوعی را انتخابنموده وروی آن بحث نمایم، ازهمین جهت بنده تفسیرموضوعی سوره مبارکه (فاطر) را انتخاب نمودم، که میتوان نکات ذیل را از مهمترین اسباب انتخاب این موضوع به عنوان رساله ماستری شمرد.

1- اولین سبب اختیار این موضوع، علاقه مندی شخصی خودم نسبت به موضوع بود.

2- تکمیل پایان نامه یا رساله ماستری.

3- ضرورت مبرم جامعه به فهم دقیق قرآن کریم، خصوصا مسائل اعتقادی مربوط به این سوره.

### **ضرورت تحقیق:**

مطالعه وبررسی روی این موضوع بنا بر دلایل ذیل ضروری ولازمی است.

1- قرآن کریم منحیث دستور العمل برای زندگی همه انسانها وخصوصا برای کسانی که توسط این کتاب هدایت شده وبه آنایمان آورده اند میباشد سوره مبارکه فاطر حاوی احکامی عقیدتی و عملی بوده که شامل ایمان به الله ایمان به زنده شدنبعد از مرگ یا همان آخرت وایمان به رسالت رسول الله صلی الله علیه وسلم است که بررسی این مطالب به یک انسانمسلمان ضروری ولازمی میباشد.

2- سوره مبارکه فاطر حاوی مسایل واحکام متعلق به بعث بعد الموت وشهادت قرآن کریم به این قضیه رد منکرین قیامتوزجر تهدید آنها ذکر دلایل عقلی به اثبات بر انگیخته شدن بعد ازمرگ ذکر عذاب منکرین وهلاکت اقوامی که توحید اللهرا انکار نمودند.

اثبات توحید الوهیت وربوبیت با دلایل گوناگون آفاقی وانفسی، ذکر مراحل خلقت انسان ها و ذکر انواع نعمات الهی ذکر فرستادن انبیاء جهت رهنمایی بشریت بههمه اقوام ودر اخیر مهلت دادن الله متعال برای انسان ها وعدم عذاب آنها در درمقابل معصیت آنها که نشان دهنده رحمت وفیض بی پایان الله متعال میباشد.

## مشکلات تحقیق:

- این بحث از جوانب مختلف ذیل مشکلات جامعه ما را حل میسازد.
- 1- یک تعداد افراد جامعه در مورد معرفت توحید و یکتا پرستی معلومات کافی ندارند، افراد متذکره میتوانند با مطالعه این بحث در مورد عقیده راسخ به دست آورند.
  - 2- این بحث کسانی را که عقیده ضعیفی در برابر توحید الله متعال دارند، هشدار داده، وبه آنها میفهماند که وجود موجودیت تمام امور کائنات دلالت بوجود خالق جهان میکند.
  - 3- مطالعه این بحث ایمان انسان های ضعیف الایمان را تقویت کرده، و آنها را وادار به طاعت بیشتر الله به متعال مینماید، زیرا بدون خالق واحد کسی دیگری هم وجود ندارد.

## سوالات اصلی تحقیق:

- 1- سوره مبارکه (فاطر) از چه موضوعاتی بحث میکند؟

## سوالات فرعی تحقیق:

- 1- ارتباط مقاطع این سوره (فاطر) با محور اصلی آن چگونه است؟
- 2- محتوای سوره فاطر چیست؟
- 3- سوره مبارکه (فاطر) من حیث موضوع به چند مقاطع تقسیم شده اند؟

## پیشینه تحقیق:

ریشه های تفسیر موضوعی در خود قرآن کریم موجود است، زیرا در بسیاری موارد قرآن کریم خود آیاتش را توسط آیات دیگر تفسیر می نماید.

رسول الله صلی الله علیه وسلم زمانی که قرآن را برای اصحابش تفسیر و توضیح میداد، در اکثریت موارد آیه ها را با آیه دیگر شرح میداد، پس این موضوع خود حکایت گر این است که اساس وجذور تفسیر موضوعی در خود قرآن کریم و در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم وجود داشته است، اما تدوین و تصنیف به مثابه یک علم جدید به عنوان (تفسیر موضوعی سور قرآن کریم) میتوان تاریخ آنرا در قرن چهاردهم هجری قمری برشمرد<sup>4</sup>.

این نوع تفسیر گرچه در تاریخ پر بار فرهنگ اسلامی پیشینه کوتاهی دارد، اما با آن هم مثمر ترین ثمرات خویش را تقدیم جامعه اسلامی نموده است.

<sup>4</sup> - سعید، عبدالستار فتح، المدخل الی التفسیر الموضوعی، (1406هـ ق) ص 29، ناشر: دار التوزیع والنشر الاسلامیه، القاهره، طبع الاولی.

کتاب های که در مورد تفسیر موضوعی سوره مبارکه (فاطر) ضمن سایر سوره ها بحث و بررسی نموده اند قرار ذیل اند:

1- التفسیر الموضوعی لسور القرآن. که مجموعه از نخبگان علم تفسیر و علوم قرآنی تحت اشراف دکتور مصطفی مسلم آنرا به رشته تحریر در آورده اند.

2- التفسیر الموضوعی لسور القرآن. که دکتور عبدالحمید تهماز آنرا نگاشته است، این هردو تفسیر سوره مبارکه (فاطر) را ضمن سایر سوره های قرآن کریم بر اساس اسلوب و منهج تفسیر موضوعی به صورت علمی آن تفسیر کرده اند.

اما سوره مبارکه (فاطر) به عنوان یک بحث علمی مستقل به صورت علیحده به زبان های ملی افغانستان نظر به مطالعه من تا هنوز مورد کاوش قرار نگرفته است، نا گفته نباید گذاشت که قرآن کریم دستور کامل دین و دنیا بوده و متضمن معانی مفاهیم بی پایانی است که عقل و اندیشه انسان از درک همه آنها قاصر است، ولی هر مفسر حسب مایه و مستوای علمی خویش قدری از بحر بی پایان معارف الهی بهره گرفته پیرامون شرح معانی و استنباط احکام قرآنی به اندازه طاقت بشری خویش در افشانی کرده اند.

که هرکدام جایگاه برانزده خود را دارد، زیرا قوه عقل و نیروی تفکر انسان ها در درک و فهم مسایل یک رنگ و متحد نبوده بلکه از هم تفاوت دارند، بناءً بنده در حد توان فکری و تناسب علمی خویش کوشیده ام تا به توفیق پروردگار در این بحث و تحقیق علمی مسایل جدیدی را بیافزایم که تا هنوز به آن پرداخته نشده است.

### روش تحقیق:

در راستای تحقیق و تدوین این رساله علمی، از روش تفسیر موضوعی را انتخاب نموده ام.

و برخی نکات مهمی که در انجام این تحقیق به کار برده ام قرار ذیل اند:

1- در تفسیر آیات قرآن کریم از تفاسیر مهم اهل سنت مانند تفسیر مفاتیح الغیب، تفسیر در المنثور، تفسیر طبری، تفسیر قرطبی، تفسیر ابن کثیری، تفسیر منیر تفسیر تفهیم القرآن، تفسیر ازهر البیان، تفسیر معارف القرآن، تفسیر احسن الکلام، بیشتر استفاده نموده ام. و مرجع آن را در پاورقی با ذکر نام سوره و شماره آیه ذکر کرده ام.

- 2- احادیثی که از صحیح البخاری و صحیح مسلم نقل کرده ام به علت این که احادیث این دو کتاب بزرگ همه صحیح میباشند بناءً حکم آنها را ذکر نکرده ام، اما احادیثی که از سایر کتبهای حدیث نقل کرده ام حکم آنها را با استفاده از کتاب های محققین علم حدیث در پاورقی بیان کرده ام.
- 3- در پاورقی أعلام و شخصیت های غیر مشهور را معرفی نموده ام.
- 4- در ترجمه آیات از تفسیر شاه ولی الله دهلوی استفاده کرده ام، چون از لحاظ ترجمه لفظی و مفهومی یک ترجمه روان و سلیس است.
- 5- فهرس آیات واحادیث وغیره.

### خطه بحث:

بحثی را که بنده به رشته تحریر در خواهم آورد دارای خطواط ذیل میباشد: مقدمه، تمهید، اصل مسئله هفت مقاطع، خلاصه، و نتیجه گیری.

1. **مقدمه:** در این قسمتی از بحث پیرامون معرفی موضوع . سبب اختیار موضوع. غرض وهدف از تحقیق موضوع سوالات تحقیق. که به دو بخش تقسیم میشوند (سوالات اصلی و سوالات فرعی تحقیق) فرضیه تحقیق روش تحقیق و پیشنهاد تحقیق به صورت فشرده سخن رفته است.

2. **تمهید:** در این بخشی از کار تحقیق پیرامون آشنایی با سوره مبارکه فاطر سخن رفته که مشتمل است بر موارد آتی.

(الف) **نام این سوره:** در این قسمتی از بحث پیرامون نام این سوره سخن رفته است.

(ب) **وجه تسمیه این سوره:** این حصه از بحث وجه تسمیه سوره موصوف را به بحث و بررسی گرفته است.

(ج) **محل نزول این سوره:** در این بخش پیرامون مکان نزول سوره متذکره سخن رفته و بحث و گفتگو شده است.

(د) **تعداد آیات این سوره:** این قسمتی از نبشته تعداد آیات این سوره را مورد بحث قرار داده است.

(ه) **خصایص این سوره:** در این قسمت پیرامون خصوصیات و ویژگی های سوره متذکره بحث و گفتگو شده است.

(و) مضمون و محتوای این سوره: در این بخش پیرامون مضمون و محتوای این سوره به فشرده بحث شده است.

(ز) محور این سوره: در این قسمت محور اصلی سوره که (توحید) است بررسی و تحقیق صورت گرفته است.

3- اصل مسئله: این قست از بحث تشکیل دهنده ستون فقرات موضوع مورد بحث و متن کار تحقیق را بیان میکند که حاوی هفت مقاطع ذیل میباشد.

- **مقطع اول: دلایل بر قدرت الله (جل جلاله) و ذکر نعمات آن (1-4).** در قسمت اول سوره هذا موضوع اثبات قدرت الله متعال (جل جلاله) با دلایل مقنع و اثبات توحید و رسالت در خلال چهار آیه بررسی شده است.

- **مقطع دوم: اثبات بعث بعد الموت آیات (5-8).** در این بخشی از سوره مبارکه اثبات بعث بعد الموت و مجازات انسان های که فریب دنیا را خورده و پیروی از خواهشات نفسانی و شیطان میکنند در خلال چهار آیه مورد بحث قرار گرفته است.

❖ **مناسبت این مقطع با مقطع قبلی:**

- **مقطع سوم: دلائل قدرت الله متعال (جل جلاله) ضمن اثبات بعث آیات (9-14).** در این قسمتی از بحث در مورد اثبات وحدانیت الله متعال با دلایل نقلی و عقلی در خلال شش آیه مورد بحث قرار داده است.

❖ **مناسبت این مقطع با مقطع قبلی:**

- **مقطع چهارم: انسان ها از خالق خویش بی نیاز شده نمیتوانند آیات (15-26).** در این بخشی از بحث آگاهی دهی از شخصی بودن مجازات و مکافات در برابر اعمال و مفید بودن تخویف به انسان های نیکوکار در خلال دوازده آیه به بررسی گرفته شده است.

❖ **مناسبت این مقطع با مقطع قبلی:**

- **مقطع پنجم: اثبات توحید با دلائل عقلی و نقلی آیات (27-35)** در این بخش از بحث اثبات دلایل وحدانیت الله متعال با دلایل نقلی و عقلی و ذکر خوف بیشتر علما از الله متعال در خلال نه آیه بیان شده است.

❖ **مناسبت این مقطع با مقطع قبلی:**



- **مقطع ششم: تهدید کفار و ذکراحوال آنها درآتشآیات(36-39)** در این بخشی از آیات زجر و تهدید است بر کفار و منکرین قیامت با ذکر احوال آنها درجهنم در خلال چهار آیه بحث شده است.

❖ **مناسبت این مقطع با مقطع قبلی:**

- **مقطع هفتم: مناقشه مشرکین در مورد عبادت بت ها و انکار آنها از توحید و رسالت آیات** (40-45) در این بخشی از آیات ذکر قباحت بت پرستی و انکار مشرکین از توحید و رسالت در خلال شش آیه بحث و بررسی شده است.

❖ **مناسبت این مقطع با مقطع قبلی:**

- **ربط و مناسبت آخر سوره مبارکه فاطر با اول آن:** در این بخش چگونگی ارتباط اول سوره (فاطر) با آخر آن بررسی شده است.
- **خلاصه:** در این قسمتی از بحث پیرامون فشرده موضوع به صورت اجمالی سخن رفته است.
- **نتیجه:** این حصه از بحث حاوی نتایج بدست آمده از موضوع تحقیق شده میباشد که در ختم کار تحقیق بدست آمده است.

# تمهید

(مفاهیم و کلیات)

## مبحث اول:

مبحث اول دارای چهار مطلب میباشد:

مطلب اول:

تعریف تفسیر در لغت و در اصطلاح:

قبل از اینکه بر اصل موضوع (تفسیر موضوعی سوره مبارکه فاطر) بپردازیم، ایجاب میکند که به طور خلاصه و مختصر در رابطه به معنای لغوی و اصطلاحی تفسیر، و تفسیر موضوعی آشنا شویم.

**الف: تعریف تفسیر در لغت:**

تفسیر در لغت به معنای جستجو، تفحص، شرح کردن، بیان کردن، بیان و تشریح معنی و لفظ قرآن، و بالاخره به استخراج احکام گفته میشود.<sup>5</sup> و یا تفسیر از فسر گرفته شده به معنای: کشف و بیان میباشد.<sup>6</sup>

و کلمه تفسیر در قرآن کریم تنها یکبار ذکر شده است که همین معنی را میدهد.<sup>7</sup> چنانچه الله متعال میفرماید: (وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا)<sup>8</sup>.

ترجمه: این کافران هیچ مثالی را (به عنوان اعتراض از قرآن و رخنه از رسالت و دعوت تو) به میان نمیکنند، مگر این که ما پاسخ راست و درست را، به بهترین وجه و زیباترین تبیین و تفسیر را به تو می نمایانیم و بدینوسیله اعتراضات واهی ایشان را پاسخ داده و باطل میگردانیم.

**ب: تعریف تفسیر در اصطلاح:** مفسرین کرام تفسیر را در اصطلاح چنین تعریف نموده اند.

التَّفْسِيرُ عِلْمٌ يُعْرِفُ بِهِ فَهْمُ كِتَابِ اللَّهِ الْمُنَزَّلِ عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَبَيَانُ مَعَانِيهِ وَاسْتِخْرَاجُ أَحْكَامِهِ وَحِكْمِهِ.<sup>9</sup>

1- النجار، إبراهيم مصطفى - أحمد الزيات، معجم الوسيط، (ب ت) ناشر: دار الدعوة، تحقيق: مجمع اللغة العربية، ج 1 ص 88 .

<sup>6</sup> - اصفهانی، ابو القاسم الحسين بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، (1412هـ) محقق: صفوان عدنان الداودی، ناشر: دار القلم، الدار الشامیه. دمشق بیروت، الطبعة الاولى، ص 571.

<sup>7</sup> - راجی: عبدالقدوس، علوم القرآن، ص 173، ناشر، انتشارات خراسان، نوبت چاپ، سوم، سال (1395هـ ش).

<sup>8</sup> - سوره فرقان. آیه [33].

<sup>9</sup> - زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، ج 1، ص 13، تحقيق، محمد ابوالفضل ابراهيم، ناشر: بيروت دارالمعرفة.

ترجمه: مفسران قرآن کریم در تعریف اصطلاحی تفسیرآراء مختلف دارند که راجح ترین آنها تعریف زرکشی<sup>10</sup> است که چنین تعریف نموده است: «تفسیر علمی است که به وسیله آن کتاب خداوند (جل جلاله) که بر پیامبرش محمد (صلی الله علیه وسلم) نازل شده فهمیده، و بیان معانی و استخراج احکام و حکمت های آن دانسته می شود».<sup>11</sup>

**مطلب دوم: معنا و مفهوم کلمه موضوع:**

**الف:** موضوع در لغت از وضع گرفته شده وضع مطلق گذاشتن یک چیز را در جای مشخص گویند.<sup>12</sup>

**ب:** تعریف موضوع در اصطلاح: علماء و دانشمندان علم تفسیر، تفسیر موضوعی را در اصطلاح چنین تعریف نموده اند.

هو علم یبحث فی قضایا القرآن الکریم، المتحددة معنی أوغایة، عن طریق جمع آیاتها المتفرقة، و النظر فیها، علی هیئة مخصوصة، بشروط مخصوصة لبيان معناها، و استخراج عناصرها، و ربطها برباط جامع.<sup>13</sup>

ترجمه: تفسیر موضوعی در اصطلاح علمی است که از قضایای که در قرآن کریم باهم در معنی یا هدف متحده اند، از طریق ظجمع نمودن آیات متفرق آن قضیه، و نظر اندازی در آیات جمع شده، به طریقه و شروط خاص، جهت بیان معنا و استخراج عناصر آنها، و ایجاد ارتباط جامع میان آن آیات بحث میکند.

**مطلب سوم: تعریف تفسیر موضوعی:**

هو علم یتناول لقضایا حسب المقاصد القرآنیة من خلال سورة أو أكثر.<sup>14</sup>

<sup>10</sup> - محمد بن بهادر بن عبدالله، ابو عبدالله زرکشی، فقیه، اصولی، ادیب و فاضل بود، از تألیفات او بحر المحيط و شرح جمع الجوامع است. امام زرکشی در سال (794 هـ) وفات نموده است. شذرات الذهب فی أخبار من ذهب لعبد الحی بن أحمد العکری الدمشقی ولادة المؤلف :: 1032 وفاة المؤلف :: 1089 دار النشر :: دار الکتب العلمیة ج 6 ص 335.

<sup>11</sup> - زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، ج 1، ص 13، تحقیق، محمد ابوالفضل ابراهیم، ناشر: بیروت دارالمعرفه.  
<sup>12</sup> - مسلم، دکتور مصطفی، مباحث فی التفسیر الموضوعی، سال (1426 هـ ق - 2005 م)، ص 16، ناشر: دار القلم، طبع چهارم.

<sup>13</sup> - سعید، عبدالستار فتح، المدخل الی تفسیر الموضوعی، ص 19.

<sup>14</sup> - مسلم، دکتور مصطفی، مباحث فی التفسیر الموضوعی، ج 1، ص 15-16.

ترجمه: تفسیر موضوعی در اصطلاح علمی است که قضایا را طبق مقاصد قرآن کریم از خلال یک یا بیشتر از یک سوره مورد بحث قرار میدهد.

به عباره دیگر، تفسیر موضوعی علمی است که از مفاهیم قرآنی طبق مقاصد قرآن کریم در خلال یک یا چند سوره بحث می نماید.

**مطلب چهارم: اقسام تفسیر موضوعی به سه قسم تقسیم میشود:**

**قسم اول: تفسیر موضوعی یک کلمه واحد در قرآن کریم:**

اینکه تتبع و تلاش کند باحث (بحث کننده) یک لفظی را از کلمات قرآن کریم سپس جمع کند آیاتی را ادر مورد همان کلمه وارد شده باشد، و یا هم در مورد مشتقاتی که از ماده لغوی آن باشد، و بعد از جمع آیات و احاطه آیات بسبب تفسیر آن شامل استنباط دلالات همان کلمه می باشد در خلال استعمال آیات قرآن کریم. بناء زیادی از کلمات قرآنی به شکل متکرر مصطلحات قرآنی گردیده است<sup>15</sup>.

مانند کلمات ذیل: امة، صدقة، جهاد، کتاب، مرض، منافقون، زکاة، أهل کتاب، ربا، وغیره.....

بطور نمونه مثال: تحت ماده کلمه "خ ي ر" که بر هفت وجه آمده است:

المال، الإیمان، الإسلام، الفضل، العافية، الأجر، الطعام، الظفر والغنیمة.

**وجه اول:**

کلمه خیر بمعنی مال آمده است در کلمات قرآنی، مانند این قول سبحانه و تعالی در سورت بقره شریف: {إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا} <sup>16</sup> یعنی مالا.

مانند این قول سبحانه و تعالی در سوره بقره شریف: {قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ} <sup>17</sup> من مال.

مانند این قول سبحانه و تعالی در سوره بقره شریف: {وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا تُنْفِسْكُمْ} <sup>18</sup> أي لا تنفقوا مالا.

مانند این قول سبحانه و تعالی در سوره بقره شریف: {وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤَفِّ إِلَيْكُمْ} <sup>19</sup> یعنی من مال.

<sup>15</sup> - مسلم، دكتور مصطفى، مباحث فی التفسیر الموضوعی، سال (1426 هـ ق - 2005 م) ج 1 ص 23 .

<sup>16</sup> - سوره بقره، آیه (170)

<sup>17</sup> - سوره بقره، آیه (215)

<sup>18</sup> - سوره بقره، آیه (272)

<sup>19</sup> - سور بقره، آیه (272)

مانند این قول سبحانه وتعالی در سوره "ص": {إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ} <sup>20</sup> یعنی حب المال <sup>21</sup>.

مانند این قول سبحانه وتعالی در سوره نور: {إِن عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا} <sup>22</sup> یعنی مالا.

وجه دوم:

کلمه خیر یعنی ایمان آمده است، مانند این قول سبحانه وتعالی در سوره "انفال": {وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ

فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ} <sup>23</sup> یعنی لو علم الله فيهم إيماناً.

مانند این قول سبحانه وتعالی در سوره "الانفال": {يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَىٰ إِنَّ

يَعْلَمُ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا} <sup>24</sup> یعنی إيماناً.

کقوله تعالی فی سورة هود: مانند این قول سبحانه وتعالی در سوره "هود":

{وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا} <sup>25</sup> یعنی إيماناً.

وجه سوم:

کلمه خیر یعنی اسلام آمده است. مانند این قول سبحانه وتعالی در سورة البقرة: {مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا

مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ} <sup>26</sup> یعنی الإسلام،

مانند این قول سبحانه وتعالی در سوره "ق": {مَنَاعٌ لِلْخَيْرِ} <sup>27</sup> یعنی الإسلام نازل شده است در باره ولید

بن المغيرة منع نمود برادرزاده خویش از اسلام آوردن، وجه چهارم:

کلمه خیر بمعنی أفضل آمده است. مانند این قول سبحانه وتعالی در سوره "المؤمنون": {وَقُلْ رَبِّ

اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ} <sup>28</sup> یعنی أفضل الراحمين،

مانند این قول سبحانه وتعالی در سوره "يونس": {وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ} <sup>29</sup> أي أفضل الحاكمين <sup>30</sup>.

<sup>20</sup> - سوره ص، آیه (32)

<sup>21</sup> - سعید، عبدالستار فتح، مباحث فی التفسیرالموضوعی، ج 1، ص 24-25.

<sup>22</sup> - سوره نور، آیه (34)

<sup>23</sup> - سوره انفال، آیه (23)

<sup>24</sup> - سوره انفال، آیه (70)

<sup>25</sup> - سوره هود، آیه (31)

<sup>26</sup> - سوره بقره، آیه (105)

<sup>27</sup> - سوره ق، آیه (25)

<sup>28</sup> - سوره مؤمنون، آیه (118)

<sup>29</sup> - سوره یونس، آیه (109)

<sup>30</sup> - مسلم، دكتور مصطفى، مباحث فی التفسیرالموضوعی، ج 1، ص 24-25.



مانند این قول سبحانه و تعالی در سوره " الزخرف " : {أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ} <sup>31</sup> من از آن بزرگ هستم.

### وجه پنجم:

کلمه خیر بمعنی عافیت آمده است مانند این قول سبحانه و تعالی در سوره " انعام " : {وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بَصْرًا فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} <sup>32</sup> یعنی سلامت.

### وجه ششم:

کلمه خیر بمعنی طعام آمده است. مانند این قول سبحانه و تعالی در سوره " قصص " : {قَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ} <sup>33</sup> یعنی الطعام.

### وجه هفتم:

کلمه خیر بمعنی به ظفر (کامیابی) و غنیمت در جنگ آمده است و الطعن فی القتال قوله تعالی فی سوره احزاب: مانند این قول سبحانه و تعالی {وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا} <sup>34</sup> یعنی ظفراً و غنیمة <sup>35</sup>.

### قسم دوم: تفسیر موضوعی موضوع واحد در قرآن کریم:

به این معنی و مفهوم که رعایت کند باحث در بحث و تفسیر خویش موضوع واحد را به اسالیب متنوع و مختلف از آیات قرآن کریم در تحلیل، و مناقشه، و تعلیق، و جستجو کند موضوع خویش را در خلال سوره های قرآن کریم، و در ضمن استخراج آیاتی را که در بر گیرنده و شامل همان موضوع باشد، و در تفسیر خویش از بحثهای جزئی ذیل خودداری نماید مانند ذکر نمودن بحث قراءات، و ذکر نمودن بحث وجوه الإعراب، و نکات بلاغی و غیره. مگر به مقدار ضرورت که ذهن را منصرف به طرف دیگر نگردد که تقریباً مؤلفات قدیم و جدید در بر گیرند همین نوع از تفسیر موضوعی میباشد <sup>36</sup>.

<sup>31</sup> - سوره زخرف، آیه (52)

<sup>32</sup> - سوره انعام، آیه (17)

<sup>33</sup> - سوره قصص، آیه (24)

<sup>34</sup> - سوره احزاب، آیه (25)

<sup>35</sup> - مسلم، دكتور مصطفى، مباحث فی التفسیر الموضوعی، ج، 1، ص 24-25.

<sup>36</sup> - مسلم، دكتور مصطفى، مباحث فی التفسیر الموضوعی، ج، 1، ص 27

## قسم سوم: تفسیر موضوعی یک سوره در قرآن کریم:

این نوع تفسیر موضوعی مشابه تفسیر موضوعی نوع دوم است مگر اینکه دایره این نوعی از تفسیر بسیار باریکتر از نوع دوم است و آن اینکه در این نوع بحث صورت میگیرد از هدف اساسی و از محور اساسی همان سوره واحد بنام سوره دارای اهداف اساسی مستقل میباشد طوری که معلوم است که سورت‌های مکی بحث مینمایند از اساس عقیده سه گانه اسلامی بشکل مفصل: که عبارتند از الوهیت، رسالت، بعث بعد الموت<sup>37</sup>.

و بحثی را که من در رساله خویش به تحریر در آورده ام از قسم سوم تفسیر موضوعی میباشد.

---

<sup>37</sup>-مسلم، دكتور مصطفى، مباحث فی التفسیر الموضوعی، ج1، ص 29

## مبحث دوم:

معرفی اجمالی سوره مبارکه (فاطر) دارای دو مطلب می باشد:

مطلب اول: مشخصات سوره فاطر:

الف: نام گذاری سوره مبارکه فاطر:

نام این سوره از واژه ی (فاطر) برگرفته شده است، طوری که که در آیه نخست این سوره هم بر آن اشاره کرده است <sup>38</sup>{الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ} <sup>39</sup>.

نام دیگری این سوره (ملایکه) نامیده شده است که این هم از آیه نخست این سوره برگرفته شده است <sup>40</sup>{جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا} <sup>41</sup>.

ب: وجه تسمیه این سوره:

وجه تسمیه این سوره طوری است که الله متعال در آغاز این سوهذات خویش رافاطر (آفریننده) آسمانها وزمین وسایر مخلوقات زمین خوانده است که بناء مسمی نمودن این سوره به فاطراز قبیل تسمیه کل به اسم جزء است یعنی کلمه (فاطر) جزء آیه شریف است اما تمام سوره به اسم جزء که (فاطر) است مسمی گردیده است <sup>42</sup>.

ج: محل نزول این سوره:

از شهادت درونی سوره چنین دانسته میشود که زمان و مکان نزول آن به احتمال زیاد دوره میانی مکه معظمه بوده است یعنی به اجماع علماء مکی بوده بعد از سوره (فرقان) و قبل از سوره (کهیعص) نازل شده است <sup>43</sup>.

<sup>38</sup> - مودودی، سید ابوالاعلی، تفسیر تفهیم القرآن، ج 5، ص 63.

<sup>39</sup> - سوره فاطر (آیه) (1)

<sup>40</sup> - مودودی، سید ابوالاعلی، تفسیر تفهیم القرآن، ج 5، ص 63.

<sup>41</sup> - سوره فاطر (آیه) (1)

<sup>42</sup> - بدخشانی، محمد اکرام الدین، تفسیر ازهرالبیان، ج 7، ص 53.

<sup>43</sup> - الزهري ابن شهاب [ تنزيل القرآن الناشر : دار الكتاب الحديث - بيروت - الطبعة الثانية ، 1980 تحقیق : د.

صلاح الدین المنجد عدد الأجزاء : 1، ج 1، ص 26.

وآن هم زمانی که مخالفت دشمنان دین مقدس اسلام در آن وقت به اوج بالای رسیده بود، ضمناً غرض ایشان برای نابودی و ریشه کن کردن دعوت رسول الله (صلی علیه وسلم) و حتی که از بدترین روشهای دشمنی هم دریغ و صرفه جویی در قبال آن هم نکرده اند، که در آنوقت سوره مبارکه فاطر شرف نزول یافته است.<sup>44</sup>

#### د: تعداد آیات این سوره:

عدد آیات این سوره (45) چهل و پنج آیه است کلمات این سوره (777) هفتصد و هفتاد و هفت کلمه است حروف این سوره (3130) سه هزار و یکصد و سی حرف است.<sup>45</sup>

#### ه: خصائص و فضائل این سوره:

در مورد فضیلت و تلاوت این سوره شریف آمده است که امام احمد بن حنبل<sup>46</sup> و غیره روایت کرده اند {عَنْ وَائِلَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أُعْطِيَتْ مَكَانَ التَّوْرَةِ السَّبْعَ، وَأُعْطِيَتْ مَكَانَ الزَّبُورِ الْمَثَانِي، وَفُضِّلَتْ بِالْمُفْصَلِ»<sup>47</sup>.

ترجمه: وائله<sup>48</sup> پسر اثقع از پیامبر (صلی الله علیه وسلم) روایت میکند که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرمود: که بجای توراة بمن (السبع) داده شده است و بجای زبور بمن (مثنین) داده شده است و بجای انجیل بمن داده شده است (مثنای) و فضیلت داده شده ام به مفصل.

<sup>44</sup> - مودودی، سید ابوالاعلی، تفسیر تفهیم القرآن، ج 5، ص 63

<sup>45</sup> - المدخل الی تفسیر الموضوعی، ج 7 ص 235

<sup>46</sup> - أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني سال تولد: سنة 164 در أوئل ربيع الأول، سال وفات: سنة 240. تهذيب التهذيب. ج 1 ص 72-73

<sup>47</sup> - أبو القاسم الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، [ المعجم الكبير، باب ابوالمليح بن أسامة الهذلي، عن وائلة ج 22 ص 75 الناشر: مكتبة العلوم والحكم - الموصل - (المتوفى: 360هـ) المحقق: حمدي بن عبد المجيد السلفيدار النشر: مكتبة ابن تيمية - القاهرة الطبعة: الثانية عدد الأجزاء: 25 ويشمل القطعة التي نشرها لاحقاً المحقق الشيخ حمدي السلفي من المجلد 13 (دار الصمعي - الرياض / الطبعة الأولى، 1415هـ - 1994م) [ترقيم الكتاب موافق للمطبوع، وهو ضمن خدمة التخریج] [ترقيم الكتاب موافق للمطبوع]

<sup>48</sup> - وائله بن اسقع بن عبدالعزيز بن عبدالليل بن ناشب بن غيرته بن سعد بن ليث، در زمان غزوه تبوك ايمان آورده، و مدت سه سال خدمت رسول الله نموده است، و نامبرده از جمله اهل صفة نیز بوده، ایشان در بصره زندگی میکرد و به شام هجرت کرده در

وجه استدلال اینست که سوره مبارکه "فاطر" از جمله سوره های "المثنی" میباشد.

قال العلماء: القرآن الكريم اربعة انواع 1- الطول 2- المؤمن 3- المثنی 4- المفصل

1- السبع والطول : اولها البقرة آخرها البراءة .

2- المؤمن: السبع الطول سميت بذلك لان كل سورة منها تزيد على مائة آية او تقاربها.

3- المثنی: تسمى كل سورة القرآن المثنی لان الانباء والخبر تشنی فيه.

4- المفصل: سور القصارسمى مفصلا لكثرة الفصول بين السور بسم الله وقيل لقلة المنسوخ فيه<sup>49</sup>.

ترجمة: علماء گفته اند که سوره های قرآن کریم به چهار گونه هستند: 1- طول، 2- مؤن، 3- مثنی، 4- مفصل، که سبع طول از آغاز سوره بقره گرفته تا به ختم سوره براءة.

مئون هر سوره را گویند که آیات آن صد و یا نزدیک تر به صد باشد.

مثنی سوره را گویند که انباء و قصص تکرار شده باشد.

مفصل سوره را گویند که سوره آن کوتاه باشد (و بسم الله الرحمن الرحيم) در میان همان سوره ها زیاد فاصله ایجاد کرده باشد، یا بخاطر آنکه در آنها نسخ به قلت (بسیار کم) ذکر شده باشد.

**و: مضمون و محتوای این سوره:**

1 – با حمد و ثنا و بیان صفات کمال خالق مبدع آغاز یافته است.

2 – تسلیت برای پیامبر (صلی الله علیه وسلم) در برابر تکذیب کننده گان.

3 – اقامه ادله از صفات هستی برای اثبات حشر و نشر و اثبات توحید.

4 – ابطال استعانت از مخلوق با بیان عجز و ناتوانی معبود.

---

غزوات کثیری اشتراک نموده و بالاخره در بیت المقدس در سال (100 هـ) وفات نموده است، ابن عبد البر الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ج 4 ص 1564.

<sup>49</sup> - البرهان فی علوم القرآن، ج 1، ص 245، تحقیق، محمد ابوالفضل ابراهیم، ناشر: بیروت دارالمعرفه.

5- بیان تفاوت میان مؤمن و کافر.

6- بعثت انبیاء (علیهم السلام) در تمام ملتها.

7- ارائه تفاوت رنگها، میوه ها، با درختان، وکوه ها، به عنوان دلیل بر قدرت، و حکمت، و علم محیط پروردگار.

8- منت نهادن بر امت اسلامی با اعطای قرآن، و اشاره بر گره های سه گانه.

9- پاداش به نیکو کاران و کیفر سخت برای کافران و بد کاران.

10- مطالبه دلیل عقلی و نقلی از مشرکان برای اثبات شرک شان.

11- بلاخره سوره مبارکه با اشاره به رحمت الهی در تأخیر عذاب مجرمان پایان یافته است<sup>50</sup>.

### ز: محور اساسی سوره مبارکه فاطر:

در این قسمت محور اصلی سورهمانند بسیاری از سوره های اثبات توحید<sup>51</sup> و اقامه ادله بر آن، و بطلان ریشه های اساسی شرک است، آیاتی که پیرامون این عنوان است بررسی و تحقیق صورت میگیرد و آنها عبارتند از.

### آیت اول:

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ<sup>52</sup>.

### آیت دوم:

وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فُسُقْنَاهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ.

<sup>50</sup> - الصابوني: محمد علي صفوة التفاسير الناشر: دار الصابوني للطباعة والنشر والتوزيع - القاهرة الطبعة: الأولى، 1417 هـ - 1997 م

<sup>51</sup> - أحمد بن محمد الشرقاوي " التفسير الموضوعي لسور القرآن، ج 6 ص 3.

<sup>52</sup> - سوره فاطرآیه (1)



اَمَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا اِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ  
يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ اُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ<sup>53</sup>.

آيت سوم:

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ اَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ اُنْثَى وَلَا تَضَعُ اِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا  
يُعَمَّرُ مِنْ مَعْمَرٍ وَلَا يُنْقَصُ [ص:342] مِنْ عُمْرِهِ اِلَّا فِي كِتَابٍ اِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ<sup>54</sup>.

آيت چهارم:

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٍ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ اُجَاجٌ وَمِنْ كُلِّ تَاكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا  
وَتَسْتَخْرِجُونَ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاحِرٍ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ<sup>55</sup>.

آيت پنجم:

وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ اِنَّ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا  
اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّتُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ<sup>56</sup>.

آيت ششم:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ اِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ اِنَّ يَشَاءُ يَذْهَبِكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ا  
وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ<sup>57</sup>.

آيت هفتم:

وَمَا يَسْتَوِي الْاَعْمَى وَالْبَصِيرُ ا وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ ا وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْحُرُورُ ا وَمَا يَسْتَوِي الْاَحْيَاءُ  
وَلَا الْاَمْوَاتُ اِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَمَا اَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ<sup>58</sup>.

<sup>53</sup> - سوره فاطرآيات (9-10)

<sup>54</sup> - سوره فاطرآية (11)

<sup>55</sup> - سوره فاطرآيه (12)

<sup>56</sup> - سوره فاطرآيات (13-14)

<sup>57</sup> - سوره فاطرآيات (15-16-17)

<sup>58</sup> - سوره فاطرآيات (19-20-21-22)

آیت هشتم:

{أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ} وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَأَلْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ} 59.

آیت نهم:

{إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ}.

آیت دهم:

{قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْهُ بَلْ إِنَّ يَعْذِرُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا}.

{إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا} 60.

مطلب دوم:

مناسبت وارتباط این سوره به سوره‌ها قبل آن (سوره سباء).

مناسبت اول:

حمد ثنا وصف خداوند متعال افتتاح هردوسوره شريف به حمد ثنا وصف خداوند متعال, شده است درمقابل نعمتهای ظاهری وباطنی از جمله نعمت خلق، رزق، هدايت، رحمت، بعث، جزا، وغيره بحث رفته است 61.

خداوند متعال درسوره سبا فموده است.

{الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ} 62.

59- سوره فاطرآیات (27-28)

60- سوره فاطرآیات (40-41)

61- أحمد بن محمد الشرقاوي " التفسير الموضوعي لسور القرآن " التفسير الموضوعي لسورة فاطر ج6 ص5-6-7- إعداد أستاذ التفسير وعلوم القرآن المشارك بجامعة الأزهر وجامعة القصيم .

62- سوره سبا آیه (1)

وهمچنان در سوره فاطر فرموده است.

{الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} <sup>63</sup>.

مناسبت وارتباط دوم:

انقطاع امید و آرزوی آنان مشرکین.

در آخر سوره قبلی بیان انقطاع امید و آرزوی آنان در تردوشک مریب هستند چنانچه خداوند متعال (بیان مینماید) <sup>64</sup>.

{وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلِ إِنْهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ} <sup>65</sup>.

و در این سوره بیان حال بشارت به مؤمنین توسط ملائک به باز شدن دروازه های رحمت خداوند متعال (جل جلاله) مورد بحث قرار میدهد.

چنانچه که یک جمله آیه اول سوره مبارکه فاطر بیان مینماید {جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} <sup>66</sup>.

مناسبت وارتباط سوم:

بطلان دعاوی مشرکین:

مبنای هر دوسوره بطلان دعاوی مشرکین، اعتقاد باطل، و گمان نمودن آنها به آلهه باطل که آنها مالک هیچ گونه اختیار، نفع، و ضرر، نیستند چنانچه خداوند متعال به طور استشهاد بیان میکند. <sup>67</sup>

{قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍَ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ} <sup>68</sup>.

<sup>63</sup> - سوره فاطر آیه (1)

<sup>64</sup> - التفسیر الموضوعی لسور القرآن " ج 6 ص 5-6-7

<sup>65</sup> - سوره سبا آیه (54)

<sup>66</sup> - سوره فاطر آیه (1)

<sup>67</sup> - أحمد بن محمد الشراوی، التفسیر الموضوعی لسور القرآن " ج 6 ص 5-6-7

<sup>68</sup> - سوره سبا آیه (22)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْهُ بَلْ إِنَّ يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا<sup>69</sup>.

### مناسبت وارتباط چهارم:

دعوت به تفکرو تدبیر در قبال الحقایق جهان.

اینکه در سوره ماقبل (سوره سبا) دعوت به تفکرو تدبیر در قبال الحقایق جهان است چنانچه خداوند متعال در سوره (سبا) گواهی میدهد<sup>70</sup>.

قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَىٰ وَفَرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ<sup>71</sup>.

و در این سوره (فاطر) دعوت به تفکرو معان نظر است طوری که در آیات و دلایل کونی بر قدرتهای الهی (جل جلاله) و ترغیب به سیر نمودن بغرض عبرت و پند در قبال انجام و عاقبت منکرین و اقوام گذشته (یعنی اقوام هلاک شده).

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا<sup>72</sup>

### مناسبت و ارتباط پنجم:

سر انجام و عاقبة دشوار مشرکین.

در هر دو سوره بحث شده است در مورد سرانجام و عاقبت دشوار، و خطیر (مکر و فریب) و انکشاف حال مکذبین و ماکرین چنانچه که خداوند متعال مهربانی میکند<sup>73</sup>. **أَوْ قَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ**

<sup>69</sup> سوره فاطر آیه (40)

<sup>70</sup> - أحمد بن محمد الشرقاوي، التفسير الموضوعي لسور القرآن " ج 6 ص 5-6-7.

<sup>71</sup> - سوره سبا آیه (46)

<sup>72</sup> - سوره فاطر آیه (44)

<sup>73</sup> - أحمد بن محمد الشرقاوي، التفسير الموضوعي لسور القرآن، ج 6 ص 5-6-7

اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا  
الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَعْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ<sup>74</sup>.

وهم چنان فرموده است: (مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ  
الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ)<sup>75</sup>.

---

<sup>74</sup> - سوره سبأ، آیه (33)

<sup>75</sup> - سوره فاطر، آیه (10)

# تفسیر موضوعی سوره مبارکه (فاطر)

این سوره به هفت مقاطع تقسیم شده است

## دلایل بر قدرت الله (جل جلاله) و ذکر نعمات آن

### آیات (4-1)

آیات (1-4) دلیل بیان نمو دن قدرتهای (الله متعال) (جل جلاله) و اثبات توحید و یکتا پرستی اثبات توحید و یکتا پرستی ضمن بیان حمد و ستایش پروردگار (جل جلاله).

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (1) مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (2) يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (3) وَإِنْ يَكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (4)<sup>76</sup>.

ترجمه: همه ستایش خدای را است آفریننده آسمانها و زمین سازنده فرشتگان را پیغامبر سازنده ایشان را خداوند بازوها دوبرال دوبرال و سه بال سه بال و چهاربال چهاربال زیاده میکند در آفرینش هر چه خواهد هر آئینه خدا بر هر چیز تواناست (1) آنچه گشاده سازد خدا برای مردمان از رحمت پس هیچ بند کننده نیست آنرا و آنچه بند کند پس هیچ گشاده سازنده نیست آنرا بعد از وی (یعنی غیر وی) و اوست غالب با حکمت (2) ای مردمان یاد کنید نعمت خدا بر خویش آیا هیچ آفریننده هست غیر خدا روزی میدهد خدا شما را از جانب آسمان و زمین نیست هیچ معبود مگر وی پس از کجا گردانیده می شوید (3) و اگر بدروغ نسبت کنند ترا پس هر آئینه بدروغ نسبت کرده شدند پیغامبران پیش از تو و بسوی خدا باز گردانیده می شود کارها (4).

## تفسیر اجمالی:

### دلیل عقلی اول:

{الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ... تا... عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} تمام صفات کارسازی مختص به اوتعالی است، خالق زمین و آسمان نیز او است، فرشتها را نیز او پیدا کرده است، و خدمات مختلف را به ذمه آنها نهاده است، پس فرشتگان خادم اند، نه کارساز، الله ذاتی است که مالک تمام صفات کارسازی است، و خالق تمام کائنات<sup>77</sup>.

سوره فاطر از میان سوره که افتتاح و آغاز آنها به حمد و ستایش الله (جل جلاله) شده است پنجمین نمبر سورتی است که آنها عبارتند از سوره الفاتحه، سوره الانعام، سوره الکهف، سوره السبا که دویان در نصف اول ودوی آن در نصف اخیر قرآن کریم قرار دارد، که سوره فاتحه مشترک میان هر دو (نصف اول و نصف اخیر) است<sup>78</sup>.

حکمت اساسی در قول الله متعال اینست که نعمت های الله متعال که آنها از توان انسانها بیرون است و درج حساب نمی شوند بر دو گونه اند. (1) نعمت ایجا د 2 نعمت ابقاً که مفهوم نعمت ایجا را میتوانیم طوری خلاصه نماییم که الله متعال مخلوق و انسانها از عدم به صحنه هستی آورد و در این هستی زنده گی خویش را به سر می برند و مفهوم نعمت ابقاً را طوریکه خلاصه مینماییم که انسانها به آن نعمتها در امور زنده گی و معیشت خویش به استفاده آنها نیاز مبرم دارند و هگز نمی توانند که از استفاده آنها بی نیاز و مستغنی باشند.

و همچنان انسانها را دو حالت می باشد: حالت ابتداء (پیدایش) و حالت اعاده، (بازگشت) که خداوند متعال هر دو گونه نعمتها را برای انسانها ارزانی کرده است که خداوند متعال در سوره مبارکه (انعام) اشاره کرده است در برابرشکرگذارین نعمت (ایجاد).

<sup>77</sup> - المدنی، حسین علی، تفسیر جواهر القرآن، ج 5، ص 185.

<sup>78</sup> - الرازی، أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التیمی الشافعی الملقب بفخر الدین خطیب الری: مفاتیح الغیب التفسیر الکبیر، ج 25 ص 190 (المتوفی: 606 هـ) الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت الطبعة: الثالثة (1420 هـ).



{الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ} و همچنان آیه بعدی این سوره اشاره به نعمت (ایجاد) نموده است میفرماید {هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ} <sup>79</sup>.

ترجمه: اوست آنکه بیافرید شما را از گل باز مقرر کرد وقت مرگ را ومدتی معین است نزدیک او و باز شما شك می کنید.

ربط این دو آیه از سوره انعام به آیه اول از سوره فاطر در نعمت ایجاد است.

و در سوره مبارکه (کهف) خداوند متعال اشاره کرده است به نعمت (ابقاً) {الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا} <sup>80</sup>.

ترجمه: همه ستایش آن خدای راست که فرو فرستاد بر بنده خود کتاب و پیدا نه کرد در وی هیچ کجی.

که انسانها میتوانند زنده گی خویش را در پرتوروشنای کتاب وقوانین شرع بسربرند و در غیر آن هر کسیکه منقاد و پیرو خواهشات نفسانی خویش می بودند.

ربط این آیه از سوره کهف به آیه اول از سوره فاطر در نعمت ابقاً است.

و در سوره مبارکه (سبأ) خداوند متعال اشاره به نعمت ایجاد میکند.

{الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ} <sup>81</sup>.

ترجمه: همه ستایش خدائرا است که بدست اوست آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین است و مر او راست ستایش در آخرت و اوست با حکمت آگاهکه دلالت میکند بر این جزء آیه شریف {وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ}.

ربط این آیه از سوره (سبأ) به آیه اول از سوره فاطر در نعمت ایجاد است.

و در سوره مبارکه (فاطر) خداوند متعال (جل جلاله) اشاره میکند بر نعمت (ابقاً)

<sup>79</sup> - سوره انعام آیات (1-2)

<sup>80</sup> - سوره کهف , آیه (1)

<sup>81</sup> - سوره سبأ, آیه (1)

{الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} <sup>82</sup>.

که دلالت میکند برآن جزء آیه شریف { جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا } <sup>83</sup>.

یا اینکه خداوند متعال ذات خویش را حمد و توصیف نموده است قبل از حمد و توصیف نمودن بنده گانش، و ثنا گفته است بر ذات خویش قبل از ثناء گفتن بنده گانش، درحقیقت تعلیم داد برای بنده گان خویش که فقط الله متعال (جل جلاله) شائسته و لائق است و چگونه آن ا (پروردگار خویش) را توصیف کنند.

معنی آیه این هم میتواند باشد که فرشتگان (ملائک) خدمت پیغام رسانی را در میان خداوند متعال و میان پیغمبرانش انجام میدهند، و این هم میتواند باشد که رساندن فرمان های خداوند (جل جلاله) را به تمام کائنات، و اجرای کار آنها وظیفه همین فرشتگان است.

هدفاز بیان این واقعیت فهماندن این حقیقت است که این فرشتگان که مشرکان آنها را خدا و الهه قرار داده اند اینها تنها خادمان و فرمانبرداران هستند.

همان گونه که خادمان یک پادشاه برای اجراء دستورات او میدوند و حرکت میکنند، پس فرشتگان هم برای اجرای دستورات فرمان روای حقیقی و واقعی تمام کائنات (خداوند متعال) این سو و آن سو پرواز میکنند، که درواقع این خادمان از خود هیچ اختیاری ندارند فقط و فقط منتظر فرمان خداوند متعال هستند <sup>84</sup>.

طوریکه معنی کلمه فاطر را ابن عاشور در تفسیر خویش به روایت عبدالله ابن عباس (رضی الله عنهما) چنین وضاحت داده است. وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ <sup>85</sup> «كُنْتُ لَا أَدْرِي مَا فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (أَي لِعَدَمِ

<sup>82</sup> - سوره فاطر، آیه (1)

<sup>83</sup> - الرازي، أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمي الشافعي الملقب بفخر الدين خطيب الري: تفسير مفاتيح الغيب، ج 25 ص 190.

<sup>84</sup> - مسلم، دكتور مصطفى، مباحث في التفسير الموضوعي، سال (1426هـ-2005م). ص 16، زحيلي، دكتور وهبه، وتفسير منير، ج 7 ص 240، مودودي، سيد ابوالاعلا، وتفهم القرآن ج 5 ص 65

<sup>85</sup> - ابن عباس صحابي جليل القدر عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب القرشي الهاشمي، در سال سوم قبل از هجرت در مکه تولد گريده و در ابتدای بعثت پیامبر صلی الله عليه وسلم زندگی نموده است، ابن عباس ملقب به حبر امت میباشد، واز وی (1660) حدیث صحیح روایت گردیده است در سال (68هـ) بعد از این که بینایی خود را از دست میدهد، در منطقه طائف در مکه وفات مینماید، الأعلام للزركلي، ج 4 ص 95

جَرِيَانِ هَذَا اللَّفْظِ بَيْنَهُمْ فِي زَمَانِهِ حَتَّى أَتَانِي أَعْرَابِيَانِ يَخْتَصِمَانِ فِي بئرٍ، فَقَالَ أَحَدُهُمَا: أَنَا  
فَطَرْتُهَا، أَي أَنَا ابْتَدَأْتُهَا<sup>86</sup>.

ترجمه: از ابن عبدالله عباس (رضی الله عنهما) نقل میکنند که گفت: من نمیدانستم که معنی فاطر  
السموات یعنی چه؟ بخاطر عدم جاری بودن این لفظ در میان ایشان تا آنکه دو مرد صحرا نشین بر  
سرچاه با یکدیگر به نزاع پرداختند آن گاه یکی از ایشان به دیگری گفت {هذه بئرِي و انا فطرْتُها} این  
چاه من است من او را حفر کرده ام.

**أُولِي أجنحةٍ مثنى وثلاث ورباعٍ.**

یعنی مخلوق نورانی که ملایک ها اند تفاوت دارند در خلقت خویش از همدیگر در قوت، سرعت، در  
رتبه، درجه، بعضی آنها دارای دو بال و بعضی دارای سه بال و بعضی دارای چهار بال و در میان آنها  
کسی است که زیاد از چهار بال هم دارد که به این آیه قران اشاره دارد {یزید فی الخلق ما يشاء}.

بتائید مفهوم مذکور (در خلقت ملائک تفاوت وجود دارد) چنانچه در حدیث رسول الله (صلی الله علیه و  
سلم) که در صحیح البخاری و صحیح المسلم آمده است، عَنَابْنِ مَسْعُودٍ<sup>87</sup> (رضی الله عنه) {ان النبي  
صلی الله علیه و سلم} أَنَّهُ رَأَى جِبْرِيلَ لَهُ سِتُّ مَائَةِ جَنَاحٍ<sup>88</sup>.

ترجمه: از عبدالله ابن مسعود روایت است از پیغمبر (صلی الله علیه و سلم) هر آینه رسول الله (صلی الله  
علیه و سلم) جبریل را دید که دارای شش صد بال بود.

از سیاق این آیه قرآن کریم فهمیده میشود که زیادت در خلقت عام و شامل است بطور مثال زیادت در  
حسن صورت، در چشم، زبان، عقل، فکر، جرات قلب، سماحة نفس و غیره.

ما هیچ وسیله برای شناخت کیفیت بالها و بازوهای ملائک نداریم، اما هنگامیکه خداوند متعال برای  
بیان این کیفیت بجای الفاظ دیگر واژه بال را بکار برده است که در زبانهای بشر برای بال های پرندها

<sup>86</sup> - تفسیر التحریر والتنویر لابن عاشور، ج 22، ص 249.

<sup>87</sup> - ابو عبدالرحمن عبدالله بن مسعود، صحابی و خادم پیامبر صلی الله علیه وسلم از اولین کسانی بود که به پیامبر ایمان آورد، در بدر و غزوه های  
دیگر حضور داشت، به خوب ادا نمودن واجبات شهرت داشت، از بزرگترین قاریانی بود که هفتاد سوره را از پیامبر صلی الله علیه وسلم، حفظ  
نمود، و بالأخره در سال (32هـ) در سن شصت سالگی در مدینه فوت کرد. الاعلام للذکر کلی، ج 2 ص 76

<sup>88</sup> - الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله صلی الله علیه وسلم و سننه و آیامه المؤلف: البخاری، أبو عبد الله محمد بن إسماعیل  
بخاری. مصدر الكتاب: موقع الإسلام إبراهيم بن المغيرة البخاری، أبو عبد الله المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر الناشر: دار طوق النجاة  
الطبعة: الأولى 1422هـ عدد الأجزاء: 4 [ملاحظات بخصوص الكتاب] - موافق للمطبوع باب من انتظر حتى تدفن ج 4 ص 115 شماره 3233.

بکارمیروند، این مطلب که آنها دارای دو و سه و چهار بال اند، نشان دهنده آن است که خداوند به فرشته ها توانای های متفاوتی داده است. ممکن و جایز است که تعداد بال های ملایک متفاوت مطابق بر وقت و مسافه هم باشد بنابر تقاضای ضرورت.

طوریکه ابن عاشور، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر مفسر قرآن کریم در مورد چنین فرموده است، که ملائک اجسام لطیفه نورانی، قادر بر اشکال مختلف هستند کار شان خیر، وطاعت الله متعال است. که این قول اکثر امت اسلامی است.<sup>89</sup>

### دلیل عقلی دوم:

مثلیکه خداوند متعال فرموده است:

﴿مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾<sup>90</sup>.

یعنی اگر رحمت الله (جل جلاله) فیضان شود کسی دیگری نیست که آن را بند سازد، و اگر رحمت خویش را بند سازد کسی نیست که آن را دوباره ارسال نماید پس از این دانسته میشود که خزانه های رحمت الله متعال بر قدرت کسی است که به انجام کاری گوید (کن) شو {فیکون} میشود، باز کردن و بند نمودن دروازه رحمت در اختیار او است، لهذا او کار ساز است، و در حل حاجات به او آواز میکنید.<sup>91</sup>

این آیه قرآن کریم اشاره بر وسعت رحمت و کمال قدرت الله (جل جلاله) و تواتر انعامات، و پی در پی احسانات خداوند متعال را میکند.<sup>92</sup>

از خلاصه و مفهوم این دو آیه قرآن کریم فهمیده میشود که در ملک و کون هستی یگانه خالق، مالک به تمام امور مخلوقات فقط الله متعال است، کسی دیگری را در آن دخلی نیست و از قدرت و توان سائر مخلوقات هستی بیرون است.

<sup>89</sup> - ابن عاشور، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر التونسي، التحرير والتنوير من التفسير (المتوفى : 1393 هـ) مصدر الكتاب : موقع

التفاسير، ج 11 ص 436

<sup>90</sup> - سورة فاطر آیه (2)

<sup>91</sup> - المدنی، حسین علی، تفسیر جواهر القرآن، ج 5، ص 186.

<sup>92</sup> - أحمد بن محمد الشرقاوي، تفسیر موضوعی لسور القرآن الکریم. ج 7 ص 243

چنانچه که خداوند متعال دربرابرتمام امور کائنات خویش توانای مطلق است، به ارتباط اینکه خداوند متعال دربرابرتمام امور کائنات خویش توانای مطلق است، آیه های دیگری از قرآنکریم مفهوم مذکوررا افاده میکند، طوریکه خداوند متعال درسوره (انعام) فرموده است.

وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بَضْرًا فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ<sup>93</sup>.

ترجمه: واگر سختی رساند خدا بتو پس هیچ دفع کننده نیست آنرا مگر او و اگر نعمت رساند بتو پس او بر همه چیز توانا است.

طوریکه خداوند متعال درسوره (یونس) فرموده است.

وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بَضْرًا فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ<sup>94</sup>.

ترجمه: و اگر برساند خدا بتو رنجی پس نیست بردارنده آنرا مگر او و اگر خواهد در حق تو نعمتی پس نیست هیچ دفع کننده فضل او را میرساندش بهر که خواهد از بندگان خود و اوست آمرزنده مهربان.

ازخلاصه و مفهوم این دو آیه شریف دانسته میشود که ارتباط تمام امور کاینات به خالق یکتا و یگانه میباشد، چنانچه که خداوند متعال دربرابرتمام امور کائنات خویش توانای مطلق است، به همین

اساسرسول الله (صلی الله علیه و سلم) فرموده است بعد ازسلام دادن اش بعدازهر نماز فرض چنین دعاء را میخواند {أَنَّ النَّبِيَّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) كَانَ يَقُولُ فِي دُبْرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ عَنِ اللَّهِ لَمْ يَمَنْعَ لِمَا أُعْطِيَ وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعَتْ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ<sup>95</sup>}

ترجمه: رسول الله (صلی الله علیه و سلم) بعدازهر نمازفرض میگفت: جز الله یگانه معبود برحق نیست او را شریکی نیست او را پادشاهی است او را ستایش است او برهرچیز توانا است ای الله نیست منع کننده آنچه را تو بدهی و نیست عطاء کننده آنچه را تو باز داری و صاحب شرف را شرفش غیر از شرف تو هیچ سودی ندارد.

<sup>93</sup> - سوره انعام آیه (17)

<sup>94</sup> - سوره یونسآیه (107)

<sup>95</sup> - محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي صحيح البخاري، باب الذكر بعد الصلاة، ج 3 ص 348، شماره حدیث، 2476 .

وهدف درست از آیه شریف میتواند باشد برطرف کردن بد فهمی مشرکین که گمان میکردند که از میان بندگان خدا (جل جلاله) برخی دیگری روزی دهنده به آنان هستند، برخی دیگری فرزند دهنده هستند<sup>96</sup>.

وبرخی دیگری بیماران را شفا دهنده هستند، تمام این تصورات و باور های شرکانه بطور کامل بیهوده و بی اساسند و حقیقت خالص تنها و تنها از آن الله (جل جلاله) است. که بخواهد فیضان رحمت میکند و بخواهد آن را باز میدارد.

بخاطر اینکه عزیز و حکیم است و این قدرت را احد دیگری ندارد<sup>97</sup>.

### دلیل عقلی سوم:

مثلیکه خداوند متعال فرموده است:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ<sup>98</sup>.

این آیه قرآن کریم ترغیب بسوی یکتا پرستی است، یعنی ای مردم نعمت های پروردگار خویش را شکر گذار باشید که درج حساب نمیشوند که الله متعال بر شما نموده است و مراد از ذکر نعمت در آیه شریف تنها ذکر نعمت بر زبان نیست بلکه مراد حفظ نعمت از کفران است و اعتراف به نعمت و فرمان برداری از مولای حقیقی خویش است<sup>99</sup>.

در این آیه شریفه الله متعال (جل جلاله) همه مخلوقات خویش را خطا ب میکند اینک یادآوری از نعمتهای بی شمار آن کنند برابر است که ذکر نعمتهای آن به اعتراف و اقرار قلبی باشد، یا به اقرار و ستایش زبانی باشد، یا به واسطه انقیاد و فرمان برداری اعضا و جوارح باشد، بخاطر اینکه یادآوری از نعمتهای الله متعال (جل جلاله) نشان دهنده شکر گذاری در برابر نعمتهای آن است، بناء الله متعال (جل جلاله) در آیه مذکور آگاهی داد از اصول و اساس نعمتها که نعمت خلق و آفرینش انسانها از کتم عدم به صحنه هستی و وجود آورد و در ضمن رزق و روزی دادن آنها است طوریکه الله متعال (جل جلاله) مهربانی میکند **هَلْ**

<sup>96</sup>- بدخشانی، محمد اکرام، تفسیر ازهر البیان، ج 7 ص 582.

<sup>97</sup>- مودودی، سید ابوالاعلا، تفسیر تفهیم القرآن ج 5 ص 36

<sup>98</sup>- سوره فاطر آیه (3)

<sup>99</sup>- صابونی، محمد علی الصابونی، صفوة التفاسیر، ج 5 ص 66 (ب ت) ناشر: مکتبة القرآن والسنة محله جنگی پشاور پاکستان.

مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ} هرگاه قضیه و روند سخن قسمی باشد که ماسوای الله متعال (جل جلاله) هیچ کسی دیگری نیست که مرد م را آفرینش و رزق دهد و متصف به این صفت شود، ولایق به این صفتهم نباشد، از این خود بخود معلوم میشود که موصوف بودن به این اوصاف مذکور دال و نشانه بر الوهیت (اله بودن آن) و عبودیت (معبودیت آن) پسبه همین دلیل الله متعال {لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنْتَى تُؤْفَكُونَ} <sup>100</sup> پس چگونه از عبادت و پرستش (پیداکننده)

و (روزی دهنده) روی می گردانید به عبادت و پرستش مخلوق (پیدا کرده شده) و مرزوق (رزق داده شد) <sup>101</sup>. که در حقیقت خداوند متعال در این آیه شریفه ترغیب و تشویق به سوی توحید الله نموده است، که به همه انسان ها نعمت های خویش را یاد کرده است که خالق، مالک و منعم حقیقی خود را بشناسند و بر وحدانیت او ایمان بیاورند، او را در تمام صفات، و عبادت، وحده لا شریک له قبول کنند <sup>102</sup>.

خداوند متعال فرموده است:

هرگاه قضیه و روند سخن قسمی باشد که ماسوای الله متعال هیچ کسی دیگری نیست که مرد م را آفرینش و رزق دهد و متصف به این صفت شود، ولایق به این صفت هم نباشد، از این خود بخود معلوم میشود که موصوف بودن به این اوصاف مذکور دال و نشانه بر الوهیت (اله بودن آن) و عبودیت (معبودیت آن) <sup>103</sup>.

{هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ} <sup>104</sup>.

خداوند متعال در این آیه شریفه نعمت آفرینش را یاد میکند و در سور هرعد خداوند متعال مشرکان را محاکمه نموده میگوید.

مثلیکه خداوند تعالی فرموده: {قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ

<sup>100</sup> -سوره فاطر آیه (3)

<sup>101</sup> -السعدي، عبد الرحمن بن ناصر، تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان، المحقق: عبد الرحمن بن معلا اللويحق، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى (1420هـ-2000م). ج 1 ص 684

<sup>102</sup> -علی، حضرت مولانا حسین علی، تفسیر جواهر القرآن، ج 5، ص 519، (ب ت) ناشر، مکتبه السعیدی، مترجم، عبدالرحمان صا <sup>102</sup>حانی.

<sup>103</sup> -السعدي، عبد الرحمن بن ناصر، تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان، ج 1 ص 686.

<sup>104</sup> -سوره فاطر آیه (3)

أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ<sup>105</sup>.

ترجمه: بگو کیست پروردگار آسمانها و زمین بگو از طرف ایشان خدا است بگو آیا گرفتید بجز وی دوستانی که نمی توانند برای خویشتن سودی و نه زبانی بگو آیا برابر است نابینا و بینا، آیا برابر است تاریکیها و روشنی آیا مقرر کرده اند خدا را شریکان که آفریده باشند مانند آفریدن خدا پس مشتبه شده است بر ایشان آفریده بگو خدا آفریننده هر چیز است و اوست یگانه غالب.

{هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ}<sup>106</sup>.

روزی آسمان ها عبارت از باد ، باران ، حرارت ، نور است.

وروزی زمین عبارت از تمام مواد غذای وانواع لباسها، نباتات، درختان، و انواع میوه ها، حیوانات، و معادن، و ذخائر زمینی است اکنون خود شما قضاوت کنید که مصدر همه این برکات جز اوکسی دیگری نیست اگر او روزی شما را منع کند چه کسی میتواند شما را روزی دهد.

طوریکه درسوره ملک خداوند متعال فرموده:

{أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ}<sup>107</sup>.

ترجمه: آیا کیست آنکه روزی دهد شما را اگر باز گیرد خدا رزق خود را بلکه محکم پیوسته اند در سرکشی ورمیدگی آیا چه کسی است که شما راروزی دهد در صورتی که خداوند متعال از شما رزقش را باز دارد.

ودرسوره نمل خداوند متعال فرموده:

{أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهٌ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ}<sup>108</sup> خداوند متعال مهربانی میکند کیست که شما را روزی میدهد از آسمان و زمین آیا به همراه الله شریکی وجود دارد؟.

و در سوره روم نیز مفهوم مذکور را تأیید می نماید: {اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ دَلِكُمْ مِنْ شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ}<sup>109</sup>.

<sup>105</sup>-سوره رعد آیه (16)

<sup>106</sup>- سوره فاطر آیه (3)

<sup>107</sup>- سوره ملک آیه (21)

<sup>108</sup>- سوره نمل آیه (62)



ترجمه: الله متعال مهربانی میکند که الله ذاتی است که شما را پیدا کرده سپس روزی میدهد شما را و سپس میمیراند شما را و سپس زنده میکند شما را آیا از شریکان شما کسی است که این عمل را انجام دهد<sup>110</sup>.

وهمچنان به تایید این موضوع { درسوره غافر نیز میان خلقت مخلوق و اعطاء رزقوروزی جمع نموده است، { اللهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكَ اللهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ<sup>111</sup>112.

درمیان این فرازوفراز پیشین یک خالیگاباریکی وجود دارد که موقع و محل کلام خود آنرا پر میکند برای فهمیدن آن این نقشه را در برابر چشم تصور خود بیاورید که برای مشرکان سخنرانی میشود، سخنران از حاضرین مجلس و شنونده گان خویش میپرسد که آیا جز خدای یگانه آفریده گار دیگری هم وجود دارد و یا نه؟

که شما را آفریده باشد و برای شما از آسمان ها و زمین روزی فراهم کند؟ پس در مطرح کردن این پرسش سخنران و متکلم لحظات برای شنیدن پاسخ و جواب شنونده گان مجلس خاموش بماند، اما پس از لحظات میبیند که تمام شنونده گان مجلس ساکت و خاموش مانده اند و هیچ جوابی ارایه نکرده اند هیچ کسی نمیگوید از میان آنها که غیر از الله (جل جلاله) آفریده گار و روزی دهنده دیگری هم وجود دارد پس از خاموش بودن و ساکت ماندن آنها دانسته میشود که تمام حاضرین مجلس به این مفهوم مطلب اساسی اعتراف و اقرار دارند که هیچ آفریده گاری و روزی رسانی به جز الله (جل جلاله) کسی دیگری وجود ندارد.<sup>113</sup>

پسازخلاصه و مفهوم مجموعه این آیات دانسته میشود که یگانه ذاتی که شایسته و لایق حمد و ثنا و ستایش تمام مخلوقات است ذاتی است که شریک ندارد نه در خلقت آسمان ها، زمین و تمام مخلوقات زنده جان وغیره که اگر بخواهدرحمت خویش را برایمخلوقات فیضان میکند،

<sup>109</sup> - سوره روم آیه (40)

<sup>110</sup> - بدخشانی، محمد اکرام الدین، تفسیر اهر البیان، ج 7 ص 59

<sup>111</sup> - سورة غافر آیه (64)

<sup>112</sup> - سورة غافر آیه (64)

<sup>113</sup> - مودودی، سید ابوالاعلی، تفسیر تفهیم القرآن، ج 5 ص 67

واگر بخواهد آنرا باز دارد کسی دیگری آنرا فرستاده نمیتواند. و همچنان اگر رزق و روزی مخلوقاتش را بند سازد کسی دیگری نیست آنرا ارسال نماید و یگانه ذاتی که متصف به این صفات است فقط الله (جل جلاله) است<sup>114</sup>.

چنانچه مفهوم مذکور را در حدیث رسول الله (صلی الله علیه و سلم) تاکید و تصدیق مینماید:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَوَكَّلُونَ عَلَى اللَّهِ حَقَّ تَوَكُّلِهِ لَرُزِقْتُمْ كَمَا يُرْزَقُ الطَّيْرُ تَغْدُو خِمَاصًا وَتَرُوحُ بِطَانًا)<sup>115</sup>:

ترجمه: اگر شما بر الله درست توکل کنید حتماً شما را روزی میدهد چنانچه که پرنده ها را روزی میدهد.

صبح با جاغور خالی بیرون میبرایند و بیگاه با جاغور پر باز میگردن از این حدیث رسول الله (صلی الله علیه و سلم) چنین مفهوم و درس عبرت بر میآید که یگانه کسی که از همه جوانب کفیل و ضامن رزق مخلوقات را میکند فقط خداوند متعال (جل جلاله) است به شرط اینکه انسان ها به پروردگار خویش درست توکل نمایند.

دلیل چهارم: اثبات رسالت رسول الله (صلی الله علیه و سلم) و تسلیت به آن:

در این مورد خداوند متعال فرموده:

وَإِنْ يَكْذِبُونَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ<sup>116</sup>.

درحقیقت این آیه شریفه جواب برای شرط محذوف است که تقدیر آن چنین است یعنی اگر ترا مخالفین دعوت و تبلیغ تکذیب میکنند غمگین مباش بخاطریکه انبیا گذشته را هم دروغ گو شماریده اند در آیه شریف بعد از بیان توحید پروردگار (جل جلاله) اشاره به صداقت و تسلی رسول الله (صلی الله علیه و سلم) را میکند<sup>117</sup>.

<sup>114</sup>- بدخشانی، محمد اکرام الدین، تفسیر ازهرالبیان، ج 7 ص 59

<sup>115</sup>- الترمذی: أبو عیسی محمد بن عیسی بن سورة الجامع الصحیح سنن الترمذی الاسم المختصر : سنن الترمذی اسم المؤلف : محمد بن عیسی ت. المیلاد : 209 ت. الوفاة : 279 دار النشر : دار إحياء التراث العربي بلد النشر : بیروت عدد الأجزاء 5 باب فی التوکل علی الله ج 4 ص 573، شماره 2344. وخرجه ابن ماجه رقم 4164 احمد رقم 205. با ختلاف یسیر.

<sup>116</sup>- سورة فاطرآیه (4)

<sup>117</sup>- ابن عاشور، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر التونسي، تفسیر التحریر والتنویر، ج 11 ص 439

بعد از اقامه دلائل و حجت بر اصل اول که یکتا پرستی خداوند متعال بود، و آن اینکه خداوند متعال فرمود:

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ<sup>118</sup>.

یعنی فقط الله متعال (جل جلاله) پیداکننده آسمانها و زمین است پس از آن آن آخاز به بیان اصل دوم که اثبات رسالت محمد مصطفی (صلی الله علیه وسلم) به گونه تسلیت به رسول الله (صلی الله علیه وسلم) به عموم بلوی در برابر دشمنان و مکذبین رسالت با سعادت محمد رسول الله (صلی الله علیه وسلم) نتیجه و خلاصه طوری میشود که اگر مخالفین و مکذبین در برابر بیان حق طوریکه لازم بود برای آنها انجام داده شده است بعد انجام دادن مکلفیت و وظیفه خویش حق مبین را معاندین و مکذبین که آغاز به تکذیب (دروغ شمردن) میکنند آنها بر الله متعال (جل جلاله) بسپارید، و برای خویش الگو و اسویره و روش دعوت سایر دعوت گران آلهی (انبیاء) (علیهم السلام) را انتخاب کن که صبر بی نمونه در برابر آزار و اذیت اقوام خویش دلها و سینهای خویش را سپر کرده اند، چنانچه از کلمه رسل دانسته میشود که در تسلیت ترغیب و تهزیز است چون تنوین برای تعظیم و تکتبیر است<sup>119</sup>.

### رهنمایی های آیات این مقطع:

1- آغاز سوره به حمد الله (جل جلاله) اشاره به فضیلت حمد الله (جل جلاله) میکند مثلیکه

فرموده {الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ}<sup>120</sup>.

2- الله متعال (جل جلاله) دهنده تمام نعمت ها است مثلیکه فرموده {يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ}<sup>121</sup>.

3- هر آنچه که در کون استدلال است به فیض و جود احسان الله (جل جلاله) و حکمت بالغه آن میکند. مثلیکه فرموده {هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ}<sup>122</sup>.

<sup>118</sup>- سوره فاطر، آیه، (1)

<sup>119</sup>- الألوسی، شهاب الدین محمود ابن عبدالله الحسینروح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی ج 11 ص 349 المتوفی: (1270هـ) المحقق: علی عبد الباری عطیة الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت الطبعة: الأولى، 1415 هـ عدد الأجزاء: 16.

<sup>120</sup>- سوره فاطر آیه (1).

<sup>121</sup>- سوره فاطر آیه (3).

<sup>122</sup>- سوره فاطر آیه (3).

4- تدبر انسانها در برابر عالم نورانی و بیان افضلیت ایشان در درجه و رتبه و ایمان به ملائک و محبت و اکرام شان از خلوص قلب . مثلیکه فرموده {جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ} <sup>123</sup>.

5- تفاوت در خلقت فرشته گان در قوت , سرعت , بال و غیره . مثلیکه فرموده {أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ} <sup>124</sup>.

6- در آیات ترغیب به تفکر به علامات داله بر قدرت های بزرگ الله و بزرگی انعام و احسان بی پایان او.

7- تمام خزائن رحمت به دست بلاکیف الله (جل جلاله) است . مثلیکه فرموده {مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ} <sup>125</sup>.

8- متوجه نمودن همه مخلوقات به غرض شکر گذاری در برابر تمام نعمت های گوناگون الله (جل جلاله).

9- تسلیت به رسول الله (صلی الله علیه و سلم) و بر تمام امت اسلامی به بیان حال انبیای قبلی (علیهم و سلام) و اقتدا به طریقه و روش آنها. <sup>126</sup> مثلیکه فرموده {وَإِنْ يَكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ} <sup>127</sup>.

10- بر همه مردم واجب است که توحید خدا (جل جلاله) را اعلام کنند، و در افکار و قلوب مردم آنرا جاگزین نمایند.

11- امید و خوف، نفع، و ضرر از غیر خداوند (جل جلاله) نباید داشت. <sup>128</sup> مثلیکه فرموده {مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ} <sup>129</sup>.

<sup>123</sup>- سوره فاطر آیه (1).

<sup>124</sup>- سوره فاطر آیه (1).

<sup>125</sup>- سوره فاطر آیه (2).

<sup>126</sup>- أحمد بن محمد الشرقاوي، تفسير موضوعي لسور القرآن الكريم ج 7 ص 248.

<sup>127</sup>- سوره فاطر آیه (4).

<sup>128</sup>- عثمانی، محمد شفیع، تفسیر معارف القرآن، مترجم: حسین پور، مولانا محمد یوسف، انتشارات شیخ الاسلام احمد

جام، ج 7 ص 4.

<sup>129</sup>- سوره فاطر آیه (2).

## مناسبت این مقطع با محور سوره:

محور اصلی و اساسی سوره اثبات توحید و یکتا پرستی پروردگار (جل جلاله) در این مقطع ارایه دلایل بر اثبات توحید (یکتا پرستی، و رسالت رسول الله (صلی الله علیه و سلم) بیان میشود.

در حقیقت الله در مورد خلقت و پیدایش امور کائنات و مخلوقات بی مثال و بی مانند یکتا و یگانه است، و در کاینات چیز های را پیدا نموده است که با تدبر اندک انسان میتواند درک کند که الله (جل جلاله) ذات واحد و یگانه و در ملک و پادشاهی آن هیچ کسی دیگری را دخل و شریکی نیست. و در خلقت مخلوقات قادر متعلق است و به هر شکلی که بخواهد خلق میکند و رازق متلق است هر قسمیکه بخواهد مخلوقات خویش را رزق و روزی میدهد و سائر مخلوق کاینات متصف به این صفات نیستند<sup>130</sup>.

---

<sup>130</sup>-أحمد بن محمد الشرقاوي، تفسير موضوعی لسور القرآن الکریم، ج 7 ص 248 و دیده شود، ابنعاشور، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور التونسی. (1997م). التحریروالتنوییر. تونس. ناشر: دار سحنون للنشر والتوزیع، ج 11 ص 39، رستمی، ابو زکریا عبدالسلام، (1430 هـ ق). احسن الکلام، مترجم: صادق بنت سید عبدالاحد، ناشر: دار التفسیر جامعہ عربیہ سیفن چوک کوهات ردو پشاور پاکستان، ج 7 ص 173

## تحدیر از محبت دنیا و فریب شیطان

### آیات (5-8)

خداوند تعالی فرموده:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ (5) إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ (6) الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (7) أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يَضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ<sup>131</sup>.

ترجمه: ای مردمان هر آئینه وعده خدا راست است پس فریفته نکند شما را زندگانی دنیا و نفریبد شما را به نسبت خدا شیطان فریب دهنده (5) هر آئینه شیطان شما راست دشمن پس دشمن گیرید او را جز این نیست که میخواند تابعان خود را تا باشند از اهل دوزخ (6) آنانکه کافر شدند ایشانرا است عذاب سخت و آنانکه ایمان آوردند و کردند عملهای شایسته ایشان راست آمرزش و مزد بزرگ (7) آیا کسیکه آراسته کرده شد برای او عمل زشت او پس نیک دید آنرا مثل مومن صالح باشد پس هر آئینه خدا گمراه میکند هر کرا خواهد و راه می نماید هر کرا خواهد پس باید که هلاک نشود نفس تو بر ایشان از روی دریغ هر آئینه خدا داناست بآنچه می کنند.

مناسبتاین مقطع با مقطع قبلی:

خداوند متعال پس از بیان نمودن اصل اول که (اثبات توحید) پروردگار (جل جلاله) واصل دوم که (اثبات رسالت) محمد رسول الله (صلی الله علیه و سلم) بود سپس در این مقطع از آیات سخن رفته است از اصل سوم که (اثبات قیامت)، حشر، نشر، حساب اعمال، وعقاب و جزا است به میان آورده است که هیچ شکی نیست در وقوع آن و انسان ها را از وسوسهای شیطان و به تردید انداختن بر حذر داشت.

سپس مردمان را در برابر وسوسه‌های شیطان به دو گروه و حزب تقسیم نموده است.

1- حزب و گروه شیطان که در روز قیامت عذاب شدید خداوند متعال (جل جلاله) برای آنها است،

2- حزب و گروه رحمن (جل جلاله) که این گروه مستحق مغفرت و پاداش بزرگ الهی

(جل جلاله) که (بهشت) از آن ایشان است<sup>132</sup>.

### تفسیر اجمالی آیات:

خداوند متعال در این آیه شریفه بندهای خویش را بر حذر میدارد از واقع شدن در غرق زنده گانی دنیا و دام فریب شیطان که در حقیقت شمارا از وعده بزرگ آخرت که زنده شدن بعد از مرگ (بعث بعد الموت) است غافل میسازد، زیرا که شیطان دشمن ابدی شما بوده است، مثلیکه خداوند متعال فرموده: { يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ }<sup>133</sup>.

این نده دوم خداوند متعال است در این سوره مبارکه که بنده های خود را میترساند از فریب خوردن فتنهای دنیا و شیطان که در این قول الله (جل جلاله) مسمما به غرور شده است یعنی هر ان چیزی که انسان ها را فریب دهد چه طریق مال، و اولاد و غیره شأن و شوکت دنیا باشد غرور گفته میشود.

و همچنان (غرور) تفسیر شده است به شیطان ظاهر اینکه شیطان خبیث و بدترین فریب کاران و محرک کننده فتنها و فساد است، غرور (بروزن جسور) صیغه مبالغه ربه معنی موجودی است فوق العاده فریبکار، و منظور از آن در اینجا ممکن است: هر عامل فریبکار باشد، همان گونه که ممکن است منظور خصوص شیطان باشد که معنی دوم مناسبتر با آیه بعدی است.

قیامت، حساب، کتاب، میزان، مجازات، کیفر، جنت دوزخ، وعده های است تخلف نا پذیر از سوی خداوند قادر حکیم، بلی عوامل سرگرم کننده، وزر قهایدل فریب این جهان، می خواهد تمام قلب شما را پر کند، واز آن وعده بزرگ الهی (جل جلاله) غافل سازد<sup>134</sup>.

<sup>132</sup>- الزحيلي: دوهبة بن مصطفى التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج ج 22 ص 220 المؤلف: الناشر: دار الفكر المعاصر- دمشق الطبعة: الثانية.

<sup>133</sup>- سوره فاطر آیه (5).

<sup>134</sup>- خرم دل، تفسیر نمونه ج 1 ص 401

شیاطین جن وانس، با وسائل گوناگون فریبکاری، به طور مداوم به وسوسه مشغول اند، و شمارا از آن روز موعود بزرگی منحرف سازد، و اگر فریب و وسوسه های آنها مؤثر افتد، تمام زندگی شما تباه و آرزوی سعادتتان نقش بر آب است، و مراقب آنها نیز باشید.

تکرار در آیه شریفه اشاره بر این است که راه نفوذ گناه در انسان دوراه دارد:

1- جاه، و مال، و متاع، مقام، جلال، و انواع شهوات.

2- مغرور شدن به عفو و کرم خداوند متعال.

خداوند متعال همان گونه که در موضع رحمت، ارحم الرحمین است، و در موضع مجازات و کیفر، اشد المعاقبین می باشد، رحمتش هرگز تشویق بر گناه نمی کند، همان گونه که غضبش نمی تواند سبب یا س گردد.

بعضی از مفسران در اینجا تحلیلی دارند که: اشخاصیکه در برابر فریب قرار میگیرند، سه گروه اند:

1- گروهی به قدری ناتوان و ضعیف اند که به مختصر چیز یفریب می خورند.

2 - گروه دیگری از اینها نیرومند ترند، تنها به وسیله زرق و برق متاع دنیا فریفته نمی شوند، بلکه اگر وسوسه گر نیرومند آنها را تحریک کند، فریب می خورند، ولذت زود گذر از یکسو، و وسوسهها از سوی دیگر.

3- گروه که هم از اینها قویتر اند، نه مغرور میشوند، و نه کسی میتواند آنها را فریب دهد<sup>135</sup>.

چنانچه همین مفهوم را (خوف و ترس از فتنه دنیا و شیطان و واقع شدن در دام آن) خداوند متعال در آیهای متعددی قرآن عظیم الشان ارائه مینماید.

**آیه اول:**

**خداوند تعالی فرموده:**

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَأَخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا  
إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ<sup>136</sup>.

<sup>135</sup> - امام رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر بن حسین بن حسن تمیمی بکری طبرستانی رازی، تفسیر مفاتیح الغیب، ج 12 ص 292.



ترجمه: هر آینه وعده الله (جل جلاله) راست است پس فریب ندهد شما را فتنهای دنیا و فریب ندهد شما را فریب دهنده (شیطان) در باره خدا (جل جلاله).

از خلاصه و مفهوم آیه شریفه دانسته میشود که وعده الله (جل جلاله) حق و راست است که انسانها را دوباره بعد از مرگ شان زنده مینماید و در مقابل اعمال شان همراهی آنها حساب مینماید.

**آیه دوم:** همین مفهوم در سوره دیگری اشاره مینماید. {وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ} <sup>137</sup>. ترجمه: نیست زندگی دنیا مگر مایه فریب.

در حقیقت از این آیه شریف دانسته میشود که عوامل فریبنده دنیا از دور سرگرمی خاص آنها دارد، اما به هنگام رسیدن انسان و لمس نمودن آن فقط چیزی خالی به نظر میرسد از پس از خلاصه و مفهوم آیه شریفه فهمیده میشود که ناز و نعمت دنیا اسباب و عوامل آن در ظاهر بسیار شریک و فریبنده اما در باطن و حقیقت چیزی خوبی نبوده است و در حقیقت کلمه (متاع) همین چیزی را ارایه مینماید. <sup>138</sup> و همچنان همین مفهوم را احادیث رسول الله (صلی علیه و سلم) بیان میکند.

**حدیث اول:** {عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ <sup>139</sup> عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوهٌ حَضِرَةٌ وَإِنَّ اللَّهَ مُسْتَخْلِفُكُمْ فِيهَا فَيَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ فَاتَّقُوا الدُّنْيَا وَاتَّقُوا النِّسَاءَ فَإِنَّ أَوَّلَ فِتْنَةٍ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَتْ فِي النِّسَاءِ وَفِي حَدِيثِ ابْنِ بَشَّارٍ لِيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ} <sup>140</sup>.

ترجمه: از ابوسعید خدری (رضی الله عنه) روایت است از رسول الله (صلی الله علیه و سلم) که فرمود هر آینه لذات دنیا شریک و سبز است و هر آینه الله متعال در آن شما را خلیفه و جانشین میگرداند، و میبیند که شما چی میکنید، پس بترسید از فتنه دنیا و فتنه زنان، هر آینه فتنه اول در بنی اسرایل از طریق زنان بود، پس از خلاصه و مفهوم آیات قرآن کریم و حدیث رسول الله (صلی الله و علیه و سلم) چنین برداشت

<sup>136</sup> - سوره لقمان آیه (33)

<sup>137</sup> - سوره آل عمران (185)

<sup>138</sup> - خرم دل، تفسیر نمونه، ج 1 ص 401

<sup>139</sup> - ابوسعید الخدری: نام او سعد بن مالک بن سنان خدری انصاری خزرجی است، وی در سال دهم قبل از هجرت تولد شده است، و یکی از اصحاب ملازمت کننده در سفر و حضر با رسول الله صلی علیه و سلم بود، احادیث زیادی روایت کرده است، و در سال (74هـ) در مدینه فوت کرده است. **أبو الحسن علي بن أبي الكرم محمد بن محمد بن عبد الكريم بن عبد الواحد**

**الشیبانی الجزری، عز الدین ابن الأثیر (المتوفی: 630هـ) أسد الغابة في معرفة الصحابة، ج 2 ص 213.**

<sup>140</sup> - النیشاپوری، ابوالحسن مسلم بن حجاج بن مسلم القشیری، صحیح المسلم، ناشر: دار الجیل بیروت - دار الآفاق الجدیدة - بیروت، ج 8 ص 89 باب: ، اکثر اهل الجنة الفقراء، شماره، 7124-2742.

میشود که بهجت و ناز و نعمت دنیای فانی که در حقیقت سبب و راه رسیدن برای مقصود اصلی (آخرت) و رضامندی خداوند متعال شما را از رسیدن به مقصود اصلی بخصوص از اصل سوم که حشر، نشر، حساب، ثواب، جزا باز میدازد و برای آن روز که دوبار انسانها برانگیخته میشوند آماده و عیار باشیم تا به پیشگاه خداوند متعال سر پست و ملامت نباشیم.

### دشمنی شیطان با انسانها:

انسان عاقل نباید پیرو شیطان و طاغوت گردد زیرا انسان را از زنده شدن بعد از مرگ غافل میسازد.

مثلیکه خداوند تعالی فرموده:

{ان الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ} <sup>141</sup>.

در این آیه قرانکریم، خداوند متعال تأکید و تقریر به عداوت و دشمنی شیطان اشاره میکند بغرض اینکه باید ما از متابعت و پیروی شیطان جلوگیری نمایم تا از مکاید و فریب های آن در امان بمانیم بخاطر اینکه هر کس که متبع و پیرو فریب و مکاید شیطان گردید شیطان وی را به طرف آتش دوزخ میکشاند پس از خلاصه و مفهوم آیه شریف چنین برداشت مینمایم که شیطان بر همیشه دشمن سرسخت انسان ها بوده است و میباید و ما باید خود را از چنگال آن رهای بدهیم تا باشد که مورد عفو و مغفرت خالق یکتای خویش قرار گیریم چنانچه خداوند متعال مفهوم مذکور را در آیاتقرآنکریم مهربانی میکند.

### آیه اول:

مثلیکه خداوند تعالی فرموده: {قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لأَعُوْبُهُمْ أَجْمَعِينَ} <sup>142</sup>.

ترجمه: شیطان گفت قسم به عزت تو هرآینه گمراه کنم ایشان را.

پس دانسته میشود که سوگند و قسم شیطان به عزت و جلال پروردگار (جل جلاله) برای تکیه بر قدرت و اظهار توانای است و تأکیدهای پیدری قسم، نون تأکید ثقیله، و کلمه اجمعین، نشان میدهد که شیطان بی نهایت پا فشاری در دشمنی و گمراهی انسان ها کوشش مینماید تا آنها را از راه حق و راه راست

<sup>141</sup>-سوره فاطرآیه (6).

<sup>142</sup>-سوره ص آیه (82).

منحرف گرداند در ضمن تمام سعی و تلاش خویش را به خرچ میدهد تا انسانها را از همان روزی که خداوند متعال دوباره زنده میکند به نزد خالق یکتا و بی نیاز شرمنده و سر پست و راه نجات نداشته باشند و هم مورد قهر و غضب خداوند (جل جلاله) قرار گیرند.<sup>143</sup> به تاید مفهوم مذکور خداوند (جل جلاله) چنین میفرماید.

### آیت دوم:

مثلیکه خداوند تعالی فرموده: {يَابَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مَن حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ} <sup>144</sup>.

ترجمه: ای فرزندان بنی آدم شیطان شما را نفریبید، آنگون که پدر و مادر شما را فریب داد و از بهشت بیرون کرد، و لباس های شان را بیرون ساخت تا عورت شان را به آنها نشان دهد.

در این آیه شریفه خداوند متعال به همه افراد بشر و فرزندان حضرت آدم (علیه السلام) هشدار میدهد که مراقب فریب کاری های شیطان باشند، زیرا شیطان سابقه دشمنی خود را با پدر و مادر آنها نشان داده است از این آیه قرآن دانسته میشود که هیچ وقت شیطان دوست انسانها نشده و هرگز نخواهد شد از زمان حضرت آدم (علیه السلام) الی یومنا هذا پس باید انسانها دشمن اساس خویش را بشناسند و به فریب کاری های آن از راه حق منحرف نشوند و در روز محشر و رستاخیز که تمام انسانها در آن روز دوباره زنده میشوند و به حساب و کتاب اعمال خویش به نزد خداوند (جل جلاله) روی میاورند و مستحق پاداش داعمال نیک و جزای اعمال بد خویش را خواهند دیدند <sup>145</sup>.

### سرانجام دو گروه:

مثلیکه خداوند تعالی فرموده:

{الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ} <sup>146</sup>.

<sup>143</sup>- خرم دل، تفسیر نمونه، ج 5 ص 367

<sup>144</sup>-سوره اعراف آیه (27)

<sup>145</sup>- خرم دل، تفسیر نمونه، ج 2 ص 294

<sup>146</sup>-سوره فاطر آیه (7)

در این آیه قرآن کریم خداوند متعال بیان حال فریقین و (دو گروه) را میکند:

### گروه اول کفار:

گروه که مطیع و فرمان بردار ابلیس و درحزب آن است واز عالم که در آن حساب و کتاب صورت میگیرد منحرف نموده است و آنها را در خسران و زیان قرار داده است.

### گروه دوم مؤمنان:

فرقه و گروه که الله متعال آنها را از فریب و فتنه ابلیس حفاظت کرده است و از عالم که در آن حساب و کتاب صورت میگیرد منحرف نشده بودند و به آن یقین و باور درست داشتند، در نتیجه از خلاصه و مفهومی آیه شریفه چنین برداشت میشود که برای آنانیکه پیروان حزب شیطان و ابلیس اند بنابر وعده پروردگار (جل جلاله) عذاب سخت و دشوار است و برای آنانیکه مطیع و فرمانبرداران اوامر و نواهی خداوند متعال که اهل ایمان و صلاح اند مغفرت و پاداش بزرگ است و در روز رستاخیز و روزیکه انسانها دو باره زنده میشوند کامیاب، سربلند، سرفراز، میباشند، برعکس گروه اول (کفار) که در آن روز شرمنده خار ذلیل و سرپست به نزد پروردگار (جل جلاله) میباشند.<sup>147</sup>

### فریب خوردن انسان به چیزهای باطل و بی هوته:

یعنی کسانی که پیروی از خواهشات نفسانی خویش مینمایند و مخالفت از هدایت و راهنمایی حق میکنند که در حقیقت انسانرا از مسیر درست حساب، و کتاب، و غیره منحرف میگردانند، مثلیکه خداوند تعالی فرموده:

﴿أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾<sup>148</sup>.

مفسرین کرام در مورد شأن نزول این آیه شریف اختلاف نظر دارند که درباره کی نازل شده است و در خلال سه قول بیان می شود:

<sup>147</sup>- أحمد بن محمد الشرقاوي، التفسير الموضوعي لسور القرآن الكريم، ج 7 ص 250

<sup>148</sup>- سوره فاطر آیه (8)

**قول اول:** مفسر بزرگ صحابه عبد الله ابن عباس (رضی الله عنهما) میگوید که این آیه قرآن عظیم الشأن درباره ابو جهل و سائر مشرکین مکه معظمه نازل شده است<sup>149</sup>.

**قول دوم:** سعید ابن جبیر<sup>150</sup> میگوید که این آیه شریف درباره اصحاب اهواء و الملل یعنی کسانی که پیرو خواہشات نفسانی خویش بودند و مخالفت از هدایت و راهنمای حق مینمودند نازل شده است<sup>151</sup>.

**قول سوم:** ابو قلابه<sup>152</sup> میگوید که این آیه شریف درباره یهود و نصاری و مجوس نازل شده است

اگر سؤال طوری شود که جواب این جزء آیه شریف: { أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ } چیست؟

جواب: این بردو وجه است که امام زجاج<sup>153</sup> آنرا ذکر کرده است<sup>154</sup>.

**وجه اول:** اینکه جواب محذوف است، در این صورت معنی چنین میشود { أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءَ عَمَلِهِ } کمن هداه الله؟ یعنی آیا برابر است کسیکه مزین کرده شده است بروی بدی عملش با کسیکه خداوند متعال آنرا راهنمای کرده است؟ چنانچه جزء همین آیه شریف بر آن دلالت میکند { فَاِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ } معنی الله (جل جلاله) بخواهد کسی را گمراه میکند و بخواهد راهنمای میکند.

**وجه دوم:** معنی چنین میشود که آیا برای کسیکه مزین کرده شده است عمل بدش خداوند (جل جلاله) آنرا گمراه کرد و توبدنت را در خساره واقع مینماید چنانچه جزء همین آیه شریف بر آن دلالت میکند،

---

<sup>149</sup>- ابن الجوزي عبد الرحمن بن علي بن محمد زاد المسير في علم التفسير الناشر: المكتب الإسلامي - بيروت الطبعة الثالثة، (1404هـ) ج 5 ص 175.

<sup>150</sup>- ابو عبدالله بن سعيد بن جبیر بن هشام اسدی، از نظر علم و تقوا جزء سادات تابعین به شمار می آید از ابن عباس، عدی بن حاتم، ابن عمر و عبد الله بن مفضل و ابوهریره رضی الله تعالی عنهم روایت کرده است، عسقلانی ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج 7 ص 268

<sup>151</sup>- ابن الجوزي عبد الرحمن بن علي بن محمد زاد المسير في علم التفسير الناشر: المكتب الإسلامي - بيروت الطبعة الثالثة، (1404هـ) ج 5 ص 175.

<sup>152</sup>- عبدالله بن زید یکی از زاهدان و عابدان تابعی میباشد، از کسانی است که از ترس مسئولیت قضاوت از بصره فرار کرده است، ثقه بزرگوار بود ایشان بسیار سفر میکرد، در سال (104) در کشور سوریه کنونی فوت کرده است، عسقلانی ابن حجر، تقریب التهذیب، ج 1 ص 494

<sup>153</sup>- وی ابو اسحاق، ابراهیم بن محمد بن سری زجاج بغدادی صاحب تالیفاتی چند در زمینه معانی قرآن و غیره است، و در سال (311هـ) وفات نموده است. شمس الدین ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی (المتوفی: 748هـ) سیر اعلام

النبلأء، ج 14 شماره 209

<sup>154</sup>- ابن الجوزي عبد الرحمن بن علي بن محمد زاد المسير في علم التفسير الناشر: المكتب الإسلامي - بيروت الطبعة الثالثة، (1404هـ) ج 5 ص 175.

مثلیکه خداوند تعالی فرموده: { فَلَآ تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ }<sup>155</sup> این آیه قرآنکریم تقریر و تأکید آیه قبلی است، به نسبت تفاوت میان فریقین (یعنی دو گروه) بیان عوامل و اسباب که انسانها را از راه ایمان به الله متعال (جل جلاله) و از راه حق و هدایت باز میدارد همان اغترار و فریب خوردن به ناز و نعمتهای دنیا، شیطان، خواهشات نفسانی است چنانچه امام شافعی (رحمة الله علیه) مهربانی میکند که من به چهار چیز ابتلا و آزمایش شده ام.

قال الشافعی<sup>156</sup>: (انی ابتلیت بربع) (ابلیس والدنیا و نفسی و الهوی کیف الخلاص و کلهم اعدایی و اذالهوی تدعواللیه خواطری فی ظلمة الشهوات والاراء)<sup>157</sup>.

امام شافعی (رحمة الله علیه) میگوید که من امتحان شده ام به چهار چیز و آنها عبارتند از ابلیس، دنیا، نفس، خواهشات چگونه رهایی دارم در صورتیکه همه آنها دشمنان من هستند.

در حالیکه خواهشات من مرا میخواند به آنها در فکر ذهن خاطر من آنها حاضر میکند در تاریکی شهوات و فکرهای گوناگون، خداوند متعال (جل جلاله) در این آیه شریف تعبیر از کفرکه در آیه قبلی این مقطع گذشت به کسیکه شیطان عمل بد را بوی خوب نشان دهد کرده است اشاره به کامل و پوره دلالت به وگمراهی شخص، واعتلال خلط، سفاهت نفس وی دلالت میکند و خوب را از بد تفکیک و تمیز کرده نمیتواند در نتیجه چنین شخص طوری میگردد که (ان استحب الکفر علی الایمان) چنین شخص کفر را برایمان ترجیح و اختیار میدهد و باطل را برحق<sup>158</sup>.

صاحب تفسیر فی ظلال القرآن در تفسیر خویش گفته است که کلید شروبدی همه بد بختیها آن عملی است که عمل قبیح و بد آنرا شیطان بوی خوب تلقین و تزیین مینماید، و به انجام دادن هر عمل قبیح خویش خوشحال و افتخار مینماید<sup>159</sup>.

<sup>155</sup>- ابن الجوزی عبد الرحمن بن علی بن محمد زاد المسیر فی علم التفسیر الناشر: المکتب الإسلامی - بیروت الطبعة الثالثة، (1404هـ) ج 5 ص 175.

<sup>156</sup>- محمد بن ادیس بن هاشم بن مطلب بن عبد مناف، مشهور به امام شافعی، امام ودانشمند زمان خود بود، در شهر غزه واقع در فلسطین در سال (150هـ) به دنیا آمده است، و بعدا به مکه رفت، و بالاخره وی در سال (204هـ) وفات نموده است. الاعلام للزرکلی.

<sup>157</sup>- احمد بن محمد الشرقاوی، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج 7 ص 251.

<sup>158</sup>- احمد بن محمد الشرقاوی، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج 7 ص 251.

<sup>159</sup>- الشاربی سید قطب ابراهیم حسین تفسیر فی ظلال القرآن (المتوفی: 1385هـ) ج 5 ص 292 الناشر: دار الشروق - بیروت - القاهرة الطبعة:

رسول الله (صلى الله عليه وسلم) بخاطر گمراهی امت خویش نگرانی می نمود، مثلیکه خداوند تعالی فرموده:

{فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ} <sup>160</sup>.

در این جزء آیه قرآن کریم خداوند متعال اشاره میکند که هدایت و دلالت (راهنمایی و گمراهی) فقط از آن الله متعال به شرط اینکه انسان ها در راه راست و جاده مستقیم آن روان شوند و رغبت و علاقه به طرف هدایت و راه راست داشته باشند صاحب تفسیر تفهیم القرآن در مورد آیه شریف چنین اشاره میکند، {فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي} نظر به قول صاحب تفسیر این است که یک آدم منحرف آن است که کار بد را میکند، اما میدانند و میپزیرد کار که او میکند بد و نادرست است، پس چنین شخص پابند پند و نصیحت و اندرز هم است همانند چنین شخص رامیتواند اصلاح کند و هم ممکن است که وجدان خود او را مورد سرزنش قرار دهد و بسوی راه راست او را سوق دهد، چرا که او تنها بد عادت شده است و اندیشه اش باقی است خراب نشده است.

مقابل آن کسی دیگری است که ذهن و فکراش دچار انحراف شده است، قدرت تشخیص و تفکیک خوب و بد را از دست داده است زندگی گنهگاران برای او تبدیل به یک زندگی مرغوب و درخشان شده است از نیکی بدش میآید و بدی را عین فرهنگ و تمدن میدانند، صلاح و تقوا و خدا ترسی را عقب ماندگی فسق و فجور را روشنفکری و پیشرفت میدانند، و از نظر او هدایت عین گمراهی است و گمراهی عین هدایت است، پس بر چنین شخص هیچ گونه پند و نصیحت و تبلیغ اثر نمیکند او نه خودش متوجه سفاقت و حماقت های خود میشود و نه به سخنان نصیحت کننده و اندرز دهنده ی دیگر گوش فرا میدهد.

پافشاری و جانثاری برای چنین شخص بیهوده و بی فایده است یک دعوتگر بجای بخرچ دادن نیروی جسمی و فکری خود را برای اصلاح شخصی به کار دهد که در وجدان آن حیات باقی مانده باشد و تمیز و تفکیک خوب را از بد کرده بتواند و در وازه های دل خود را در برابر قبولیت حق نبسته باشد <sup>161</sup>. شبیه این دسته دسته از آیات دیگری هم در قرآن کریم مفهوم مذکور را (اصل هدایت و گمراهی نزد الله

<sup>160</sup>-سوره فاطر آیه (8)

<sup>161</sup>- مودودی سید ابوالاعلی، تفهیم القرآن، ج 7 ص 69

متعال استوعلت و سبب آن دعوتگران الله متعال میبا شد، چنانچه الله متعال به رسول الله (صلی الله علیه و سلم) است.

**آیه اول:** {فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا}.<sup>162</sup> ترجمه: پس مگر تو کشنده نفس خود را بر پی ایشان اگر ایمان نیارند باین سخن از جهت اندوه، گویی میخواهی بخاطر اعمال آنان خود را از غم و اندوه حلاک کنی اگر به این گفتار ایمان نیاورند از خلاصه و مفهوم این آیت قرآن کریم چنین برداشت میشود که رسول الله (صلی الله علیه و سلم) بعد از تکمیل وظیفه خویش برای آنانکه از حق و از راه هدایت به بی راهه حرکت میکردند غمگین و پریشان میگردید که مبدا امت وی در روز رستاخیز و میدان محشر به نزد پروردگار (جل جلاله) خوار، ذلیل، وسرپست و بلاجواب باشند.

**آیه دوم:** {أَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ}.<sup>163</sup> ترجمه: شاید تو هلاک کننده خویشتن را بسبب آنکه مسلمان نمیشوند.

دکتور وهبه زحیلی میگوید:

گویی میخواهی جان خود را از شدت اندوه از دست دهی بخاطر اینکه آنها ایمان نمی آورند، از خلاصه و مفهوم آیه قرآن کریم فهمیده میشود که رسول الله (صلی الله علیه و سلم) در برابر هدایت و نجات امت خویش برای راست بسیار حریص بود به این غرض همه وقت خویش را در راه تعلیم و راه دعوت و مبارزه به خرچ میداد در ضمن از هیچ گونه شیوه و وسایل دعوت تقصیر و کوتاهی نمینمود حتی کسی که به دعوت آن گوش هم نمیداد و در تاریکی جهل و نادانی باقی میماندند بنابر صله رحمی و شفقت انسانی که داشت بسیار اسفناک و پریشان میگردید که مبدا امت خویش در ملاقات روز رستاخیز و میدان محشر در وقت حساب اعمال به نزد خداوند متعال شرمنده، ذلیل و وارد دوزخ شوند.<sup>164</sup>

<sup>162</sup> -سوره كهف آیه (6)

<sup>163</sup> -سوره شعرا آیه (3)

<sup>164</sup> -دکتور وهبه زحیلی متولد سال (1932م) در شهر عطیه که در اطراف دمشق است. وهبه زحیلی رئیس گروه فقه مذاهب اسلامی دانشگاه دمشق بود، و موضوع بیشتر نوشته هایش به فقه و اصول فقه اختصاص دارد، و بالآخره در سال (1394هـ ش) در دمشق وفات نمود. مقدمه التفسیر المنیر، ج 22، ص 535، الطبعة: الثانية، (1418هـ ق)، ناشر: دارالفکر المعاصر - دمشق.



## ارتباط این مقطع با محور اصلی سوره:

محور اساسی سوره اثبات توحید و یگانگی الله متعال (جل جلاله) بود در حقیقت تبیر و نظام تمام کاینات از آن الله متعال (جل جلاله) است به احدی دیگری تعلق و ارتباط ندارد که قدرت تمام امور کاینات و مخلوقات از قبیل خلق کاینات، جزا، ثواب، عقاب، حشر، نشر، بعث بعدالموت (وزنده شدن بعد از مرگ) یک امر از این امور مذکور است که این صفت (بعث بعدالموت) مختص به الله واحد و یکتا است قسمی که پروردگار (جل جلاله) قادر به انشأ ایجادی تمام مخلوقات و کاینات است همچنان قادر به دوباره برانگیختن تمام مخلوقات هم است به غرض حساب و اعمال انسان ها<sup>165</sup>.

## رهنمای های آیات این مقطع

1- خوف و ترس انسان از وقوع در فتنه و آزمایش دنیا و شیطان و اعلان دشمنی با شیطان. {فَلَا تَعُرَّنَكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا}<sup>166</sup>.

2- فریب خوردن به باطل عوامل اعراض و منع نمودن از راه حق و ایمان است. {وَلَا يَعُرَّنَكُمْ بِاللَّهِ الْعُرُورُ}<sup>167</sup>.

3- برانگیختن (بعث بعدالموت) ثواب اعمال نزد الله (جل جلاله) و وزن اعمال انسان ها در روز قیامت حق و ثابت و هیچ تردیدی در آن نیست و ناگزیر تحقیق خواهد یافت. {يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ}<sup>168</sup>.

4 - بنابر تحقق و اثبات بعث، ثواب و عقاب انسان ها چطور فریفته وسواس شیطان و دنیا میگردند

{عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوهٌ حَضِرَةٌ وَإِنَّ اللَّهَ مُسْتَخْلِفُكُمْ فِيهَا فَيَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ فَاتَّقُوا الدُّنْيَا وَاتَّقُوا النَّسَاءَ فَإِنَّ أَوَّلَ فِتْنَةٍ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَتْ فِي النَّسَاءِ وَفِي حَدِيثِ ابْنِ بَشَّارٍ لِيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ}<sup>169</sup>.

<sup>165</sup> - التفسير الموضوعي لسور القرآن الكريم، ج 7 ص 253

<sup>166</sup> - سوره فاطرآيه (5).

<sup>167</sup> - سوره فاطرآيه (5).

<sup>168</sup> - سوره فاطرآيه (5).

<sup>169</sup> - صحيح المسلم، ج 8 ص 89 باب: ، اكثر اهل الجنه الفقراء، شماره 2742.

5- بی گمان شیطان دشمن تمام انسان ها است و باید انسان ها آنرا به دشمنی انتخاب نمایند و پیرو از آن نکنند. {إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا} <sup>170</sup>.

6- بی گمان شیطان و پیروان آن همه به آتش شعله ور کشانده خواهند شد. {إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ} <sup>171</sup>.

7- گمراهی و هدایت همه از جانب الله (جل جلاله) است بر اساس علم قدیم و کامل او به استعدادها و لیاقت ها تقسیم گردیده است. {فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ} <sup>172</sup>.

8- ایفای وظیفه هر انسان تا حد توان آنها است و مکلفیت انسان ها از توان بالا نیست. <sup>173</sup> {فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ} <sup>174</sup>.

---

<sup>170</sup>- سوره فاطرآیه (6).

<sup>171</sup>- سوره فاطرآیه (6).

<sup>172</sup>- سوره فاطرآیه (8).

<sup>173</sup>- احمد بن محمد الشرقاوی، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج 7 ص 252

<sup>174</sup>- سوره فاطرآیه (8).

دلایل قدرت‌الله متعال (جل جلاله) بغرض اثبات بعث

آیات (9-14)

خداوند متعال فرموده:

وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فُسْفَنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ (9) مَنْ كَانَ يَرْيِدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ (10) وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَضُ مِنْ عُمْرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (11) وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٍ سَائِعٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمَنْ كُلُّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاحِرَ لِتَبْتَنُّوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (12) يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ (13) إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ<sup>175</sup>.

ترجمه: و خدا آنست که فرستاد بادها را پس برانگیخت آن بادها ابر را پس روان کردیم ابر را بسوی شهر مرده پس زنده ساختیم بآن ابر زمین را بعد مرده بودن آن همچنین خواهد بود برانگیختن مردگان (9) هر که خواهد ارجمندی پس خدائراست ارجمندی همه یکجا بسوی او بالا می‌رود سخنی پاک و عمل صالح بلند می‌گرداندش خدا و آنانکه می‌اندیشند فتنه‌ها ایشانراست عذاب سخت و بداندیشی ایشان همون نابود شود (10) و خدا آفرید شما را از خاک باز از نطفه باز گردانید شما را جفت مرد و زن و در شکم بر نمیدارد هیچ زنی و نمی‌زاید مگر بعلم خدا و زندگانی داده نمی‌شود هیچ دراز عمری و کم کرده نمی‌شود از عمر وی الا ثبت است در کتاب هر آئینه این کار بر خدا آسان است (11) و برابر نیستند یعنی یکسان نمی‌شود باختلاط دو دریا این یک شیرین و نهایت شیرین است خوشگوار است آب او و آن دیگر شور بتلخی مائل است و از هر یکی می‌خورید گوشت تازه و بر می‌آید زیوری که می

پوشید آنرا و می بینی کشتیها را در دریا شکافنده آب تا روزی طلب بکنید از فضل او و تا بود که شما شکر گوئید(12).

در می آرد شب را در روز و در می آرد روز را در شب و رام ساخت آفتاب و ماه را هر یکی میروند بمیعادی معین اینست خدا پروردگار شما او را است بادشاهی و آنانکه میپرستید بجز وی مالک نمی شوند مقدار پوست خسته(13) اگر بخوانید ایشانرا نشوند خواندن شما را و اگر با الفرض بشنوند قبول نکنند گفته شما و روز قیامت منکر شوند شریک مقرر کردن شما را و خبر ندهد ترا هیچکس مانند دانا(14).

### مناسبت این مقطع با مقطع قبلی:

درمقطع قبلی خداوند متعال مهربانی کرد که وعده الله (جل جلاله) در ارتباط به بعث بعدالموت حق و ثابت است و به آن آمادگی داشته باشید در این مقطع هم خداوند (جل جلاله) مثال و نمونه بعث بعدالموت را به گونه چشم دید و تصویر نشان میدهد که مشاهده عینی با شنیدن مطابقت پیدا کند با واقع در ذهن و نفس الامر.

بنأ بیان این مثال ضمن احیاً و زنده نمودن گیاهان، به از موردن (خشک شدن) آنها حساً نشان دهنده اینست که در حقیقت عوامل و اسباب احیاً و تازه نمودن آنها را هم ذکر مینماید که باد و باران است پس باید بدانیم که الله (جل جلاله) قادر و توانا است بر احیاً و زنده نمودن گیاهان خشک زمین پس همان ذات نیز قادر و توانا است بر زنده کردن مخلوق خویش بعد از مرگ و مردن آنها، اثبات وحدانیت و یگانگی الله متعال را روی اثبات بعث بعد الموت (زنده شدن بعد از مرگ) به اثبات میرساند<sup>176</sup>.

### تفسیر اجمالی:

#### دلیل عقلی اول:

{وَاللَّهُ الَّذِي.....الخ}<sup>177</sup>.....برعواتق بادها، ابرها، راپیراند ازیکسوبه سوی دیگرش ببرد،وباز از آن باران بباراند،وزمین خرابه ومرده را زرخیزبگرداند، این کار الله (جل جلاله) است، لهذا کارساز نیز اوست<sup>178</sup>. این آیه قرآن عظیم الشان تقریر و تاکید است به اثبات بعث بعدالموت (زنده شدن بعد از

<sup>176</sup>- احمد بن محمد الشرفاوی، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج 7 ص 253

<sup>177</sup>- سوره فاطر آیه (9).

<sup>178</sup>- علی، حضرت مولانا حسین علی، تفسیر جواهر القرآن، ج 5، ص 193.

مرگ) به یک دلیل حسی و مشاهد، و آن عبارت است از انزال و فرستادن بادها به غرض انتقال و بردن ابرها از یک مکان به مکان دیگر جهت انزال و فرود آمدن باران که تعلق دارد به خاست و مشیت خداوند (جل جلاله) به مکان و جای که بخواهد بسبب آن زنده و تازه مینماید گیاهان خشک زمین را که در حقیقت این که امر یقین و قاطع است برای اثبات بعث بعدالموت و برانگیختن تمام انسانها که قادر به این امر و صفت فقط خداوند بزرگ و یکتا است کسی دیگری موصوف به این صفت نیست<sup>179</sup>.

چنانچه حرکت بادها دلیل و حجت ظاهر است بریک ذات فاعل و مختار به دلیل اینکه هواء و بادها گاهی اوقات ساکن، و گاهی اوقات متحرك میباشد و در وقت حرکتشان گاهی اوقات حرکت میکنند به طرف راست، و گاهی اوقات حرکت میکنند بطرف چپ، و این حرکات مختلف گاهی اوقات ابرها را به بار می آورد و گاهی اوقات ابرها را به بار نمی آورد در نتیجه این اختلافات دلیل است (مسخر، تدبیر کننده) مدبر، (تدبیر کننده) ومؤثر، (اثر کننده) مقدر، (تقدیر کننده) و درآیه شریفه چند مسائل است:

### مسأله اول:

گفت الله متعال (جل جلاله): { وَاللّٰهُ الَّذِيۡ اَرْسَلَ } کلمه (اُرْسَلَ) را بلفظ ماضی آورده است: { فَتَثِيْرُ سَحَابًا } کلمه (فَتَثِيْرُ) بصیغه مستقبل آورده است: بدلیل اینکه، و ذلك لأنه لما اُسْنَدَ فَعْلَ اِرْسَالٍ به الله متعال شده است انجام فعل را که الله (جل جلاله) بخواهد برای انجام آن میگوید "کن" پس میشود، و بلفظ مستقبل نگفت بخاطر حتمی بودن وقوع کار بلفظ ماضی آورد گویا که واقع شده است.

### مسأله دوم:

گفت: { اُرْسَلَ } اِسْنَادَ فَعْلٍ به غائب شده است، گفت: { سَقَنَاهُ } اِسْنَادَ فَعْلٍ به متکلم شده است و مانند این در قول: { فَاَحْيَيْنَا } به دلیل اینکه خداوند متعال معرفی کرد ذات خویش را به صدور فعل از افعال که (اِرْسَال) است، سپس ذات خویش را معرفی نمود که ما ابرها را سوق میدهم، و بسبب آن زمین را زنده میکنم<sup>180</sup>.

و همچنان آیات دیگری از قرآن کریم عین موضوع را اثبات بعث بعدالموت (زنده شدن بعد از مرگ) را به بحث میگیرند که عبارتند از:

<sup>179</sup> - احمد بن محمد الشرقاوی، التفسیر الموضعی لسور القرآن الکریم، ج 7 ص 254

<sup>180</sup> - الرازی، ابو عبدالله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسین التیمی الرازی الملقب بفخرالدین الرازی خطیب الری

تفسیر مفاتیح الغیب، ج 12 ص 452.

## آیت اول:

خداوند تعالی فرموده: {وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْكَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتَى إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ<sup>181</sup>.

ترجمه: واز نشانه‌های او آنست که می بینی زمین را فرسوده پس وقتی که فرود آوردیم بر سر آن آب را بجنبش آمد و بلند شد هر آئینه آنکه زنده کرده است زمین را البته زنده کننده مردگان است هر آئینه او بر همه چیز توانا است این آیه شریف موضوع قبلی را اشاره میکند که اثبات بعث بعد الموت است تصدیق و تاکید مینماید که خداوند متعالیگانه ذات است که بعضی از آیات و علامها ی قدرت باهر وعظیم بزرگ آن این است که گیاهای خشک زمین را دوباره به واسطه آن که باد و باران است تازه وزنده سپس آنرا را به حرکت می‌آورد، و آن ذاتی که صاحب این قدرت است میتواند مخلوق را هم دوباره زنده کند بخاطر اینکه قادر مطلق است<sup>182</sup>.

از خلاصه و مفهوم آیه شریف چنین برداشت میشود که همان ذاتی که توانا است به زنده نمودن گیاهای خشک زمین همچنان همان ذات توانان است بر زنده نمودن انسان های بعد از مرگ بخاطر حساب در برابر اعمال شان به حضور خداوند متعال.

و همچنان در آیه دیگری خداوند متعال همین موضوع مذکور را اشاره میکند.

## آیت دوم:

{وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا (17) ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا<sup>183</sup>.

ترجمه: و خدا رویانید شما را از زمین نوعی از رویانیدن (17) پس باز درآرد شما را بزمین و بیرون آرد شما را نیز از طوری بیرون آوردن (18).

آیه شریف را ابن جریر طبری چنین تفسیر مینماید: {والله انشأكم من تراب الارض فخلقكم منه انشأ ثم يعيدكم في الارض كما كنتم ترابا فيصيركم كما كنتم من قبل ان يخلقكم و يخرجكم منها اذا شاء احياءكم كما كنتم بشرا من قبل<sup>184</sup>.

<sup>181</sup>-سوره فصلت آیه (39)

<sup>182</sup>-ابن‌عاشور، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور التونسي. تفسیر التحرير والتنوير، ج 15 ص 340

<sup>183</sup>-سوره نوح آیات (17-18)

<sup>184</sup>-الطبري، جامع البيان في تأويل القرآن، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر الطبري، (224 - 310 هـ ش)

ترجمه: یعنی پروردگار (جل جلاله) ابتدا شمارا از خاک زمین پیدا نموده و شما را از آن خلق و پیدا کرده است. سپس بازگشت شما نیز در زمین است چه قسمی که بودید از ابتدا خاک پس دوباره میگردید چه قسمی که بودید قبل از پیدایش و خلقت تان و برمیخیزاند از زمین وقتیکه بخواهد شمارا زنده قسمی که بشر بودید قبلا.

از خلاصه و مفهوم تفسیر ابن جریر طبری چنین فهمیده میشود که انسانها نبودند الله (جل جلاله) هست نمود ایشان را از خاک بشکل بشر سپس باز میگرداند ایشان را به اصل شان (خاک) است واز همین خاک دوباره زنده میکند ایشان را در روز قیامت به حساب اعمال، و همچنان رسول الله (صلی الله علیه وسلم) همین موضوع را در احادیث متعدد تاکید و تصدیق میکند، چنانچه در کتاب تفسیر آورده است. چنانچه رسول الله (صلی الله علیه وسلم) به روایت ابوهریره<sup>185</sup> (رضی الله عنه) که نبی اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: **إِبْنِ النَّفْخَتَيْنِ أَرْبَعُونَ قَالُوا يَا أَبَا هُرَيْرَةَ أَرْبَعُونَ يَوْمًا قَالَ أُبَيْتُ قَالَ أَرْبَعُونَ سَنَةً قَالَ أُبَيْتُ قَالَ أَرْبَعُونَ شَهْرًا قَالَ أُبَيْتُ وَبَيَلَى كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْإِنْسَانِ إِلَّا عَجَبَ ذَنْبِهِ فِيهِ يُرَكَّبُ الْخَلْقُ**<sup>186</sup>.

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که نبی اکرم الله علیه وسلم فرموده (فاصله میان دو صور، چهل است) گفتند ای ابوهریره چهل روز استگفت در این مورد، چیزی نمی گویم پرسیدند: چهل سال است؟ گفت در این مورد، چیزی نمیگویم، پرسیدند چهل ماه است؟ باز هم گفت: در این مورد چیزی نمیگویم ودر پایان گفت: تمام اعضای بدن انسان از بین میرود مگر بیخ دمش که آفرینش از آن شروع میشود.

به روایت دیگر: **مَا بَيْنَ النَّفْخَتَيْنِ أَرْبَعُونَ قَالُوا يَا أَبَا هُرَيْرَةَ أَرْبَعُونَ يَوْمًا قَالَ أُبَيْتُ قَالُوا أَرْبَعُونَ شَهْرًا قَالَ أُبَيْتُ قَالُوا أَرْبَعُونَ سَنَةً قَالَ أُبَيْتُ ثُمَّ يُنْزَلُ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيَنْبُتُونَ كَمَا يَنْبُتُ الْبَقْلُ قَالَ وَلَيْسَ مِنَ الْإِنْسَانِ شَيْءٌ إِلَّا يَبْلَى إِلَّا عَظْمًا وَاحِدًا وَهُوَ عَجَبُ الذَّنْبِ وَمِنْهُ يُرَكَّبُ الْخَلْقُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ**<sup>187</sup>.

<sup>185</sup> - ابوهریره، عبدالرحمن بن صخر الدوسی ملقب به ابی هریره صحابی جلیل القدر واز یاران با صفای پیامبر صلی الله علیه وسلم بود، حضرت ابو هریره از جمله صحابی است، که بیشتر از همه حدیث روایت کرده است که تعداد احادیث روایت کرده شده توسط آن به (5374) حدیث رسیده است. موصوف سال هفتم هجری هنگام فتح خیبر اسلام آورده است، وبعد از مسلمان شدن همیشه با پیامبر صلی الله علیه وسلم ملازمت

داشتند. ابن الأثیر، عز الدین بن الأثیر أبو الحسن علی بن محمد الجزری (ت 630) اسد الغابه، ج 5 ص 319.

<sup>186</sup> - صحیح البخاری، کتاب التفسیر، ج 15 ص 19 رقم 4440

<sup>187</sup> - صحیح البخاری کتاب الفتن، باب (یوم ینفخ فی الصور فتأتون أفواجا) ج 6 ص 165 شماره حدیث 4935 صحیح المسلم کتاب الفتن [باب

ما بین النخفتین، ج 4 ص 270 شماره حدیث 2955.

ترجمه: از ابوهریره (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: فاصله میان دو صورچهل است، مردم گفتند: ای ابوهریره چهل روز است؟ گفت: در این مورد متیقن نیستم پرسیدند: چهل ماه است؟ باز هم گفت در این ورد متیقن نیستم و در پایان گفت سپس الله متعال (جل جلاله) آبی را از آسمان نازل مینماید آن گاه انسانها مانند رویدن گیاهان میرویند و تمام اعضای بدن انسانها از بین میروند مگر استخوان بیخ دمش که روز قیامت آفرینش از آن شروع میشود.

### راه عزت و سرانجام مکرکننده گان :

خداوند تعالی فرموده:

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ﴾<sup>188</sup>.

این آیه قرآن بیان میکند که دریافت و کسب نمودن عزت و شرف فقط از آن الله (جل جلاله) است یعنی انقیاد درست به اوامر آن واجتناب درست از نواهی آن است بنا اعطاع عزت و ذلت هم از جانب آن است و هر کسیکه عزت را از غیر آن طلب کند ذلیل و خوار است و هر کسیکه نفس خویش را به الله ذلیل نماید صاحب عزت و شرف میشود چنانچه گفته شده

و اذا تذلل للترقاب تقر بامنها اليك فعزها في ذلها، وقتیکه گردنها خود را منقاد کنند بخاطر تقرب بسوی الله پس عزت انسان در ذلت به الله (جل جلاله) است.

﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾.

یعنی اعمال نیک و آنچه که ملایک نوشته میکنند به نزد الله بلند میروند نه بسوی کسی دیگر و کلم الطیب را خاص نمود در "ذکر" بع غرض اینکه ثواب بر آن مرتب میشود. و شامل هر کلام میگردد مانند امر به معرف نهی از منکر.<sup>189</sup> تلاوت قرآن، کلمه توحید، تهلیل، ذکر الله، تکبیر، تسبیح، دعاء، استغفار، دعوت تبلیغ، اصلاح، ارشاد و غیره و در مقابل کلمه پاک و عمل نیک هر آنکسی که فریب و مکر به بدی و گناه مینماید مانند اعمال و اقوال نا پاک و خبیث که در ظاهر یک چیز و باطن آن چیزی دیگر باشد در هلاکت است. مانند: کشت دانه در زمین خبیث (بور) که صلاحیت کشت را نداشته باشد.

از خلاصه و مفهوم آیه شریف چنین برداشت میشود که یگانه ذاتی که دهنده شرف است الله است، و همچنان یگانه ذاتی که اعمال خوب و بد انسانها بسوی آن بالا میروند و یگانه ذاتی که مهوه کننده

<sup>188</sup>-سوره فاطر آیه (10).

<sup>189</sup>- احمد بن محمد الشرقاوی، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج 7 ص 254.



فريب کاران است همان الله (جل جلاله) است. و همچنان پروردگار (جل جلاله) مفهوم مذکور را در آیات دیگری تصدیق و تأیید مینماید.

### آیت اول:

{الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أُلْبِتُّعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا} <sup>190</sup>.

ترجمه: آن منافقان که کافران را دوست میگیرند بجز مومنان آيا نزدیک ایشان ارجمندی میطلبند پس هر آئینه ارجمندی خدا را است همه یکجا.

خلاصه و مفهوم آیه شریف اینست که آنانیکه کافران را دوست گرفتند ماسوای مسلمانان و آیامیپندارند که عزت و شرف در پهلوی آنها است. کلا و حاشا چنین نیست بلکه عزت و شرف فقط از آن الله (جل جلاله) است <sup>191</sup>.

### آیت دوم:

و درآیه دیگری خداوند (جل جلاله) مهربانی میکند. {وَلَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ} <sup>192</sup>.

ترجمه: وغمگین نکند ترا سخن ایشان هر آئینه غلبه خدا راست همه یکجا اوست شنوا دانا خلاصه و مفهوم آیه شریف چنین است که گفتار های دشمنان دین و مشرکین ترا نگهبان نگرداند، از الله (جل جلاله) استعانت بخواه و بر الله توکل کن، بخاطریکه دهنده عزت و شرف است و به کسی که بخواهد میدهد و به کسی که نخواهد نمیدهد. و کسی که عزت را از غیر آن طلب نماید برای آن ذلت را میدهد زیرا مالک و متسلف به این صفات بزرگ همان الله (جل جلاله) است <sup>193</sup>.

احادیثی که اعمال درست نزد خداوند متعال قرار میگیرد:

### حدیث اول:

{عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: " إِذَا حَدَّثْنَاكُمْ بِحَدِيثٍ أَتَيْنَاكُمْ بِتَصْدِيقِ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَتَبَارَكَ اللَّهُ، قَبِضَ عَلَيْهِنَّ مَلَكٌ فَضَمَّهِنَّ تَحْتَ جَنَاحِهِ وَصَعِدَ بِهِنَّ لَا يَمُرُّ بِهِنَّ عَلَى جَمْعٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَّا اسْتَعْفَرُوا

<sup>190</sup> - سورة نساء آیه (139).

<sup>191</sup> - الجوزی، عبد الرحمن بن علي بن محمد، زاد المسیر فی علم التفسیر، الناشر: المکتب الإسلامی - بیروت، ج 2 ص 127.

<sup>192</sup> - سورة یونس آیه (65).

<sup>193</sup> - أبو الفداء، إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشي الدمشقي، تفسیر القرآن العظیم، [700-774هـ] المحقق: سامی بن محمد سلامة، الناشر: دار طبیبة للنشر والتوزیع، الطبعة: الثانية 1420هـ - 1999 م، ج 6 ص 539.

لِقَائِهِنَّ حَتَّىٰ يَجِيَّءَ بِهِنَّ وَجَهَ الرَّحْمَنِ، ثُمَّ تَلَا عَبْدُ اللَّهِ {إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ} «هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ الْإِسْنَادِ وَلَمْ يُخْرَجْهُ»<sup>194</sup>.

ترجمه: از عبد الله ابن مسعود (رضی الله عنه) روایت است که گفت: وقتیکه یک حدیث را برایتان بیان میکنم بتأید و تصدیق آن آیه کتاب الله را می آوریم. هرآینه یک بنده مسلم گوید سبحان الله و بحمده، والحمد لله، ولا إله إلا الله، والله أكبر، وتبارك الله، مؤظف میشود برآن ملک جمع میکند آنهارا در بالهای خویش، سپس همراه با آن کلمات بالا میروند بسوی آسمان، هرگاه ملک به جمع از ملائک مرور میکند جماعت ملائک برگزیده آن طلب مغفرت میکنند تا اینکه آمدن کنند بآن کلمات نزد ذات الرحمان، سپس قراءت نمود. {إليه يصعد الكلم الطيب والعمل الصالح يرفعه}.

مراحل خلقت انسان:

الف: دلیل عقلی دوم:

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ.....الآية.....الله متعال (جل جلاله) باکمال قدرتش جدا علی شما حضرت آدم (علیه السلام) را از خاک بیافرید، باز سلسله نسل را جاری ساخت، و باز از مقدار عمر هر جاندار نیز با خبر است، مختصر اینکه همه و هر چیز در علم الله متعال (جل جلاله) موجود است، کننده هر چیز و عالم بر هر چیز صرف الله متعال (جل جلاله) است، لهذا کار ساز و حاجت روانی از او است، دیگری نیست، پس مافوق الاسباب صرف به او آواز میکنید، زیادت و کمبود در عمر به اعتبار تقدیر معلق الله متعال (جل جلاله) است، چنانچه بسبب بعضی اعمال نیکو در عمر افزایش می آید، چنانچه ارشاد است در حدیث رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم)<sup>195</sup> «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَقُولُ: "مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُبْسَطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ، وَأَنْ يُنْسَأَ لَهُ فِي أَثَرِهِ (4)؛ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ"»<sup>196</sup>.

ترجمه: از ابی هریره (رضی الله عنه) روایت است که فرمود من از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) شنیده ام که میگفت: هر کسیکه دوست دارد که در رزق و در عمرش فراخی بآید باید صله رحمی راعایت کند.

خداوند تعالی در سوره فاطر فرموده:

<sup>194</sup>- اخرجه المستدرک علی صحیحین للحاکم 3589 باب تفسیر سورة الملائكة ج 2 ص 461. و اخرجه بهقی فی شعب الایمان، ج 2 ص 139 شماره 616 وكذا فی الاسماء والصفات ج 2 ص 104 شماره 667 وقال ذهبی هذا حدیث صحیح الاسناد.

<sup>195</sup>- علی، حضرت مولانا حسین علی، تفسیر جواهر القرآن، ج 5 ص 194.

<sup>196</sup>- صحیح البخاری، باب من بسط له فی الرزق بصله الرحم، ج 2، ص 62، شماره حدیث، 2308

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمِّرُ مِنْ مَعْمَرٍ وَلَا يَنْقُصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ<sup>197</sup>.

وهمچنان در سوره آل عمران خداوند متعال فرموده است { إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ }<sup>198</sup>.

عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ أَسِيدٍ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: " يَدْخُلُ الْمَلِكُ عَلَى النُّطْفَةِ بَعْدَمَا تَسْتَقِرُّ فِي الرَّحِمِ أَرْبَعِينَ أَوْ خَمْسًا وَأَرْبَعِينَ لَيْلَةً، فَيَقُولُ: أَيُّ رَبِّ، أَشَقِيٍّ أَمْ سَعِيدٍ؟ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَيَكْتُبَانِ، أَذْكَرٌ أَمْ أُنْثَى؟ فَيَقُولُ اللَّهُ وَيَكْتُبَانِ مُصِيبَتَهُ وَآثَرَهُ وَرِزْقَهُ وَأَجَلَهُ، ثُمَّ تُطَوَّى الصَّحِيفَةُ، فَلَا يَزَادُ فِيهَا أَوْ يُنْقَصُ مِنْهَا<sup>199</sup>.

ترجمه: از حدیفه بن اسید غفاری (رضی الله عنه) روایت است که گفت: فرمود رسول الله (صلی الله علیه وسلم): داخل میشود ملک مسلط برنطفه بعد از قرارگرفتن نطفه در رحم پس از مدت چهل روز یا چهل وپنج روز میگوید: ای پروردگار بد بخت است، یا نیک بخت است؟ مذکر است، یا مؤنث؟ الله متعال (جل جلاله) در مورد مقدرات آن میگوید.... و ملائک نوشته میکنند، سپس نوشته میکنند عمل آنرا، و رزق آنرا، و وقت مقرر آنرا، و مصیر آنرا، و مصائب آنرا، سپس بسته میشود دفترچه آن نه کم میشود و نه زیاد میشود از مقدرات آن.

یعنی هر که به دنیا میاید در باره او از پیش این واقعیت نوشته میشود که در دنیا چقدر باید عمر کند، اگر عمر کسی دراز میشود به امر الله (جل جلاله) میشود و اگر عمر کسی کوتاه میباشد به فرمان خداوند بزرگ میشود، برخی نادانان در رد این فرموده خدا چنین استدلال میکنند که پیش از این مرگ و میر در میان نوزادان زیاد بود، اما اینکه علم طبابت طرقي کرده است.

مرگ و میر در میان اطفال کاهش یافته است و پیش از این انسانها کمتر زندگی میکردند، اما اینکه با افزایش امکانات درمانی، میانگین سنی انسانها افزایش یافته است، اما این دلیل را تنها زمانی میتوان در رد این فرموده خدای بزرگ عرضه کرد که ما از منبع این اطلاع را بدست آورده باشیم.

<sup>197</sup>- سوره فاطر آیه (11)

<sup>198</sup>- طنطاوي مؤلف، محمد سيد، التفسير الوسيط للقرآن الكريم ج 1 ص 3503، الناشر: دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع، القاهرة - القاهرة.

<sup>199</sup>- صحيح مسلم، ج 4 ص 2037 باب: كيفية الخلق في بطن امه. شماره 2644

که بطور مثال عمر فلان شخص دوسال نوشته شده بود و امکانات پزشکی ما به آن یک روز افزودند، اگر چنین علم نزد کسی نیست، اواز روی دلیل منطقی و مأ قول نمیداند فرموده خدا را رد نماید بناً ما گفته میتوانیم که خداوند (جل جلاله) برای انسانها زمانهای مختلف و عمر های گوناگون مقرر کرده است. درمان و طبابت پزشکی سبب و مآثر مجازی است نه مآثر حقیقی بلکه مآثر و پزشک حقیقی فقط الله بزرگ (جل جلاله) است و کسی دیگری متأسف به این صفت نیست<sup>200</sup>.

### ب: دلیل بر کمال علم الله متعال:

خداوند تعالی فرموده:

﴿وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمِّرُ مِنْ مَعْمَرٍ وَلَا يَنْقُصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾<sup>201</sup>.

همچنان از حضرت قتاده (رضی الله عنه) در مورد این قول خداوند متعال روایت شده است، عن قتاده<sup>202</sup> فی قوله { وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ } یعنی خلق آدم من تراب، { ثم من نطفة } یعنی ذریته، { أَوْ يَرْجُوهُمْ ذَكَرْنَا وَإِنَّا }<sup>203</sup>.

ترجمه: از حضرت قتاده روایت است در مورد این آیه { وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ } یعنی ابتداء خلقت حضرت آدم (علیه السلام) از خاک، { ثم من نطفة } یعنی سپس ذریه آن از نطفه پیداشده است، { أَوْ يَرْجُوهُمْ ذَكَرْنَا وَإِنَّا } یا بسبب زنا شوهری جمع میکنیم برای ایشان پسر و دختر<sup>204</sup>.

ثم ساقه - سبحانه - این آیه شریفهم دلیل دیگر است بر اثبات بعث (زنده شدن بعد از مرگ) والنشور (و دوباره برخاستن از قبرها)، { وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ } یعنی خداوند متعال (جل جلاله) ابتداء پیدا نمود شمارادر ضمن خلقت و پیدایش پدرتان حضرت آدم (علیه السلام)، { ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ } و پس از آن از نطفه (آب پاک یا از قطره آب) ( نطفه ) که جمع آن: نطف و نطاف میآید گفته میشود نطفة القرية

<sup>200</sup>- مودودی، سید ابوالاعلی، تفسیر تفهیم القرآن، ج 7 ص 73

<sup>201</sup>- سوره فاطر آیه (11)

<sup>202</sup>- قتاده بن دعامة بن قتاده الدوسی، الاکمه، ابوالخطاب البصری، از انس روایت کرده است، واز او ابوحنیفه، وشعبه، واوزاعی، او از جمله حفظ ترین اهل بصره بود، چیزی را نمی شنوید مگر آنرا حفظ میکند، ودر سال 117 ه وفات نموده است، محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی، تذکرة الحفاظ، ج 1، ص 122.

<sup>203</sup>- سوره الشورا آیه (16).

<sup>204</sup>- عبد الرحمن بن ابي بكر، جلال الدين السيوطي (المتوفى: 911هـ) تفسیر الدر المنثور، ج 8 ص 267.

إذا قطرت یعنی دلوه قطره چکاند و مراد در اینجا قطره آب منی است که انداخته میشود از صلب و پشت مردها بسبب آله مخصوص در رحم زنها.

{ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا } یعنی برای بقای توالد و تناسل انسانها شمارا گردانید صنف صنف (مذکر و مؤنث) چنانچه که خداوند متعال (جل جلاله) گفته است { أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا } یا مراد اینکه شما یکدیگر اجفت میگردانید مرد زن را جفت میگرداند و زن مرد را جفت میگرداند. { وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أَنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ } یعنی بوجود نمی آید حمل و بارداری یک باردار، چنانچه که ممکن وضع و بیرون آمدن آن از بطن و شکم، مگر اینکه الله متعال (جل جلاله) عالم است به آن به علم پوره چنانچه که هیچ چیزی بر آن پت و مخفی نمی ماند، چنانچه که خداوند متعال (جل جلاله) گفته است.

{ لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ }<sup>205</sup>.

و همچنان در سوره آل عمران خداوند متعال (جل جلاله) گفته است { إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ }<sup>206</sup>.

آنرا و وقت مقرر آنرا، و مسیر آنرا، و مصائب آنرا، سپس بسته میشود دفترچه آن نه کم میشود و نه زیاد میشود از مقدرات آن.

از خلاصه و مفهوم آیه شریف دانسته میشود که خداوند بزرگ (جل جلاله) یگانه ذاتی است که به علم کامل خویش میداند آنچه را که هر ماده (انثی یا مونث) در شکمش برمیدارد و آنچه را زهدان کم میکند و یا می افزاید و همین مطلب و مفهوم را آیه دیگری از قرآن تأکید مینماید<sup>207</sup>.

{ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ }<sup>208</sup>.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ الصَّادِقُ الْمَصْدُوقُ قَالَ إِنَّ أَحَدَكُمْ يُجْمَعُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا ثُمَّ عَلَقَةً مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ يَكُونُ مُضَعَّةً مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ مَلَكًا فَيُؤَمِّرُ بِأَرْبَعِ بَرَزِقِهِ وَأَجَلِهِ وَشَقِيٍّ أَوْ سَعِيدٍ فَوَاللَّهِ إِنْ أَحَدَكُمْ أَوْ الرَّجُلُ يَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ حَتَّىٰ مَا يَكُونُ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا غَيْرُ بَاعٍ أَوْ ذِرَاعٍ فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ الْكِتَابُ فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَيَدْخُلُهَا وَإِنْ

<sup>205</sup>- سوره غافر آیه (16)

<sup>206</sup>- سوره آل عمران، آیه (5)

<sup>207</sup>- ابنعاشور، محمد الطاهر بن محمد بن عاشر التونسى. تفسير التحرير والتنوير، ج 11 ص 455

<sup>208</sup>- سوره رعد آیه، (8)

الرَّجُلَ لِيَعْمَلَ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ حَتَّى مَا يَكُونُ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا غَيْرُ ذِرَاعٍ أَوْ ذِرَاعَيْنِ فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ  
الْكِتَابُ فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ فَيَدْخُلُهَا قَالَ آدَمُ إِلَّا ذِرَاعٌ<sup>209</sup>.

ترجمه: از عبدالله ابن مسعود (رضی الله عنه) میگوید: رسول الله (صلی الله علیه و سلم) که صادق مصدوق است، فرمود: نطفه هریک از شما به مدت چهل روز در رحم مادر جمع میشود سپس تا چهل روز دیگر بشکل خون بسته درمیآید و بعد از چهل روز دیگر به پاره گوشتی تبدیل میشود آن گاه الله متعال فرشته ای را میفرستد و او را به نوشتن چهار چیز مأمور میکند و میگوید: عمل، رزق، اجل، و شقاوت، یا سعادتش را بنویس آنگاه در او روح دمیده میشود پس سوگند به ذاتی که هیچ معبودی به جز او وجود ندارد که یکی از شما اعمال انجام میدهد که بین او و بهشت فقط یک ذراع باقی میماند ولی تقدیرش بر او پیشی میگیرد و اعمال دوزخیان را انجام میدهد در نتیجه به دوزخ میرود شخصی دیگری از شما اعمال جهنمیان را انجام میدهد تا جایکه بین او و جهنم فقط یک ذراع باقی میماند ولی تقدیر بر او پیشی میگیرد و اعمال بهشت یان را انجام میدهد. در نتیجه به بهشت میرود. از خلاصه و مفهوم حدیث شریف دانسته میشود که الله متعال (جل جلاله) ذاتی است که عالم و دانا است بر تمام مراحل خلقت انسانها از آغاز نطفه الی وقت وفات آن و تحت نظر بلاکیف آن سپری میشود.

## عالم بحرها و افلاک:

### دلیل عقلی سوم: بر اثبات وحدانیت الله:

این نیز دلیل برکمال قدرت او است، که آب دریایی بسیار شیرین و لذیذ است، و از دریایی دیگر بسیار تلخ و شور است، و در هر دو ماهیها پرورش می یابد، لیکن گوشت آنها یکسان لذیذ و مزه دار است، و از هر دو جواهرات برمی آید که کارحسن میدهد، و در هر دو کشتی ها رفت و آمد میکند آبرا میباشگافد، و سفر میکند، که شما در آن از جای به جای دیگری سفر میکنید، و اموال تجارت را نقل میکنید، و نفع به دست می آورید تمام این مهربانی از آن الله متعال (جل جلاله) است.<sup>210</sup>

مثلیکه خداوند تعالی در سوره فاطر فرموده:

<sup>209</sup>- البخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره الجعفی. صحیح البخاری، باب الارواح جنود مجنّدة، ج 2 ص 404 شماره حدیث 1422

<sup>210</sup>- علی، حضرت مولانا حسین علی، تفسیر جواهر القرآن، ج 5 ص 196.

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِنْ كُلِّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا  
وَتَسْتَخْرِجُونَ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاحِرَ لِنَبْتَعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ<sup>211</sup>.

اکثر مفسرین گفته اند که مراد از آیه شریفه ضرب المثل در حق کفر و ایمان یا در حق کافر و مؤمن هر چه  
ایمان را تشبه داده نمیتوانیم به کفر در حسن و نفع چنانچه که تشبه داده نمیتوانیم دو بحر شرین، تلخ را  
{ وَمِنْ كُلِّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا } یعنی از هر دو نوع بحران گوشت تازه میخورید که حال کافر و مؤمن، یا  
کفر و ایمان، پائینتر از حال بحرین است بخاطر اینکه هر دو بحرین بهر مند از خیر و برکت اند که گوشت  
تازه، و زیورات در هر دو پیدا میشود، و همچنان کشتی بالای هر دو حرکت میکند، و نفع در کفر و کافر هر گز یافته  
نمیشود، که به تائد آن خداوند متعال (جل جلاله) میفرماید { أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ } در نتیجه  
مراد از این ذکر دلیل دیگر است بر قدرت الله (جل جلاله)<sup>212</sup>.

**دلیل عقلی چهارم: بر اثبات وحدانیت الله (جل جلاله) بغرض رفت و آمد شب روز،**

{ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ ..... الآية ..... } سپس الله سبحانه (جل جلاله) بیان-  
نعمت دیگری را نمود که تجلی آن درآمدن شب، و روز میشود، و در تجلی آفتاب، و مهتاب، که میگوید یعنی  
یکی از علامات و نشانهای قدرت و فضل مرحمت الهی (جل جلاله) بر شما و آن اینکه پیدا کردن شب  
و روز به یک نظام عجیب و نا آشنا که داخل نمودن یکی در دیگر است، همراه با زیادت یکی بر دیگر  
بشکل متعاقب و پی در پی در زمانه با وجود اختلاف مطالع، یعنی (جای طلوع) و مغارب، (جای  
غروب) و همچنان سیر هر واحد از آفتاب، و مهتاب، مطابق به یک نظام عجیب و محکم، تا وقت مقرر و معین  
که الله متعال (جل جلاله) آنرا اندازه کرده است تا به ختم عمر دنیا.<sup>213</sup>

{ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى  
ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ }<sup>214</sup>.

یعنی یکبار علامات و نشانهای قدرت و فضل مرحمت الهی (جل جلاله) بر شما و آن اینکه پیدا کردن شب  
و روز به یک نظام عجیب و نا آشنا که داخل نمودن یکی در دیگر است، همراه با زیادت یکی بر دیگر

<sup>211</sup> - فاطر آیه (12)

<sup>212</sup> - الرازی، ابو عبدالله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسین التیمی الرازی الملقب بفخرالدین الرازی خطیب

الری تفسیر مفاتیح الغیب ج 10 ص 26.

<sup>213</sup> - طنطاوی، محمد سید، مؤلف، تفسیر وسیط ج 1 ص 3535.

<sup>214</sup> - سوره فاطر آیه (13).

بشکل متعاقب وپی در پی در زمانه با وجود اختلاف مطالع، یعنی (جای طلوع) و مغارب، (جای غروب) و همچنان سیر هر واحد از آفتاب، و مهتاب، مطابق به یک نظام عجیب و محکم، تا وقت مقرر و معین که الله متعال (جل جلاله) آنرا اندازه کرده است تا به ختم عمر دنیا<sup>215</sup>.

چنانچه که که الله متعال (جل جلاله) در سوره "یس" میفرماید رفتار هر یک از آفتاب، مهتاب، شب، روز و غیره مناسب نیست که اوامر الله متعال (جل جلاله) سرکشی کنند بلکه هر مخلوق وی در مدار معین خویش روان و مأموریت خویشرا درست بجا میآورند، و یکی از دلایل وحدانیت الله (جل جلاله) آمدن شب و روز است که در حقیقت این دو نعمت های بزرگ خداوند (جل جلاله) است، که شب را بخاطر آرامش و راحت، و روز را بخاطر طلب و کسب معاش پیدا کرده است، با تداخل میان هردو یعنی شب دراز، روز کوتاه، یا روز دراز، و شب کوتاه، بنام همه این آیات دلالت میکنند بر اثبات وحدانیت خداوند متعال.

#### آیه اول درباره یکتا پرستی خداوند متعال:

خداوند تعالی فرموده:

{لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ} <sup>216</sup>.

ترجمه: و نشانه هست ایشانرا که ما برداشتیم قومی بنی آدم را در کشتی پر کرده شده چنانچه که که الله متعال (جل جلاله) در سوره "ال عمران" میفرماید رفتار هر یک از آفتاب، مهتاب، شب، روز، که اوامر الله متعال (جل جلاله) سرکشی کنند بلکه هر مخلوق وی در مدار معین خویش روان و مأموریت خویشرا درست بجا میآورند، بنام همه این آیات دلالت میکنند بر اثبات وحدانیت خداوند متعال.

#### آیه دوم درباره یکتا پرستی خداوند متعال:

خداوند تعالی فرموده:

{تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ نَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ} <sup>217</sup>.

<sup>215</sup> - طنطاوی، محمد سید، مؤلف، تفسیر الوسيط ج 1 ص 3535

<sup>216</sup> - سوره یس آیه (40).



ترجمه: در می آری شب را در روز و در می آری روز را در شب و بیرون می آری زنده را از مرده و بیرون می آری مرده را از زنده و روزی می دهی هر کرا خواهی بیشمار چنانچه که الله متعال (جل جلاله) در سوره "رعد شریف" میفرماید رفتار هر یک از آفتاب، مهتاب، شب، روز و غیره مناسب نیست که اوامر الله متعال (جل جلاله) سرکشی کنند بلکه هر مخلوق وی در مدار معین خویش روان و مأموریت خویش را درست بجا میآورند، بناء همه این آیات دلالت میکنند بر اثبات وحدانیت خداوند متعال.

آیه سوم درباره یکتا پرستی خداوند متعال:

خداوند تعالی فرموده:

اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلًّا يَجْرِى لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بَلِقَاءَ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ<sup>218</sup>.

ترجمه: خدا آنست که برداشت آسمانها بغير ستونها که بينيد آنها بعد از آن مستقر شد بر عرش و رام کرد آفتاب و ماه را هر یکی سیر میکند بمیعادی معین تدبیر کار می نماید بیان میکند نشانها را تا شما بملاقات پروردگار خود یقین آید.

یعنی از خلاصه و مفهوم همه این آیات به صراحت فهمیده

میشود که نظام زمان و دلیل زمان و نظام عالم هستی را اداره میکند<sup>219</sup>.

پس معبود کسی است که دارای چنین اوصاف باشد<sup>220</sup>:

إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ<sup>221</sup>.

اگر بتها را آواز کنید بخاطر قضاء حاجت و مشکلاتتان نمیشنوند آوازتانرا بخاطری که آنها جمادمحض هستند و اگر بالفرض بشنوند بلحاظ اینکه بعضی ایشان صاحب شعور هستند مانند ابلیس جواب شمارا نمی دهند چون مالک نفع و ضرر نیستند، یا بخاطر اینکه شما آنها را بغرض الوهیت می طلبید و آنها

<sup>217</sup>- سوره ال عمران آیه (27).

<sup>218</sup>- سوره رعد آیه (2).

<sup>219</sup>- جمال الدین أبو الفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد الجوزی (المتوفی: 597هـ) تفسیر زاد المسیر ج 5 ص 177.

<sup>220</sup>- بدخشانی، محمد اکرام الدین، ازهر البیان، ج 7 ص 72.

<sup>221</sup>- سوره فاطر آیه (14).

از شما مانند حضرت عیسی (علیه السلام) و حضرت عزیر (علیه السلام) و ملائک بی زار هستند، و در روز قیامت انکار از شرکی که شما با آنها نموده اید و میگویند که شما ما را عبادت نکرده اید و از عبادت شما انکار میکنند، و از حقیقت امر و کار شما را خبر نمی دهند مانند ذات دانا و خبیر که الله سبحانه (جل جلاله) است<sup>222</sup>.

یعنی اگر شما ایشان بخوانید فریاد را نمیشنوند، و اگر بالفرض بشنوند جواب نمیدهند و در روز قیامت از شرک شما انکار میکنند و هیچ کس مانند ذات یگانه آگاه و باخبر به همه حقایق ترا باخبر نمیسازد. از خلاصه و مفهوم این آیه چنین فهمیده میشود که معبود کسی میباشد که از انجام کارها بصورت درست آگاه باشند متصف به این صفت بزرگ الله یگانه (جل جلاله) میباشد<sup>223</sup>.

### مناسبت و ارتباط این مقطع با محور سوره:

محور اساسی سوره اثبات توحید پروردگار (جل جلاله) بود مفهوم آیات این مقطع اثبات دلایل بر وحدانیت خداوند (جل جلاله) را میکند و آن اینکه فرستادن بادها در حقیقت سبب برای آمدن باران است و باران سبب از برای رزق مجازی بندهها است و ارسال همین سبب رزق مجازی برای مخلوق در حقیقت الله واحد است و متصف به این صفت بزرگ فقط الله است و همچنان تازه نمودن گیاهان زمین خشک مساوی نبودن دو بحر مختلف و استفاده آنها به شکل مساویانهو پی در پی آمدن شب و رزو و داخل شدن ایشان بر یکی دیگر تسخیر آفتاب، مهتاب، حرکت و سیر هردو در مدار معین و غیره علامات و آیاتی که دلالت میکند بر اثبات وحدانیت خداوند (جل جلاله)<sup>224</sup>.

### رهنمای آیات این مقطع:

- 1- اثبات بعث بعدالموت به دلیل حسی و مشاهد و ارسال باران و بادها {وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ}<sup>225</sup>.
- 2- آگاهی بر اینکه دهنده عزت و ذلت از آن الله (جل جلاله) است. {مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ}<sup>226</sup>.

<sup>222</sup>- المظهری محمد ثناء الله: التفسیر المظهری ج 8 ص 50 المحقق: غلام نبی التونسی الناشر: مکتبة الرشیدیة - الباكستان الطبعة: (141هـ).

<sup>223</sup>- الطبری، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملی، ابو جعفر، تفسیر جامع البیان، ج 20 ص 452

<sup>224</sup>- ابنعاشور، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور التونسی. (تفسیر التحرير والتنوير، ج 11 ص 462

<sup>225</sup>- سوره فاطرآیه (9).

3- صعود و بلند رفتن کلمه پاک و عمل نیک به نزد الله (جل جلاله). {إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ} <sup>227</sup>.

4- متوجه گردانیدن افکار بر علامات و عجایب قدرت های الهی {وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ} <sup>228</sup>.

5- متوجه نمودن به سپاس گذاری در برابر نعمت های بی پایان خداوند (جل جلاله) {وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاحِرَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ} <sup>229</sup>.

6- به هدر رفتن مکر و فریب به مقابل دین و ایمان {وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَهُورٌ} <sup>230</sup>.

7- برای مردمان فساد پیشه عذاب سخت و دشوار است {وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ} <sup>231</sup>.

8- باخبری خداوند (جل جلاله) از هر لحظه زندگی انسانها حتی از مراحل خلقت در بطن مادرها {وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ} <sup>232</sup>.

9- باور و یقین کامل به قضا و قدر خداوند (جل جلاله) {وَمَا يُعْمَرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمَرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ} <sup>233</sup>.

10- مالک حقیقی تمام کاینات و مخلوقات خداوند بزرگ و یگانه است. <sup>234</sup> {إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دَعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ} <sup>235</sup>.

<sup>226</sup>- سوره فاطرآیه (10).

<sup>227</sup>- سوره فاطرآیه (10).

<sup>228</sup>- سوره فاطرآیه (11).

<sup>229</sup>- سوره فاطرآیه (12).

<sup>230</sup>- سوره فاطرآیه (10).

<sup>231</sup>- سوره فاطرآیه (10) <sup>231</sup>.

<sup>232</sup>- سوره فاطرآیه (11).

<sup>233</sup>- سوره فاطرآیه (11).

<sup>234</sup>- زحیلی، دکتور وهبه، (1418هـ ق). تفسیر منیر، ج 22 ص 55

انسان ها از خالق خویش بی نیاز شده نمیتوانند

آیات (15 - 26)

أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (15) إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (16) وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ (17) وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يُحْمَلُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (18) وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ (19) وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ (20) وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْحُرُورُ (21) وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ (22) إِنْ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ (23) إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ (24) وَإِنْ يَكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (25) ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرًا<sup>236</sup>.

ترجمه: ای مردمان شمائید محتاج بسوی خدا و خدا همونست بی احتیاج ستوده کار(15) اگر خواهد نابود سازد شما را و بیارد آفرینش نو(16) و نیست این کار بر خدا دشوار(17) و برنمیدارد هیچ بردارنده بار دیگری را و اگر بخواند گرانبار کسی را بسوی بار خویش برداشته نشود ازان بار چیزی اگر چه آن کس خداوند خویشی باشد جز این نیست که بیم میکنی آنانرا که می ترسند از پروردگار خویش غائبانه و بر پا داشته اند نماز را و هر که پاک شد پس جز این نیست که پاک میشود برای نفع خویش و بسوی خدا است بازگشت(18) و برابر نیستند نابینا و بینا(19) و نه تاریکیها و نه روشنی(20) و نه سایه و نه باد گرم(21) و برابر نمی شوند زندگان و مردگان هر آئینه خدا می شنواند هر کرا خواهد و نیستی تو شنواننده کسیکه در گور باشد(22) نیستی تو مگر ترساننده(23) هر آئینه ما فرستاده ایم ترا بدین راست بشارت دهنده و بیم کننده و نیست هیچ امتی مگر گذشته است دران بیم کننده(24) و اگر بدروغ نسبت کنند ترا پس هر آئینه دروغی داشته بودند آنانکه پیش از ایشان بودند آمدند بدیشان پیغامبران ایشان به نشانهای واضح و بنامهای الهی و بکتاب روشن(25) باز گرفتار کردم کافران را پس چگونه بود عقوبت من(26).

<sup>235</sup> -سوره فاطرآیه (14).

<sup>236</sup> -سوره فاطرآیات (15-26)

## مناسبت وارتباط این مقطع با مقطع قبلی:

درمقطع قبلی اثبات توحید خداوند متعالضمن دلائل متنوع گردید، ودر این مقطع خداوند متعالبیان و تأکید منماید که تمام مخلوقات که درضمن آن انسانهاو بندهمحتاج ودرمانده به سوی دربارخداوندیکتا(جل جلاله) هستند، خداوند بزرگ(جل جلاله) از تمام مخلوقات هستی بی نیازوبی پرواوستوده شده است که یکی ازعلائم و نشانهای خلق جهان این است که اگر بخواهد بجای شما مخلوق دیگری رامی آورد، و هیچ کسی دیگری به این کار خالق جهان قادر و توانا نیست، و همچنان بردارنده جلب منفعت و دفع ضرر، و بردارنده ثقل و گرانی ها به غیر از الله(جل جلاله) کسی دیگری هم نیست، و درضمن انداز و تخویف به کسی نفع می رساند که خود را محتاج به خداوند جل جلاله) بداند و از آن بترسد و در عین حال تفکیک خوب و بد خویش را کرده بتواند و بداند که تمام چیزها مساویانه نیست بلکه از یکدیگر تفاوت هم دارند مانند، کور، بینا، شب، روز، سردی، گرمی، مرده، زنده، قلب زنده، و قلب مرده، و غیره که تماما اشیای مذکور دلالیت مینماید به وحدانیت خداوند بزرگ(جل جلاله) و محتاج بودن تمام انسانها<sup>237</sup>.

## تفسیر اجمالی آیات:

الله متعال(جل جلاله) در این آیه شریف بیان افتقار مخلوق خویش را نمود بسوی آن، و بیان زیادت حاجت مخلوق به بزرگی آن، گفت: {يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ} یعنی تمام مخلوق درهمه امور دین، و دنیا، محتاج الله متعال(جل جلاله) {وَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ} یعنی الله متعال(جل جلاله) غنی است مطلقا و مستحق صفت است از طرف بنده گانش بخاطر احسان که بر ایشان کرده است.

سپس الله متعال(جل جلاله) بیان نوع دیگری از انواع افتقار مخلوق و استغناء خویش را نمود، که گفت: {إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ} و آن اینکه اگر بخواهد شمارا فنا میکند، و بجای شما مخلوق دیگری می آورد که اطاعت آنرا کند، و نه فرمانی از آن نکنند، {وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ} و نیست الله متعال(جل جلاله) عاجز ببردن شما و آوردن قوم جدید.

خداوند متعال(جل جلاله) در این آیات دیگری قرآن عظیم الشأن مفهوم قبلی (محتاج بودن مردم را) در تمام امورات زندگی دینی و دنیوی را بیان و تأکید می نماید که پروردگار(جل جلاله) از مخلوق خویش مستغنی و بی پروا است چنانچه مفهوم مذکور را در آیه سوره محمد بیان و تأکید می نماید.<sup>238</sup>

{هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعُونَ لِنُفْسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلُ عَنِ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ}<sup>239</sup>.

<sup>237</sup>- احمد بن محمد الشرقاوی، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج 7 ص 261.

<sup>238</sup>- احمد بن محمد الشرقاوی، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج 7 ص 262.

ترجمه: آگاه شوید شما این جماعه که خوانده میشود شما را تا خرج کنید در راه خدا پس از شما کسی هست که بخل میکند و هر که بخل میکند جز این نیست که بخل میکند از خویش و خدا توانگر است و شما محتاج اید و اگر روی گردان شوید بدل آرد گروهی دیگر را غیر از شما باز نباشند آن جماعه مانند شما در آیه شریف هم مفهوم قبلی را اشاره مینماید.

که خداوند متعال (جل جلاله) از مخلوق خویش بی نیاز و شما به نزد الله (جل جلاله) فقیر و محتاج هستید و در وقت اعزاز و روی گردانی از حق بجای شما کسی دیگری را می آورد که مانند شما نباشند و این کار بر الله (جل جلاله) آسان است.

از خلاصه و مفهوم آیه شریف دانسته می شود که خداوند متعال (جل جلاله) به هر کار خویش قادر مطلق و توانا است و بی نیاز از همه مخلوق خویش است و شما محتاج به درگاه آن واز مسؤلیت خویش در برابر اعمال خوب و بد خویش جوابگو هستید<sup>240</sup>.

چنانچه مفهوم مذکور را (محتاج بودن مردم را) سوره زمر بیان و تأکید مینماید.

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ<sup>241</sup>.

ترجمه: اگر ناسپاسی کنید پس هر آئینه خدا بی نیازست از شما و نمی پسندد در حق بندگان خود ناسپاسی را و اگر سپاسداری کنید پسند کند آنرا برای شما و بر نیارد هیچ بردارنده بار دیگری را باز بسوی پروردگار شما بازگشت شماست پس خبر دهد شما را آنچه میکردید هر آئینه او داناست بمکنون سینها. اگر شما کفر هم کنید به پروردگار (جل جلاله) کدام زبانی به آن نمی رسد و اگر ایمان هم بیاورید کدام فایده نیست پس تمام نفع و ضرر برمیگردد به خود شما.<sup>242</sup> از خلاصه و مفهوم آیه شریف دانسته می شود که خداوند متعال (جل جلاله) به هر کار خویش قادر مطلق و توانا است و بی نیاز از همه مخلوق خویش است و شما محتاج به درگاه آن واز مسؤلیت خویش در برابر اعمال خوب و بد خویش جوابگو هستید<sup>243</sup>.

<sup>239</sup>- سوره محمد آیه (38)

<sup>240</sup>- احمد بن محمد الشرقاوی، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج 7 ص 262

<sup>241</sup>- سوره زمر آیه (7)

<sup>242</sup>- ابنعاشور، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور التونسی، تفسیر التحرير والتنوير، ج 11 ص 465

<sup>243</sup>- احمد بن محمد الشرقاوی، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج 7 ص 262

{وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى} یعنی نمی بردارد شخصی بار شخصی دیگری را، یعنی گناه شخصی را، این قانون الله متعال (جل جلاله) مخالف و در تضاد با این آیه قرآن کریم نمی باشد که میفرماید: **{وَلِيَحْمِلَنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَّعَ أَثْقَالِهِمْ}**<sup>244</sup>.

ترجمه: پس باز رسانیدیم او را بسوی مادر او تا خنک شود چشم وی و اندوه نخورد و تا بداند که وعده خدا راست است و لیکن بیشترین مردمان نمیدانند. گنهکاران وبال و جزاء اعمال خود شانرا واز کسانیکه راکه الگو و متبع برای آنها قرار گرفته اند، که باعث گناه برای آنها قرار گرفته اند می بردارند.

در حقیقت همه گناهان خود وی است نه از کسی دیگری، در زمینه حدیث رسول الله (صلی الله علیه وسلم) میفرماید: **{مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً حَسَنَةً، فَلَهُ أَجْرُهَا، وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا بَعْدَهُ، مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ، وَمَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً سَيِّئَةً، كَانَ عَلَيْهِ وِزْرُهَا وَوِزْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ، مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْءٌ}**<sup>245</sup>.

ترجمه: هر کسی که بگذارد راه و روش نیک را در اسلام است برای وی پاداش آن عمل، و پاداشی که به روش و نقش قدم آن کسی دیگری عمل نمایند تا ابد و همیشه، بدون اینکه از پاداش عمل کننده چیزی کم گردد.

هر کسی که بگذارد راه و روش بد را در اسلام است برای وی جزاء آن عمل، و جزاء که به روش، و نقش قدم بدان کسی دیگری حرکت و عمل نمایند تا ابد و همیشه، بدون اینکه از جزاء عمل کننده چیزی کم گردد.

**{وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا}** یعنی اگر طلب کند شخص مثقله (انسانی که بار گران داشته می باشد) شخصی دیگری را برای برداشتن حمل و بار خویش **{لَا يُحْمَلُ مِنْهُ}** نمی بردارد بار ویرا هیچ کس **{ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ }** اگر چه نزدیکی وی هم باشد<sup>246</sup> هیچ کس بار دیگری را بر نمی دارد، فقط جوابگو خود همان شخص است.

**{وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يُحْمَلُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ}**<sup>247</sup>.

<sup>244</sup>-سوره عنكبوت آیه (13).

<sup>245</sup>- النیشاپوری، أبو الحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیري، صحیح المسلم، باب الحث علی الصدقة ولو بشق التمرة ج 2 ص 704، شماره حدیث 1017.

<sup>246</sup>- الشوکانی: محمد بن علی بن محمد، فتح القدير الجامع بین فنی الروایة و الدرایة من علم التفسیر. ج 6 ص 133 (المتوفی: 1250هـ).

در آیه شریف بیان می کند که شخص گنهگار نمی بردارد با و گناه شخصی دیگری را، و اگر بطور امتحان و آزمایش هم سؤال کرده شود در مورد شخص گنهگار که کیست که گناه شخص دیگری را می بردارد هیچ کسی دیگری پیدا نخواهد شد که گناه بار ثقل آنرا بردارد اگر چه قریب و نزدیک آن هم باشد مانند پدر، مادر، برادر، خواهر، اولاد، همسر، و غیره<sup>248</sup>.

در مورد آیه شریف از قول ابن جریر طبری چنان برداشت کرده میشود که مکلفیت و مسؤولیت هر انسان در برابر اعمال خویش شخصی و فردی می باشد پس بنابر این قاعده و طرز العمل هیچ شخص بار شخص دیگری را برداشت نمیتواند چنانچه همین مفهوم را ضمن آیات (34) (35) (36) (37) سوره (عبس) تشریح و توضیح مینماید.

خداوند تعالی فرموده:

يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (34) وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ (35) وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ (36) لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ<sup>249</sup>.

ترجمه: روزی که بگریزد مرد از برادر خود (34) و از مادر خود و از پدر خود (35) و از زن خود و از فرزندان خود (36) هر مردی را از ایشان آن روز شغلی است که کفایتش میکند (37) از خلاصه و مفهوم آیه شریف دانسته میشود که هر انسان در برابر اعمال خوب و بد خویش مسؤول و جوابگو هستند<sup>250</sup>.  
و همچنان مشابه این آیه دیگری از قرآن کریم مفهوم مذکور را تایید مینماید، هیچ کس بار دیگری را بر نمی دارد، فقط جوابگو خود همان شخص است.

خداوند تعالی فرموده: {يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَآخَشُوا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ}<sup>251</sup>.

ترجمه: ای مردمان بترسید از پروردگار خویش و حذر کنید از روزی که کفایت نکند هیچ پدر بجای پسر خویش و نه فرزندی کفایت کننده باشد بجای پدر خود چیزی را هر آئینه وعده خدا راست است پس فریب ندهد شما را زندگانی دنیا و فریب ندهد شما را در مقدمه خدا شیطان فریبنده همچنان آیه

<sup>247</sup>- سوره فاطر آیه (18).

<sup>248</sup>- الجوزي، عبد الرحمن بن علي بن محمد، تفسير زاد المسير، ج 5 ص 178

<sup>249</sup>- سوره عبس آیات (34-37).

<sup>250</sup>- ابن كثير، ابوالفداء اسماعيل بن عمر بن كثير بن ضوء بن ورع القرشي. تفسير ابن كثير، ج 6 ص 542.

<sup>251</sup>- سوره لقمان آیه (33).



شریف مفهوم مذکور را تأیید مینماید و آن اینکه هیچ کس عذاب کسی دیگری را دفع کرده نمیتواند نه پدر از اولاد خویش را و نه اولاد از پدر و مادر خویش را از خلاصه و مفهوم آیه شریف دانسته میشود که هیچ کسی مقابل و مدافع در برابر عذاب خداوند (جل جلاله) شخصی دیگری قرار گرفته نمیتواند پس در نتیجه مکلفیت هر انسان فردی، میباشد<sup>252</sup>.

خداوند تعالی فرموده:

{إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَفَامُوا الصَّلَاةَ وَمَنْ تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ}<sup>253</sup>.

ترجمه: آنان که پند و عبرت میگیرند از انذار و تخویف در حالیکه در غایب از خدای خویش میترسند یا از عذاب خدا خوف میکنند در صورتیکه عذاب از آنها پنهان و غایب است و به حق قایم اند که ادای فریضه خدا را میکنند.

در نتیجه چنین میشود که هر که استوار بر اقامه حدود خدا (جل جلاله) باشد و از آن خوف و ترس داشته باشد نفع و فایده این عمل برای نجات شخصی و فردی خود آن شخص میباشد نه به شخص دیگر و همچنان نقصان و زیان به کسی دیگر نیست بلکه تعلق و ارتباط به خود شخص دارد.

که باز گشت و مصیر هرکس در آخر بسوی خداوند متعال است، پس بنابر این هر انسان مسؤولیت فردی خویش را باید دانست<sup>254</sup>.

**دو اشیاء متضاد باهم برابر نیستند:**

خداوند تعالی فرموده:

{وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ (19) وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ (20) وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْحَرُورُ (21)}

{وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ}<sup>255</sup>.

ترجمه: خداوند (جل جلاله) در این آیه شریف بیان مثال را میدهد اینکه برابر نیست کور، بینا، کافر، مؤمن، عالم، جاهل، روشنی، تاریکی، گرمی، سردی برای همیشه و ابد پس چگونه برابر باشد کسی

<sup>252</sup>- التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج 7 ص 263

<sup>253</sup>- سوره فاطر آیه (18).

<sup>254</sup>- احمد بن محمد الشرفاوی، تفسیر موضوعی لسور القرآن الکریم، ج 7 ص 27

<sup>255</sup>- سوره فاطر آیات (19-22).

که خود را از دیدن حق کور کند و از حق اعراض کند، با کسی که حق را درست بنگرد و به آن استوار باشد، و همچنان آیا برابر است تاریکی کفر، ضلالت و گمراهی یا نور ایمان، هدایت و راهنمای؟

پس این اشیا متضاده با یکدیگر هرگز برابر شده نمیتوانند، سردی که به انسان راحت میبخشد، با گرمی که به انسان راحت نمیبخشد و هرگز برابر شده نمیتواند کسی که قلب آن به نور ایمان منور شده باشد با کسی که قلب آن استوار بر کفر و شرک است زیرا که کفر ظلمت و تاریکی است در قلب، و وحشت است در نفس، و مرگ است برای روح، و پرده است برای چشم، و ضعف است برای عقل و تنگی است در دل و سینه<sup>256</sup>.

و همچنان مفهوم مذکور که دواشیاء و چیزهای متضاده هرگز مساوی و برابر شده نمیتوانند آیه دیگری هم اشاره میکند.

خداوند تعالی فرموده:

{أَوَمَنْ كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ} <sup>257</sup>.

ترجمه: و مخورید از آنچه یاد کرده نشد نام خدا بر وی و هر آئینه وی (خوردنش) گناه است و هر آئینه شیاطین و سوسه القا میکنند بسوی دوستان خویش تا خصومت کنند با شما و اگر فرمانبرداری ایشان کنید هر آئینه شما مشرک باشید.

و همچنان مفهوم مذکور دواشیاء و چیزهای متضاده هرگز مساوی و برابر شده نمیتوانند را آیه دیگری هم اشاره میکند.

خداوند تعالی فرموده:

{مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى وَالْأَصْمَى وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ} <sup>258</sup>.

ترجمه: صفت این دو فریق اینست مانند کور و کر و بینا و شنوا آیا هر دو برابرند در صفت آیا پند نمیگیرید.

<sup>256</sup>- الطبری، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملی، ابو جعفر، (1420 هـ ق)، تفسیر جامع البیان، ج 20 ص 456

<sup>257</sup>- سوره انعام آیه، (122).

<sup>258</sup>- سوره هود آیه (24).

از خلاصه و مفهوم آیات دانسته میشود که کافر مومن، کوربینا، مرده زنده، و غیره هرگز برابر شده نمیتوانند در حقیقت تفاوت‌های که میان دو شخص و سایر مخلوقات به میان آمده است ضرور و امر حتمی است که این عمل تعلق و ارتباط به شخصیت و فردیت هر انسان دارد بناً کافر از عمل خویش جواب میدهد و مومن از عمل خویش جواب میدهد و همچنان کور بینا هر فرد از نگرش خویش جواب میدهد<sup>259</sup>.

مأموریت بزرگدعوت و تبلیغ بالای هر انسان تا حد تکلیف لازم است، از حد تکلیف بالا کسی مراقب و محافظ کسی شده نمیتواند.

خداوند تعالی فرموده:

إِنَّ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ (23) إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ<sup>260</sup>.

ترجمه: مأموریت بزرگ شما ای پیغمبر (صلی الله علیه و سلم) انذار و تخويف است زیرا الله متعال شما را برای دعوت و تبلیغ و رساندن دین حق فرستاده است.

بناءً وظیفه شما دعوت و تبلیغ است عاقبت و نتیجه آن بر الله (جل جلاله) است این دو آیه شریف فهمیده میشود که در هرکار موثر حقیقی الله (جل جلاله) است نه بنده. پس متأثر شدن به دعوت و تبلیغ مسؤلیت شخصی و فردی است.

تسلیت به رسول الله (صلی الله علیه و سلم) و بر تمام امت اسلامی به بیان حال انبیای قبلی (علیهم السلام) و اقتدا به طریقه و روش آنها:

خداوند تعالی فرموده:

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (25) ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ<sup>261</sup>.

<sup>259</sup>- ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر بن ضوء بن ورع القرشی. (1402هـ ق). تفسیر ابن کثیر، ج 4 ص 315.

<sup>260</sup>- سوره فاطر آیه (24)

<sup>261</sup>- سوره فاطر آیات (25-26)

ترجمه: و اگر بدروغ نسبت کنند ترا پس هر آئینه دروغی داشته بودند آنانکه پیش از ایشان بودند آمدند بدیشان پیغامبران ایشان به نشانهای واضح و بنامهای الهی و به کتاب روشنباز گرفتار کردم کافران را پس چگونه بود عقوبت من، خداوند (جل جلاله) بیان میکند که تکذیب نمودن میراث مردمان اهل کفر وضلالت است و عادت مردمان گذشته آنها است که انبیا گذشته همراه با معجزات و آیات شان تکذیب مینمایند.

از خلاصه و مفهوم آیات چنین دانسته میشود که سخن حق از جانب مأمورین آن بطور مساویانه به همه مردم میاید اما عده آنها آنرا میپذیرفت وعده دیگری آنها آنرا نمیپذیرفت بناء فهمیده میشود که مسؤلیت شخصی و فردی است<sup>262</sup>.

### مناسبت و ارتباط بین مقطع و محور سوره:

محور اساسی سوره اثبات توحید پروردگار (جل جلاله) است، و در این مقطع بیان شد که الله متعال (جل جلاله) بی نیاز از مخلوق خویش است طوریکه مخلوق به آن نیاز دارد و قادر است به تبدیل نمودن این مخلوق و آوردن مخلوق دیگر، و مؤخر نمودن عذاب، عفو، و درگذری، عدالت به نگرفتن یک شخص بجای شخص دیگر و بیان عدم مساوات میان کفر و ایمان، حقانیت پیغمبر، و تسلیت به پیامبر به تکذیب مکذبین و منکرین در این مقطع در تمامی آیات دال هستن بر تمام صفات که مخصوص ذات اقدس و یکتا است و متصف به آن است که دیگر مخلوقات از توصیف آن عاجز و ناتوان هستند<sup>263</sup>.

### رهنمایی های آیات این مقطع:

- 1- محتاج بودن تمام مخلوق به خالق غنی و حمید. {يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ}<sup>264</sup>.
- 2- موجودیت مخلوق به خواست الله ارتباط دارد. {إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ}<sup>265</sup>.

<sup>262</sup>- احمد بن محمد الشرقاوی، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج 7 ص 265

<sup>263</sup>- احمد بن محمد الشرقاوی، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج 7 ص 265 ج 7 ص 266

<sup>264</sup>- سوره فاطر آیه (15).

<sup>265</sup>- سوره فاطر آیه (16).

3- وسعت رحمة و عدالت پایان الله به جرم شخصی شخص دیگر گرفته نمیشود. {وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِن تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَن تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ} <sup>266</sup>.

4-ایمان سبب حیاة قلب، و نور چشمها، شرح دلها، تازگی نفسها، است. {وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَمَا أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ} <sup>267</sup>.

5- کفر سبب تاریکی قلب، وحشت نفس، موت روح، پرده چشمها، تنگی دلها است. {وَلَا الْأَمْوَاتُ} <sup>268</sup>.

6- تبلیغ به مردمان که از خدا خشیت دارند فایده میرساند. {إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِن مِّن أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ} <sup>269</sup>.

7- وظیفه رسول (صلی الله علیه و سلم) دعوت ارشاد رساندن پیام خالق (جل جلاله) است. {إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا} <sup>270</sup>.

8- اثر مرتبه و عاقبت خوب نتیجه دعوت تبلیغ کار خداوند (جل جلاله) است. {إِن أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ} <sup>271</sup>.

9- تکذیب شمردن همیشه دأب و عادت کفار است. {وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ} <sup>272</sup>.

10- مداومت و پایداری عاقبت خوب دارد. {فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ} <sup>273</sup>.

<sup>266</sup>- سوره فاطرآیه (18).

<sup>267</sup>- سوره فاطرآیه (22).

<sup>268</sup>- سوره فاطرآیه (22).

<sup>269</sup>- سوره فاطرآیه (24).

<sup>270</sup>- سوره فاطرآیه (24).

<sup>271</sup>- سوره فاطرآیه (25).

<sup>272</sup>- سوره فاطرآیه (23).

<sup>273</sup>- زحیلی، دکتور وهبه، (1418هـ ق) تفسیر منیر، ج 22 ص 557

<sup>274</sup>- سوره فاطرآیه (25).

## اثبات توحید بادلائل عقلی و نقلی

### آیات (27-35)

خداوند تعالی فرموده:

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ (27) وَمِنَ النَّاسِ وَالْدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ (28) إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ (29) لِيُؤْفِقَهُمْ أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ (30) وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ (31) ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنُ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ (32) جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ (33) وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ (34) الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ<sup>275</sup>.

ترجمه: آیا ندیدی که خدا فرود آورد از آسمان آب را پس برآوردیم بسبب آن میوه‌های گوناگون رنگ آن و از کوه راهها است گوناگون رنگ او طائفه سفید و طائفه سرخ و طائفه سیاه در نهایت سیاهی (27) و از مردمان و جانوران و چهارپایان گوناگون است رنگ او همچنان جز این نیست که میترسند از خدا عالمان از بندگان او هر آئینه خدا غالب آمرزنده است (28) هر آئینه آنانکه تلاوت می کنند کتاب خدا را و بر پا داشته اند نماز را و خرج کرده اند از آنچه روزی دادیم ایشانرا پنهان و آشکارا امیدوارند سوداگری را که هرگز هلاک نشود (29) تا بتمام رساند بسوی ایشان مزد ایشان را و زیاده دهد ایشانرا از فضل خود هر آئینه او آمرزنده قدردان است (30) و آنچه وحی فرستادیم بسوی تو از قرآن همونست باور دارنده آنچه پیش از ویست هر آئینه خدا به بندگان خود خبردار بیناست (31) باز میراث دادیم قرآن را بآنانکه برگزیدیم ایشان را از بندگان خود پس بعضی ایشان ستمکارست بر نفس خود و بعضی ایشان میانه رو

است و بعض ایشان سبقت کننده است بسوی نیکی ها بحکم خدا.<sup>276</sup> این ست فضل بزرگ(32) بوستانهای همیشه ماندن در آیند آنجا زیور داده شود ایشانرا آنجا از قسم و ستوانهای طلا و مروارید و لباس ایشان آنجا جامه ابریشمی باشد(33) و گفتند همه ستائش خدایراست که دور کرد از ما اندوه هر آئینه پروردگار ما آمرزنده قدرشناس است(34)

آنکه فرود آورد ما را بسرای همیشه ماندن از فضل خود نرسد بما آنجا هیچ رنجی و نرسد بما آنجا هیچ ماندگی.

### مناسبت وارتباطاین مقطع با مقطع قبلی:

مفهوم و مقصود مقطع قبلی بیان مسؤلیت فردی و افتقار مردم بهالله(جل جلاله)بودودراین مقطع بیان متوجه نمودن خداوند بزرگ(جل جلاله)بنده های خویش رابه یک نظام الهی(جل جلاله)که انزال باران از آسمان،وقسماقسم رنگها ی میوه ها،وخلقت کوها از نگاه عظم وصغر، ئپست بلند،وانواع حیوانات وسایر چیزهای گونا گون،وخشیت وترس آنانی که از الله(جل جلاله) زیاد می ترسند وآگاه هستند ودر زمینه رغبت وعلاقه تلاوت قرآنکریم،انفاق فی سبیل الله بطورمخفی وآشکار دارند،ومکافات جزارد برابر اعمال،عباد،که تقسیم عباد به سه نوع 1- سابق بالخیرات،2-مقتصد،3-ظالم لنفسه،ودر اخیر طوریکه انسانها دربرابر مکلفیتهای خویش شخصی وفردی وجوابگو هستند،نیز انسان مکلف ومسؤل است دربرابرمعرفت وشناخت خداوند(جل جلاله)به سبب مشاهده وتفکر نمودن دربرابرعلامات ومنظرهای قدرتهای الهی درمورد خلقت عجیب وبی مثال خداوند متعال(جل جلاله)<sup>277</sup>.

### تفسیر اجمالی آیات:

متفاوت بودن رنگها،میوها،انسانها،کوه ها،حیوانات،وغیره:

### دلیل عقلی اول:

این دلیل عقلی اول است بر توحیدخداوند متعال(جل جلاله)که این نشانه های قدرت خداوند متعال(جل جلاله)است،که او از آسمان باران می باراند،وازمین میوه های گوناگون راپیدامیکند،

<sup>276</sup> - ترجمه دهلوی، ص 975

<sup>277</sup> - تفسیر موضوعی لسور القرآن الکریم، ج 7 ص 31. و دیده شود التحریر والتنویب، ج 11 ص 474

ودریک کوه او محض به قدرت خود سنگهای به رنگهای مختلف پیدا کرده‌است، بعضی سفید، و بعضی سیاه، و بعضی سرخ<sup>278</sup>.

خداوند تعالی فرموده:

{أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا}.

غرض از این آیه شریف استدلال است بدلیل دیگربر وحدانیه الله و قدرت آن و درتفسیرآن چند مسائل است:

### مسألة أول:

ذکر این دلیل به طریقه استخبار است که گفت: { أَلَمْ تَرَ } و در ماقبل ذکر دلیل بر طریقه اخبار بود که گفته بود: { والله الذي أَرْسَلَ الرِّيحَ }<sup>279</sup>.

بنابر دو وجه:

### وجه أول:

بدیهی است که انزال آب بسیار نزدیک است بر منفعت که همه آن را میدانند که سبب زمین است، و به صیغه استفهام بخاطر تقریر ذکر شد.

وجه دوم:

دلیل دوم را بطریقه استخبار ذکر نمود بخاطر تقریر بصارت که برای آن بر عذر مجالی نماند

### مسألة دوهم:

این استدلال دلالت بر قدرت الله (جل جلاله) میکند که از یک آب انواع گوناگون از میوه هارا بیرون می آورد<sup>280</sup>.

خداوند تعالی فرموده:

{وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا ، وَغَرَابِيبُ سُودٌ}<sup>281</sup>.

<sup>278</sup>- تفسیر جواهر القرآن، ج 5، ص 201.

<sup>279</sup>- سوره فاطر آیه (9).

<sup>280</sup>- الرازی، ابو عبدالله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التیمی الرازی الملقب بفخرالدین الرازی خطیب

الری، تفسیر مفاتیح الغیب ج 12 ص 472.<sup>280</sup>

<sup>281</sup>- سوره فاطر آیه (27).



یعنی پیدایش کوها هم به انواع گوناگون هستند چنانچه که مشاهد است، مانند سفید، سیاه، و در بعضی رگهای و راهای گوناگون است.

خداوند تعالی فرموده: **{وَمِنَ النَّاسِ وَالْدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ}**<sup>282</sup>.

وهمچنان خلقت و پیدایش از بعضی انسانها، چهارپایان، و جنبنده ها ی روی زمین، مانند شتر، گاو، گوسفند، مختلف و متفاوت باعتبار رنگ، و متحد باعتبار جنس، مانند اختلاف میوه ها، کوها، و غیره.

**{وَمِنَ النَّاسِ وَالْدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ}** {والدواب} : کل ما دب علی القوائم (دواب) هر آن چیزیکه بر زمین به پاها حرکت میکند، **{وَالْأَنْعَامِ}** (چهارپا) من باب عطف الخاص علی العام، یعنی از قبیل عطف خاص بر عام است، که در حقیقت در دواب داخل است، دواب عام، و انعام خاص میشود.

چنانچه که در آیه دیگری از قرآن کریم آمده است که میفرماید:

که دیگر از علامات و نشانههای قدرتی مانند خداوند متعال (جل جلاله) پیدایش آسمنها و زمین است، و اختلاف زبانهای شما، و اختلاف زبانهای شما.

خداوند تعالی فرموده:

**{وَمِنَ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ}**<sup>283</sup>.

ترجمه: و از نشانههای اوست آفریدن آسمانها و زمین و گوناگون بودن زبانهای شما و رنگهای شما هر آینه درینکار نشانها است دانشمندان را یعنی از نشانههای قدرت الله (جل جلاله) آفرینش آسمانها و زمین، و اختلاف زبانها و رنگهای شما است<sup>284</sup>.

والدواب: کل ما دب علی القوائم، و الأنعام من باب عطف الخاص علی العام.

(و کلمة كَذَلِكَ) مقصود از این کلمه در این مقام چنین است طوری که اختلاف الوان و رنگها در کوها، مردم، جنبنده ها، پایان است همچنان متفاوت است احوال بنده ها در ترس و خوف از الله (جل جلاله)<sup>285</sup>.

<sup>282</sup>- سوره فاطر آیه (28).

<sup>283</sup>- سوره روم آیه (22).

<sup>284</sup>- بدخشانی، محمد اکرام الدین، تفسیر ازهر البیان ج 7 ص 567

<sup>285</sup>- زحیلی، دکتور وهبه، (1418 هـ ق). تفسیر المنیر ج 22، ص: 260

در این آیه شریف خداوند متعال دلیل دیگری از دلایل وحدانیت و قدرتهای خویش را بیان نموده و واضح میسازد که درک واقعی خلقت تمام امور کاینات را فقط علمادریست میدانند بنا بر این اساس آنها هستند که به عظمت و قدرت او پی برده اند.

واژه‌ها بیشتر علماء از الله (جل جلاله) می‌ترسند و او را عبادت میکنند، و امیدوار پادش بزرگ او اند در این آیه شریف دلیل را به طریق استفهام تقریری ذکر نموده است غرض اینست که حقیقت روشن است و هر کس درک مینماید به سبب عقل انسانی و بشری خویش که از یک خاک و یک آب، چقدر رنگهای مختلف و گوناگون در میوه‌ها، درختان، نباتات، گلها، گیاهها، با زیباییهای عجیب و شگفت‌انگیزی به وجود آورده است، علاوه بر تنوع عظیم که در اشکال و اوصاف نباتات و درختان و میوه‌ها و گلها نیز متنوع است، و این تنوع همواره در برابر چشمان انسانها قرار داشته به آن آگاهی دارند، پس این تفاوت بذات خود دلیل بسیار واضح و روشن است بر قدرت ذاتی که آنها را ایجاد نموده است، و بنا بر مشیت او رنگ را بازنگ د یگرویک وصف را با وصف دیگر متمایز میسازد بنا بر حکمت او در این اختلاف و تفاوت هزاران مصالح نهفته شده است و نیز دلیل است بر وسعت علم او، و بهان قاطع است بر اثبات وحدانیت او چنانچه در سوره رعد این دلیل را با وضاحت کامل بیان کرده است.

خداوند تعالی فرموده:

اَوْ فِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَعَيْرٌ صِنَوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفْضِلُ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأُكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ<sup>286</sup>.

ترجمه: و در زمین قطعه‌ها مختلف است پیوسته با یکدیگر و بوستانها است از درختان انگور و کشت زار است و خرماها بعض بسیار شاخ و بعض غیر آن آب داده میشود از یک آب و فضل میدهیم بعض را بر بعض در طعم میوه‌ها هر آئینه درین نشانها است قومی را که می‌فهمند، یعنی در زمین قطعات در کنار هم وجود دارد که با هم متفاوت اند مانند باغهای انگور، زراعت، خرما، و درختان میوه دار گوناگون، گاه بر یک پایه و گاهی برد و پایه میرویند عجیب اینکه همه آنها از یک آب سیراب میشوند و از جهت بعضی بر بعضی دیگری بر تری هم دارند، که تمام اینها دلالت بر قدرت خداوند (جل جلاله) دارند<sup>287</sup>.

<sup>286</sup>- سوره رعد آیه (4).

<sup>287</sup>- زحیلی، دکتور وهبه، (1418 هـ ق). تفسیر المنیر ج 22، ص: 260

بعد از بیان اختلاف رنگهای میوه ها، کوهها اختلاف رنگهای انسانها و جنبنده گان و مواشی را مورد بحث قرار میدهد.

خداوند تعالی فرموده: **أَوَمِنَ النَّاسِ وَالِدَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ**<sup>288</sup>.

ترجمه: باوصف اینکه انسانها از یک پدر و مادر آفریده شده اند، اما تفاوتهای رنگارنگ دارند مانند: سفید، سیاه، گندم رنگ، سرخ، زرد، حتی در یک نژاد این تفاوتها نیز وجود دارد، و علاوه بر صورت ظاهری ایشان، باطن ایشان نیز تفاوت دارد مانند، اخلاق، استعداد، ذکاوت، غباوت، جبن، شجاعت، حلم، عفت، وغیره.<sup>289</sup>

چنانچه خداوند تعالی فرموده:

در سوره روم مفهوم مذکور را اشاره مینماید **إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ**<sup>290</sup>.

درآیه شریف خاص نمود که علماء از خداوند متعال می ترسند، مطلب اینکه علماء کسانی اند که در فهم درست قرآن کریم تدبیر مینمایند بنابراین معرفت درست کتاب باعث میگردد بر اینکه انسان درست از خداوند (جل جلاله) بترسد، یا اینکه هر که هر اندازه از صفات خداوند (جل جلاله) بی اطلاع باشد به همان اندازه از او بی خوف خواهد بود، و عکس این هر که هر اندازه از خداوند (جل جلاله) و قدرت آن معلومات داشته باشد به همان اندازه از آن خوف و ترس می داشته باشد و درآیه شریف مراد از علم علم فلسفه، تاریخ، ریاضی، و فنون دیگر نیست، بلکه علم صفات الهی مراد است قطع طنظر از اینکه شخص تحصیل کرده باشد و یا خیر، بنابراین هر که از خداوند (جل جلاله) ترس نداشته باشد ولو که علامه هم باشد، از منظر این علم جاهل است، و کسیکه از صفات خدا شناخت داشته باشد و خشیت او را در قلب خودش داشته باشد اگرچه او بی سواد هم باشد، صاحب علم است و مراد از لفظ "علماء" در این آیه شریف علماء اصطلاحی نیستند، مانند داشتن علم قرآن، فقه، حدیث، کلام، وغیره، بلکه آنها زمانی میتوانند مصداق آیه شریف باشند که در آنها خدا ترسی وجود داشته باشد<sup>291</sup>.

<sup>288</sup>- سوره فاطر آیه (28).

<sup>289</sup>- مودودی، سید ابوالاعلی، تفسیر تفهیم القرآن، ج 8 ص 82

<sup>290</sup>- سوره فاطر آیه (28).

<sup>291</sup>- احمد بن محمد الشرقاوی، تفسیر موضوعی لسور القرآن الکریم، ج 7 ص 32

چنانچه عبدالله ابن مسعود (رضی الله عنه) فرموده است {ليس العلم عن كثرة الحديث، ولكن العلم عن كثرة الخشية}.

ترجمة: علم از كثرة حديث نیست بلکه از كثر خشیت است چنانچه حسن بصری (رحمت الله عليه) میگوید: که کسی است که نادیده از خدا بترسد، و به چیزیکه رغبت دارد مورد پسند خدا باشد، و به چیزهای که الله متعال راضی میشود علاقه مند نباشد<sup>292</sup>.

خداوند تعالی فرموده:

{لِيُؤْفِقِيَهُمْ أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ}<sup>293</sup>.

یعنی آنانیکه مداومت میکنند بر قراءت قرآن، اقامه نماز، انفاق فی سبیل الله بطور مخفی و آشکار درآیه شریف عمل اهل ایمان به تجارت تشبیه داده شد که انسان سرمایه (وقت) خویش را به امید این به مصرف میرساند که علاوه از اصل سرمایه اضافه فائده هم بدست بیاورد، چنانچه که مفهوم مذکوررا آیه 173 سوره نساء افاده هم میکند.

خداوند تعالی فرموده:

{فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا}<sup>294</sup>.

ترجمة: پس اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند پس تمام دهد ایشانرا مزد ایشان و زیاده دهد ایشان را از فضل خود و اما کسانی که ننگ داشتند و سرکشی کردند پس عذاب کند ایشانرا عذاب درد دهنده و همچنان آیه سوره النور مفهوم مذکوررا بیان و تأکید مینماید.

خداوند تعالی فرموده:

{رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ (37) لِيَجْزِيََهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ}<sup>295</sup>.

<sup>292</sup>- مودودی، سید ابوالاعلی، تفهیم القرآن، ج 5 ص 83

<sup>293</sup>- سوره فاطر آیه (30).

<sup>294</sup>- سوره نساء آیه (173).

<sup>295</sup>- سوره نور آیه (38).

ترجمه: مردانی که باز ندارد ایشانرا سوداگری و نه خرید و فروخت از یاد کردن خدا و برپاداشتن نماز و دادن زکوة میترسند ازان روز که مضطرب شوند دران دلها و دیدها(37)تا جزا دهد ایشانرا خدا بعوض بهترین آنچه کردند و زیاده دهد ایشانرا از فضل خویش و خدا روزی میدهد هر کرا خواهد بغیر شمار یعنی بسیار.

شبيه آيه شريف باعتبار مفهوم درسوره "يونس آمدهاست.  
خداوند تعالى فرموده:

الَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ<sup>296</sup>.

آنان را که نیکوکاری کردند حالت نیک باشد و زیادتی بر آن و نپوشد روی ایشان را هیچ سیاهی و نه هیچ خواری این جماعه اهل بهشت اند ایشان آنجا جاوید باشندگانند.  
ازمفهوم آیات قبلی دانسته میشود که خداوند (جل جلاله)بی اندازه رحمان ورحیم است که پاداش اعمال بنده های خویش را پوره وکامل میدهد وحتی اضافه هم میدهد.

قرآن کریم بهترین نعمت الله به بندگانش:

وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ (31) ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ<sup>297</sup>.

نظربه گفته خداوند متعال (جل جلاله)ما گردانیدیم قائمین ووارثین کتاب عظیم، که تصدیق کننده کتب سابقه، {الذین اصطفینا من عبادنا}، ایشان أمة محمدی (صلی الله علیه وسلم)اندوتقسیم به سه نوع وگروه ذیلاند:

گروه اول:

{ فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ } استمگار.

که افراط کننده گان اند در انحام بعض واجبات، ومرتکب بعض محرمات اند.

گروه دوم:

<sup>296</sup>- سوره یونس آیه (26).

<sup>297</sup>- سوره فاطر آیه (31-32).

{وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ} میانه رو.

که اداءکننده واجبات، و ترک کننده محرمات اند پ، و گاه اوقات ترک میکنند پ بعض مستحبات، و آمدن میکنند به بعض مکروهات.

**گروه سوم:**

{وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللَّهِ} چابک در کارهای نیک.

انجام دهنده واجبات و مستحبات اند، و ترک کننده محرمات، و مکروهات، و از بعضی مباحات اند.

{عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: {ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا} قَالَ هُمْ أُمَّةٌ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَرَثَتُهُمُ اللَّهُ تَعَالَى كُلَّ كِتَابٍ أَنْزَلَهُ، فَظَالِمُهُمْ يُغْفَرُ لَهُ وَمُقْتَصِدُهُمْ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا، وَسَابِقُهُمْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ} <sup>298</sup>.

ترجمه: از عبد الله ابن عباس (رضی الله عنه) روایت است در مورد این قول خداوند متعال (جل جلاله) که گفت: ایشان امة محمد (صلی الله علیه وسلم) که وراثت کتاب الله را برای ایشان داده است.

و به سه گروه تقسیم نموده است:

**گروه اول:** ظالمان آنها را بخشش کرده میشود.

**و گروه دوم:** با میانه روهای آنها محاسبه آسان میشود.

**و گروه سوم:** سبقت کننده گان آنها بدون محاسبه داخل جنت میشوند <sup>299</sup>.

قول صحیح این است که ظالم لنفسه از همین امة است که این قول مختار ابن جریر طبری (رحمه الله) هم است، چنانچه که در این مورد احادیث از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) آمده است.

**حدیث اول:**

{عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ فِي هَذِهِ الْآيَةِ: {ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ} [فاطر: 32] قَالَ: «هُؤُلَاءِ كُلُّهُمْ بِمَنْزِلَةٍ وَاحِدَةٍ، وَكُلُّهُمْ فِي الْجَنَّةِ» <sup>300</sup>. ومعنى قوله: "بمنزلة واحدة" أي: في أنهم من هذه الأمة، وأنهم من أهل الجنة، وإن كان بينهم فرق في المنازل في الجنة.

<sup>298</sup> - المبارکفوری ت: أبو العلاء محمد عبد الرحمن بن عبد الرحيم تحفة الأحمدي بشرح جامع الترمذي ج 7 ص 67 باب: ومن سورة الملائكة (المتوفى: 1353هـ) الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت.

<sup>299</sup> - ابن كثير، ابوالفداء اسماعيل بن عمر بن كثير بن ضوء بن ورع القرشي تفسير ابن كثير، ج 6 ص 546.

تفسير ابن كثير، ج 6 ص 546.

<sup>300</sup> - الترمذي سنن الترمذي محمد بن عيسى بن سورة بن موسى بن الضحاک، باب ومن سورة الملائكة، ج 5، ص 363، أبو عيسى (المتوفى: 279هـ)، تحقيق وتعليق: أحمد محمد شاكر، امام ترمذی در مورد این حدیث گفته، حدیث حسن غریب است، نمی شناسم حدیث را مگر از این

حدیث دوم:

{عن أبي الدرداء،<sup>301</sup> رضي الله عنه، قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: "قال الله: ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ {، فأما الذين سبقوا فأولئك الذين يدخلون الجنة بغير حساب، وأما الذين اقتصدوا فأولئك يحاسبون حسابا يسيرا، وأما الذين ظلموا أنفسهم فأولئك الذين يحبسون في طول المحشر،<sup>302</sup>.

حدیث سوم:

عن أسامة بن زيد:<sup>303</sup> {فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ { الآية، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: "كلهم من هذه الأمة"<sup>304</sup>.

حدیث چهارم:

عن عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ، عن رسول الله (صلى الله عليه وسلم) أنه قال: "أمّتي ثلاثة أثلاث: فثلث يدخلون الجنة بغير حساب ولا عذاب، وثلث يحاسبون حسابا يسيرا ثم يدخلون الجنة، وثلث يُمَحَّصُونَ<sup>305</sup> ويكشَفُونَ<sup>306</sup>.

---

طريق. الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر الطبعة: الثانية، 1395 هـ - 1975 م. و همچنان تخریج کرده این حدیث را مسند احمد، شماره، ج، 18، ص، 270، شماره حدیث، 11745.

<sup>301</sup>- او عویمر بن مالک بن قیس صحابی الانصاری الخزرجی از حکمای سوار کار وقاضی است که در (32هـ) در شام وفات یافته است. الاعلام للزرکلی، ج، 5، ص، 98.

<sup>302</sup>- مسند احمد بن حنبل، باب حدیث ابی الدرداء ج 36 ص 57 شماره حدیث. 21727. در مورد حدیث چیزی گفته نشده است.

<sup>303</sup>- اسامه بن زید بن حارثه یک صحابی واز موالی پیامبر صلی الله علیه وسلم که به (حب رسول الله) ملقب بود، در جنگ احد شرکت داشت ودر فتح مکه با پیامبر صلی الله علیه وسلم داخل کعبه شد وبه شکستن بت ها پرداخت، پیامبر امرت سپاه را برای فتح روم به او سپرد، وی در سال (54هـ) وفات یافت. ابنعبدالبر، الاستیعاب فی معرفته الاصحاب.

<sup>304</sup>- الطبرانی، سلیمان بن أحمد بن ایوب بن مطیر اللخمی الشامی، المعجم الكبير، باب وما اسند اسامة بن زید، ج 1 ص 167 شماره حدیث 410 واخرجه البيهقي في البعث والنشور، باب قول الله عزوجل ثم اورثنا الكتاب، ج 1 ص 84. هذا حدیث ضعیف لان فی رواه (سهل بن عبد ربه الرازی) وهو مجهول ما وجدته فی جميع الكتب التراجم و الطبقات و رجال الحدیث.

<sup>305</sup>- المعجم الكبير للطبرانی، باب الزهري عن ابن مالک ج 18 ص 79 هذا الحدیث بهذا سند ضعیف، لضعف سلامه بن روح . اكمال تهذيب الكمال ج 6 ص 183 ولم يخرج احد غير الطبرانی.

<sup>306</sup>- ابن كثير، ابوالفداء اسماعيل بن عمر بن كثير بن ضوء بن ورع القرشي تفسيران كثير ج 6 ص 548.

در این آیه شریف خداوند بزرگ (جل جلاله) بیان میکند که بهترین کتاب را به بهترین امت از میان امتها به میراث داده است، بناء بغرض برداشت این امانت بزرگ امتها به سه گروه شده اند،<sup>1</sup> ظالم لنفسه،<sup>2</sup> مقتصد،<sup>3</sup> سابق بالخیرات<sup>307</sup>.

مانند این قول خداوند متعال.

وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ<sup>308</sup>.

ترجمه: وسبقت کنندگان نخستینان از مهاجران و انصار و آنانکه پیروی ایشان کردند به نیکوکاری خوشنود شد خدا ازین جماعه و ایشان خوشنود شدند از وی و آماده ساخت برای ایشان بوستانها که میروند زیر آن جوئیها جاویدان آنجا همیشه اینست فیروزی بزرگ.

خداوند تعالی فرموده:

وَأَخْرُونَ مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ<sup>309</sup>.

ترجمه: و دیگران اند موقوف داشته شده بر فرمان خدا یا اینست که عذاب کند ایشانرا یا برحمت متوجه شود بر ایشان و خدا دانا درست کارست.

که خلاصه و مفهوم آیات شریف چنین بیان میکند که پیشینیان اعم از مهاجرین و انصار و کسانی که در راه حق از آنها پیروی نموده اند خداوند بزرگ (جل جلاله) از آنها برآت خویش را اعلان نموده اند، و در نتیجه در مقابل پاداش نیک جنت است برای آنها مهیا میگردد.

خداوند تعالی فرموده:

{جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ<sup>310</sup>.

در مورد آیه شریف مفسرین به دو گروه شده اند، گروه میگویند که جمله با جمله قبلی (سابق بالخیرات) یعنی این گروه دارای فضیلت زیاد اند، و داخل بهشت میشوند، و دو گروه اول، و دوم، (ظالم لنفسه، و مقتصد) درباره آنها سکوت فرموده شده اند، به علت اینکه آنها درباره فرجام خویش نگران باشند، و برای نجات خویش تلاش نمایند،

<sup>307</sup>- احمد بن محمد الشرقاوی، تفسیر موضوعی لسور القرآن الکریم، ج 7 ص 278.

<sup>308</sup>- سوره توبه آیه (100).

<sup>309</sup>- سوره توبه آیه (106).

<sup>310</sup>- فاطر آیه (33).



چنانچه علامه زمخشری و امام رازی این نظر را تایید نموده اند، اما اکثر مفسرین میگویند: که این جمله با تمام جمله‌های قبلی ارتباط دارد، و معنای آن اینست که هر سه گروه سرانجام داخل بهشت میشوند چه بدون محاسبه و چه پس از محاسبه، خواه با مصون ماندن از مجازات، و خواه بدون مصون ماندن از مجازات چرا که در ادامه در باره گروه مقابل و اراثان کتاب خطاب کرده شده است کسانیکه کفر ورزیده اند بر ایشان آتش دوزخ است کسانیکه کتاب را پذیرفته اند بر ایشان بهشت است.

و همین مطلب را حدیث پیغمبر (صلی الله علیه و سلم) که ابوالدرداء (رضی الله عنه) آنرا روایت کرده است. و نیز امام احمد ابن حنبل<sup>311</sup>، و امام ابن جریر الطبری<sup>312</sup>، و امام ابن ابی حاتم الرازی<sup>313</sup>، و غیره روایت کرده اند<sup>314</sup>.

عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: " قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ائِمُّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابِ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ { [فاطر: 32] فَأَمَّا الَّذِينَ سَبَقُوا بِالْخَيْرَاتِ، فَأُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ، وَأَمَّا الَّذِينَ افْتَصَدُوا، فَأُولَئِكَ يُحَاسِبُونَ حِسَابًا يَسِيرًا، وَأَمَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ، فَأُولَئِكَ الَّذِينَ [ص: 58] يُحَاسِبُونَ فِي طُولِ الْمَحْشَرِ، ثُمَّ هُمْ الَّذِينَ تَلَفَاهُمْ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ، فَهُمْ الَّذِينَ يَقُولُونَ: { الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ }<sup>315</sup> [فاطر: 34]، إِلَى قَوْلِهِ { لُغُوبٌ } [فاطر: 35].

ترجمه: کسانیکه در نیکی ها سبقت گرفته اند آنان همان کسانی هستند که بدون حساب وارد بهشت خواهند شد، کسانیکه در وسط قرار دارند، از آن ها حساب و کتاب به عمل خواهد آمد، اما حساب آسان، اما کسانیکه بر خود ستم کرده اند آنان در تمام مدت طولانی نگه داشته خواهند، پس از آن آنها

<sup>311</sup>- امام احمد بن حنبل الشیبانی، امام اهل سنت و اهل حدیث، یکی از ائمه چهارگانه در سال (164هـ) تولد گردیده است، از مهمترین اثر او مسند احمد است، و بالاخره در سال (241هـ) روز جمعه وفات نموده است. عسقلانی، ابن حجر، تقریب التهذیب، ج 1 ص 44.

<sup>312</sup>- ابن جریر طبری، محمد بن جریر بن یزید بن غالب. مورخ، در آمل طبرستان متولد گردیده است و در بغداد وطن گزید و در آنجا دفن گردیده است، به ایشان قضا پیشنهاد شد اما از قبولیت آن اجتناب ورزید، مشهورترین کتب آن، تفسیر جامع البیان عن تاویل آی القرآن که مشهور بین علما به تفسیر طبری است میباشد، و او را پدر تفسیر و تاریخ نیز میگویند، چون در تاریخ کتب بزرگی دارد که آنرا تاریخ الامم و الملوک نام گذاشته است، و هم چنان تهذیب الآثار، اختلاف الفقهاء، التبصیر فی معالم الدین، سربح السنه از آثار آن اند. الاعلام للزرکلی ج 6 ص 69.

<sup>313</sup>- ابو محمد عبدالرحمن بن ابو حاتم محمد بن ادريس تمیمی، امام و حافظ ری. ابن ابوحاتم دانش و علوم را از پدرش و دیگران در شام، حجاز، مصر، عراق و نقاط دیگر آموخت در علم و معرفت رجال تبحر کامل داشت و در زهد و تقوای از ابدال شمرده می شد تفسیر مسند در دوازده مجلد، کتاب جرح و تعدیل و کتاب زهد و غیره اینها از تصنیفات اوست. در ماه محرم 327 از جهان رفت. طبقات الحفاظ، ص 62.

<sup>314</sup>- مودودی، سید ابوالاعلی، تفهیم القرآن، ج 5 ص 87.

<sup>315</sup>- این حدیث در صفحه 91 تخریج شده است.

مورد رحمة خدا قرار خواهند گرفت و آنان هستند که گفت: سپاس خدای را که از ما غم و اندوه را دور نمود.

خداوند تعالی فرموده:

{يُحَلِّونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ} (33) وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ} (34) الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ} <sup>316</sup>.

یعنی از هر نوع نگرانیهای که در مورد آخره داشتیم واینک تماما آسایش و آسوده گی است که رنجی وجود ندارد چنانچه در حدیث شریف آمده است بروایت حضرت انس (رضی الله عنه)

{عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ <sup>317</sup> قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُؤْتَى بِأَنْعَمِ أَهْلِ الدُّنْيَا مِنْ أَهْلِ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُصْبَغُ فِي النَّارِ صَبْغَةً ثُمَّ يُقَالُ يَا ابْنَ آدَمَ هَلْ رَأَيْتَ خَيْرًا قَطُّ هَلْ مَرَّ بِكَ نَعِيمٌ قَطُّ فَيَقُولُ لَا وَاللَّهِ يَا رَبِّ وَيُؤْتَى بِأَشَدِّ النَّاسِ بُؤْسًا فِي الدُّنْيَا مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَيُصْبَغُ صَبْغَةً فِي الْجَنَّةِ فَيَقَالُ لَهُ يَا ابْنَ آدَمَ هَلْ رَأَيْتَ بُؤْسًا قَطُّ هَلْ مَرَّ بِكَ شِدَّةٌ قَطُّ فَيَقُولُ لَا وَاللَّهِ يَا رَبِّ مَا مَرَّ بِي بُؤْسٌ قَطُّ وَلَا رَأَيْتُ شِدَّةً قَطُّ} <sup>318</sup>.

ترجمه: انس ابن مالک (رضی الله عنه) روایت میکند که رسول الله (صلی الله علیه و سلم) فرمود: روز قیامت از میان دوزخیان مرفه ترین فرد دنیا را میاورند و یک بار در آتش جهنم غوطه میدهند آنگاه به او میگویند ای فرزند آدم آیا هرگز خوشی و خیری دیده ای؟ آیا هرگز رفاه و آسایشی بر تو گذشته است؟ او میگوید: به الله سوگند نه، پروردگام بعد از آن از میان بهشتیان رنج دیده ترین فرد دنیا را میاورند و یکبار در بهشت غوطه میدهند آنگاه به او میگویند ای فرزند آدم آیا هرگز سختی و فقر دیده ای؟ آیا هرگز دوران دشواری بر تو گذشته است؟ او جواب میدهد خیر، به الله سوگند هرگز دچار فقر نشده ام و هیچ رنجی بر من نگذشته است. چنانچه در بخاری و مسلم آمده است.

<sup>316</sup> - فاطر آیات (33-35).

<sup>317</sup> - انس بن مالک رضی الله تعالی عنه در سال دهم هجری قمری تولد گردیده است، نامبرده خدمت گذار رسول الله صلی الله علیه وسلم بوده که از وی (2286) حدیث نقل شده است. او آخرین صحابی است که در سال (93هـ) در گذشت. عزالدین ابوالثیر (المتوفی: 630هـ) اسد الغابه، ج 1 ص 152.

<sup>318</sup> - النیشاپوری، أبو الحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیري، صحیح المسلم، باب صیغ انعم اهل الدنيا فی النار ج 4 ص

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ لَنْ يُنْجِيَ أَحَدًا مِنْكُمْ عَمَلُهُ قَالَ رَجُلٌ  
وَلَا إِيَّاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ وَلَا إِيَّايَ إِلَّا أَنْ يَتَّعَمَدَنِي اللَّهُ مِنْهُ بِرَحْمَةٍ وَلَكِنْ سَدُّوا<sup>319</sup>.

ترجمه: حضرت ابو هريره (رض الله عنه) روايت کرده است از رسول الله (صلى الله عليه و سلم) هر آينه گفت. هرگز داخل جنت نميشود يکي از شما به سبب عملش گفت يک شخص اى رسول خدا تو هم گفت نه مگر اينکه به سبب ميسر شدن رحمت خدا(جل جلاله) ليکن عمل را نادیده نگيريد

از خلاصه و مفهوم اين آيات و احاديث رسول الله (صلى الله عليه وسلم) چنين برداشت ميشود که خداوند متعال (جل جلاله) اثبات وحدانيت الله را با دلايل عقلی و نقلی به شکل مستند و مستدل بيان نموده است<sup>320</sup>.

### مناسبت بين مقطع و محور سوره:

محور سوره اثبات توحيد پروردگار (جل جلاله) بود و نيز در اين آيات اثبات توحيد را با دلايل عقلی و نقلی بيان مينمايد و در ضمن آن علايم و نشان هاى قدرت خداوند متعال (جل جلاله) را به انزال باران از آسمان و زنده نمودن گياها، نباتات، درختان، به شکل انواع گوناگون و انواع گوناگون کوها، الوان، و رنگ هاى گوناگون انسانها با وصف اينکه از يک پدر و مادر هم باشند و اختلاف انواع گوناگون جنبندها در سطح زمين، و انواع گوناگون چهار پاين و رنگهاى مختلف آنها، و پاداش اعمال نيك و بد به شکل پوره، و وراثت کتاب و تقسيم انسانها به سه گروه مختلف ضمن بيان صفات مردمان جنت و دوزخ که همه آنها (دال) هستن بر قدرت و يگانگی خداوند بزرگ (جل جلاله) در عالم کون و هستی<sup>321</sup>.

### رهنمای آيات اين مقطع:

1- دعوت و متوجه نمودن مخلوق به تفکر در مورد قدرت ها و نشانههاى عجيب خداوند (جل جلاله).

<sup>1</sup>-النیشاپوری، أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري، صحيح المسلم، باب لن يدخل احد الجنة بعمله بل برحمته ج 4 ص 2169 شماره حديث 2816 .

<sup>320</sup>- تفسير موضوعی لسور القرآن الکریم. ج 7 ص 280

<sup>321</sup>- تفسير موضوعی لسور القرآن الکریم. ج 7 ص 281

{الَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ} <sup>322</sup>.

2- اختلاف و تنوع دلالت میکند به عظمت و بزرگی خداوند (جل جلاله). {فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ} <sup>323</sup>.

3- هرکه خوف و خشیت حقیقی و شناخت درست الله (جل جلاله) و صفات آن داشته باشد عالم است. {إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ} <sup>324</sup>.

4- تقوا و علم هردو بات یکدیگر متلازم اند , تقوا راه علم است و علم قوی میگردد به تقوا. {إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ} <sup>325</sup>.

5- لازم است بر مومن که کوشش کند در تحصیل علم تا اینکه ارتقا کند به مراتب عالیه.

6- تأمل و تتهرب در کتاب الله (جل جلاله) شاهد عظمت و بزرگی آن است. {الَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ} <sup>326</sup>.

7- ترغیب به تلاوت قرآن و معانی آن و نظر کردن به مقاصد و اجکام آن.

8- وراثت کتاب را به برگزیده شده گان از میان مخلوق اعطا کرده است. {مَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا} <sup>327</sup>.

9- اشخاص به سه گونه تقسیم شده اند, ظالم لنفسه, مقتصد, سابق بالخیرات. {فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنِ اللَّهِ} <sup>328</sup>.

<sup>322</sup> - سوره فاطر آیه (27).

<sup>323</sup> - سوره فاطر آیه (27).

<sup>324</sup> - سوره فاطر آیه (28).

<sup>325</sup> - سوره فاطر آیه (28).

<sup>326</sup> - سوره فاطر آیه (27).

<sup>327</sup> - سوره فاطر آیه (32).

<sup>328</sup> - سوره فاطر آیه (32).

10- جنت خانه ابدی و پر از نعمت ها برای احل آن است.<sup>329</sup> {جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ

أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ} <sup>330</sup>.

---

<sup>329</sup>- زحیلی، دکتور وهبه، (1418هـ ق) تفسیر منیر. ج 12 ص 575.

<sup>330</sup>- سوره فاطر آیه (33).

## تهدید کفار و ذکراحوال آنها در آتش

### آیات (36-39)

خداوند تعالی فرموده:

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَفُورٍ (36) وَهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ (37) إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (38) هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا مُتَّعًا وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا<sup>331</sup>.

ترجمه: وآنانکه کافر شدند ایشانراست آتش دوزخ نه حکم کرده شود بر ایشان تا بمیرند و نه سبک کرده شود از ایشان چیزی از عذاب دوزخ همچنین سزا میدهیم هر ناسپاس را(36) و اهل دوزخ فریاد کنند در آنجا که ای پروردگار ما بیرون آر ما را تا بکنیم کار شایسته بجز آنکه میکردیم (گوئیم) آیا زندگانی ندادیم شما را آن قدر که پند پذیر شود دران هر که پند پذیرفتن خواهد و آمد بشما ترساننده پس بچشید پس نیست ستمکاران را هیچ یاری دهنده(37) هر آئینه خدا داننده پنهان آسمانها و زمین است هر آئینه وی داناست بکنون سینها(38) وی آنست که گردانید شما را جانشین در زمین پس هر که کافر شود ضرر کفر او بر وی ست و نمی افزاید در حق کافران کفر ایشان نزدیک پروردگار ایشان مگر غضب را و نمی افزاید در حق کافران کفر ایشان مگر زیان را(39)

مناسبت وارتباط این مقطع با مقطع قبلی:

درمقطع قبلی اثبات وحدانیت خداوند بزرگ (جل جلاله) با دلایل عقلی و نقلی و ذکر حال سعدهاء و ذکر خوف و خشیت بیشتر علماً و دانشمندان از پروردگار (جل جلاله) بیان گردید در این مقطع آغاز میکند به ذکر حال مردمان اشقیاء از طبقه کفار، معاندین معرضین در جهنم بیان میگردد<sup>332</sup>.

<sup>331</sup> - سوره فاطر آیات (36-39).

<sup>332</sup> - احمد بن محمد الشرقاوی، تفسیر موضوعی لسور القرآن الکریم، ج 7 ص 282.

## تفسیر اجمالی آیات:

### تهدید کفار و ذکر احوال آنها در آتش:

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَافِرٍ<sup>333</sup>.

خداوند متعال (جل جلاله) در این آیه شریف مصیر و بازگشت حال کفار را معین و مقرر مینماید که آتش دوزخ و جهنم است. که خداوند متعال (جل جلاله) بعد از تعیین مصیر ایشان جزای ایشان را هم معلوم مینماید که سوختن در آتش دوزخ است که در آخرت همین چیزی حصه و نصیبه آنها میباشد. که برای ایشان میرسد، که به شکل دائمی در آن میباشند و از آن خارج نمیشوند و نه میمیرند که به واسطه مرگ راحت شوند، و نه تخفیف در عذاب برای ایشان داده میشود که آن تخفیف و آسانی از عذاب سبب آرامی و راحت ایشان گردد.

که این جزای عادلانه و مساویانه از طرف خداوند بزرگ (جل جلاله) برای کفار و معاندین در روز قیامت داده میشود بر تمام آنانی که اصرار بر کفر و شرک خویش دارند و در همان حال بمیرند مفهوم مذکور را نیز آیات دیگری از قرآنکریم تصدیق و تأیید مینماید از جمله سوره بقره (فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ)<sup>334</sup>.

ترجمه: پس اگر نه کردید و البته نتوانید کرد پس حذر کنید از آن آتش که آتش انگیز وی مردمان و سنگها باشند آماده کرده شده است برای کافران. و همچنان سوره آل عمران (وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ)<sup>335</sup>.

ترجمه: و پناه گیرید از آن آتش که آماده کرده شده است برای کافران از دسته آیات دانسته میشود که قرآنکریم از دو جهت معجزه است.

1- از جهت اینکه ثابت شده است که هیچ کلام با قرآنکریم مقابل و معارضه کرده نمیتواند.

2- قرآنکریم خبر داد که هرگز کفار مانند این کتاب جور کرده نمیتوانند در آینده هم که خود ایشان هم آورده نمیتوانند و مردمان بعدی ایشان هم، پس و قتیکه این عمل را کرده نمیتوانید پس بترسید از

<sup>333</sup> - سوره فاطر آیه (36).

<sup>334</sup> - سوره بقره، آیه (24).

<sup>335</sup> سوره آل عمران آیه (131).

آتشی که آماده کرده شده است برای کافران از آیه شریف به صراحت دانسته میشود که جزاء و عقاب در آتش به شکل همیشگی و دایمی بدن تخفیف و آسانی برای کافران و مشرکان است.

کهدر آیه (131) سورة آل عمران عین مفهوم را تأیید مینماید طوریکه خداوند (جل جلاله) تخویف و تنفیر میکند از آتش و از آنچه واقع میشود در آن، بخاطریکه آماده کرده شده است.<sup>336</sup>

برای کافران بنابر عدل و انصاف پروردگار (جل جلاله) و هرکه از میان مخلوقات آن به الله شرک مقرر کنند مسحق عذاب در روز قیامت، و محروم از رحمت خداوند (جل جلاله) میگرددند.

چنانچه عین مفهوم در آیه دیگری از قرآنکریم آمده است از جمله آیه {إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى} <sup>337</sup>.

ترجمه: هر آئینه هر که بیاید پیش پروردگار خویش گناهکار پس او راست دوزخ نمیرد آنجا و نه زنده ماند.

درحقیقت از ظاهر و سیاق آیه شریف دانسته میشود که این قول خداوند بزرگ (جل جلاله) در مقابل وعظ ساحران به فرعون بود که آنها فرعون را از عذاب همیشگی خدا میترساندن و آنرا ترغیب مینمودند به سوی ثواب و پاداش سرمدی همیشگی <sup>338</sup>.

چنانچه در حدیث شریف آمده است.

{عَنْ أَبِي سَعِيدٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَمَّا أَهْلُ النَّارِ [ص:60] الَّذِينَ هُمْ أَهْلُهَا لَا يَمُوتُونَ وَلَا يَحْيُونَ، وَأَمَّا أَنْاسٌ يُرِيدُ اللَّهُ بِهِمُ الرَّحْمَةَ فَيَمِيتُهُمْ فِي النَّارِ، فَيَدْخُلُ عَلَيْهِمُ الشُّفَعَاءُ، فَيَأْخُذُ الرَّجُلُ الضُّبَارَةَ فَيَبِثُهُمْ» أَوْ قَالَ: «فَيَبِثُونَ عَلَى نَهْرِ الْحَيَاةِ» أَوْ قَالَ: «الْحَيَوَانَ»، أَوْ قَالَ: «الْحَيَاةِ»، أَوْ قَالَ: «نَهْرِ الْجَنَّةِ، فَيَنْبِتُونَ نَبَاتَ الْحَبَّةِ فِي حَمِيلِ السَّيْلِ» قَالَ: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَمَّا تَرُونَ الشَّجَرَةَ تَكُونُ خَضْرَاءَ، ثُمَّ تَكُونُ صَفْرَاءَ؟» أَوْ قَالَ: «تَكُونُ صَفْرَاءَ، ثُمَّ تَكُونُ خَضْرَاءَ» قَالَ: فَقَالَ بَعْضُهُمْ: كَأَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ بِالْبَادِيَةِ} <sup>339</sup>

<sup>336</sup>- ابنعاشور، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور التونسي. تفسيرالتحرير والتنوير، ج 3 ص 213.

<sup>337</sup>- سورة طه آیه (74).

<sup>338</sup>- ابن كثير، ابوالفداء اسماعيل بن عمر بن كثير بن ضوء بن ورع القرشي. تفسيرابن كثير، ج 5 ص 305

<sup>339</sup>- مسند احمد بن حنبل، باب مسند ابى سعيد الخدرى، ج 17 ص 59 شماره حديث 11016، واخرجه ابن خزيمة فى توحيد ص 282 و ابن منده فى الايمان ص 826 من طريق ابن ابى عدى بهذا الاسناد واخرجه عبد بن حميد فى المنتخب ص 865 وابو عوانه ج 1 ص 186 من طرق عن سليمان التيمى. هذا الحديث بهذا الاسناد صحيح لانه رواه كله ثقات. تهذيب التهذيب ج 9 ص 13.



ترجمه: از حضرت ابی سعید خدری (رضی الله عنه) روایت است از پیغمبر (صلی الله علیه و سلم) گفت: هرچه اهل آتش آنانی اند که بر همیشه اهل آتش اند که نمیبرند و نه زنده میشوند هرچه مردمان را که الله بر ایشان اراده رحمت را کند میبراند ایشان را در آتش داخل میشود بر ایشان سفارش گران پس میگیرد شخص را مددگانش پس پراکنده میکند وی را ایشان بر نهر حیات یا بر نهر جنت پس میرویند دانه گیاهی را در کنار آب دریا گفت پیغمبر (صلی الله علیه و سلم) آیا نمیبینید درختی را که باشد سبز بازگردد به رنگ زرد یا باشد زرد بازگردد سبز گفت پیغمبر (صلی الله علیه و سلم) گفت بعضی از ایشان گویا که پیغمبر (صلی الله علیه و سلم) بود در اطراف و بادیه خداوند تعالی فرموده:

اَوْهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرَجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أُولَئِكَ نُعَمَّرُكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمْ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ<sup>340</sup>.

خداوند متعال (جل جلاله) در این آیه شریف ذکر حال کفار را مینماید که آنها در آتش میسوزند و طلب بازگشت را میکنند وقتیکه احساس ألم (درد) را میکنند باز در آن صورت طلب بازگشت و رجوع را به دنیا میکنند (دارالعمل) تا اینکه دوباره از عمر خویش در دنیا استفاده خوبی نمایند و از آنچه که از ایشان فوت شده است دوباره آنرا بدست بیاورند و گناهان شان را مبدل به اعمال نیک کنند، بنآن این در خواست ایشان ناممکن است بخاطر اینکه خداوند بزرگ (جل جلاله) در دنیا (دارالعمل) برای ایشان فرصت زیادی برای نجات ایشان از عذاب روز قیامت و آتش دوزخ مهیا کرده اما متأسفانه خود ایشان از فرصت خوب و چانس طلایی استفاده ننموده اند و خود را مورد عتاب خدا در روز قیامت و آتش دوزخ گردانیدن که آن وقت کافی و پوره برای نجات شان از آتش دوزخ بود که از آن استفاده نکردن.

که وقتی کافی و پوره بر ایشان هر آن سنی است که در آن انسان این توانایی را پیدا میکند که اگر بخواهد میتواند تفکیک خوب و بد، حق باطل را تشخیص کند اگر بخواهد گمراهی را ترک کرده، هدایت را برگزیند، اگر کسی پیش از این سن مرده باشد با توجه به این آیه قرآن بر او هیچ گونه مواخذه نیست، البته هر که به این سن رسیده باشد، قطع پاسخ گوی اعمال خودش خواهد بود و سپس پس از رسیدن به این سن هر اندازه که زنده بماند و هر اندازه که برای به خود آمدن و آمدن به سوی راه راست

فرصت یابد به همان میزان مسؤولیت او سخت تر خواهد شد تا آنجاییکه اگر شخص به سن پیری برسد و باز هم خودش را اصلاح نکند برای هیچ عذری باقی نمیماند<sup>341</sup>.

{فَدُوُّوْا فَمَا لِلظَّالِمِيْنَ مِنْ نَّصِيْرٍ}<sup>342</sup>.

بچشید عذابی را که همیشه آنرا به عجله می خواستید به علت اینکه مخالفت میکردید از انبیا ؑ (علیهم السلام) در وقت دایره عمرتان، پس امروز برایتان ناصر و مددگاری نیست که شمارا از آتش دوزخ نجات دهد<sup>343</sup>.

از خلاصه و مفهوم آیه شریف و احادیث رسول الله (صلی الله علیه وسلم) چنین مفهوم گرفته میشود که خداوند متعال (جل جلاله) دنیا را دار العمل پیدا کرده است و برای هر انسان خداوند (جل جلاله) کا فب عمر داده است تا از آن کار گیرند و به سبب آنوقت برای خویش راه نجات را انتخاب نمایند و بتوانند خود را از آتش دوزخ نجات دهند و مصیر درست برای خویش انتخاب نمایند و از رسیدن برای مقصود اصلی و جای همیشگی خویش که جنت است بی بهره نمانند<sup>344</sup>.

### دلایل و شواهد بزرگ بر قدرت الله متعال:

خداوند تعالی فرموده:

{إِنَّ اللّٰهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ}<sup>345</sup>.

الله (جل جلاله) ذاتی است که میداند چیزهای پنهان و پوشیده را و از دایره علم آن بیرون نیست پس چیزهای آشکار و ظاهر را بطریق اولی میداند، و نیز میداند چیزهای را که در سینه و دل‌های شما میگردد، و آنچه را که قلوب شما پنهان مینماید، و همه چیزها را خداوند بزرگ (جل جلاله) محاسبه

می نماید، چه آشکار و چه پنهان، و در نتیجه پاداش میدهد برای اهل ایمان، و جزا میدهد برای اهل کفر و گنهگاران<sup>346</sup>.

<sup>341</sup> - مودودی، سید ابوالاعلی، تفسیر تفهیم القرآن، ج 5 ص 89

<sup>342</sup> - سوره فاطر آیه (37).

<sup>343</sup> - ابنعاشور، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور التونسی، تفسیر التحریر و التنویر، ج 6 ص 552

<sup>344</sup> - ابنعاشور، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور التونسی، تفسیر التحریر و التنویر، ج 6 ص 553

<sup>345</sup> - سوره فاطر آیه (38).

<sup>346</sup> - احمد بن محمد الشرقاوی، تفسیر موضوعی لسور القرآن الکریم، ج 7 ص 285

و مفهوم مذکور را (آیه 10 سوره عنکبوت) بیان و تایید می نماید.

خداوند تعالی فرموده:

اَوْ مِنْ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْلَىٰ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ<sup>347</sup>.

وازمردمان کسی هست که میگوید ایمان آوردیم بخدا پس چون تصدیق داده شد او را در راه خدا شمرد رنج دادن مردان را مانند عذاب خدا و اگر بیاید فتحی از پروردگار تو گویند هر آئینه ما با شما بودیم آیا نیست خدا دانایتر بآنچه در سینهای عالمها است که مفهوم کلی آیه شریف طوری است که از بعضی مردمان ایمان فقط در زبان است نه در دل و قلب، بنادر مقابل امتحان و آزمایش هیچ گونه صبر و تحملی نمی داشته باشند، و اعتقاد مینمایند که عذاب خداوند (جل جلاله) است و حتی از دین خویش بر میگردند.

چنانچه عبدالله ابن عباس (رضی الله عنه) فتنه را به معنی ارتداد معنی کرده است، یعنی ایمان نمای ایشان اینست که ما اصلاً مومن نیستیم، اما بخاطر رسیدن تکلیف از ایمان بر گشتیم، و حال اینکه خداوند متعال (جل جلاله) از قلوب حال بندگانش آگاه است خلاصه اینکه برای مومن بودن تنها اقرار زبانی کافی نیست بلکه تصدیق قلبی هم ضروری باشد<sup>348</sup>.

و همچنان خداوند متعال (جل جلاله) در سوره ملک مفهوم قلبی را بیان میکند

خداوند تعالی فرموده:

اَوْ اسْرُوا قَوْلَكُمْ اَوْ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ<sup>349</sup>.

ترجمه: و پنهان کنید سخن خود را یا آشکارا گوئید آنرا هر آئینه خدا دانا است بآنچه در سینها باشد مفهوم آیه شریف طوری است که خداوند بزرگ (جل جلاله) آگاه و دانا است به هر نوع سخنی که شما میگویید چه بطور مخفی و پنهان و چه بطور آشکار و ظاهر و در نتیجه همه این دلالت منماید بر عظمت و بزرگی خداوند متعال (جل جلاله) که از همه حالات بنده های خویش با خبر و آگاه است.<sup>350</sup>

<sup>347</sup>- سوره عنکبوت، آیه (10).

<sup>348</sup>- بدخشانی، محمد اکرام الدین، تفسیر ازهر البیان، ج 7 ص 93

<sup>349</sup>- سوره ملک آیه (13).

<sup>350</sup>- الطبری، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملی، ابو جعفر، (1420 هـ ق). تفسیر جامع البیان، ج 23 ص 511

خداوند متعال به تائید مفهوم مذکور در سوره تغابن میفرماید: {يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسْرُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بَدَاتِ الصُّدُورِ}<sup>351</sup>.

ترجمه: میداند آنچه در آسمانها و زمین است و میداند آنچه پنهان میدارید و آنچه آشکارا میکنید و خدا داناست بامکنون سینها.

مفهوم آیه شریف چنین است که هیچ چیزی از آسمان و زمین بر خداوند (جل جلاله) پنهان و مخفی نیست بلکه همه آنها را میداند.<sup>352</sup>

خداوند تعالی فرموده:

{هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا}<sup>353</sup>.

یعنی پروردگار بزرگ (جل جلاله) شما را در روی زمین جانشین گردانیده است، بنا هر انسان کرده خویش را حتما می بیند مطابق کشت خویش درو میکند اگر خوب کشت کرده باشد خوب درو میکند و اگر خراب کشت کرده باشد در مقابل خراب درو میکند و در هر دو صورت تاوان و وبال آن بر خود شخص می باشد بر کسی دیگری تعلق نمی گیرد بنا هر انسان در مورد باز گشت و مصیر خویش بی نهایت کوشش نماید تا در نتیجه زنده گی خوبی را خواهد به دست آورد.<sup>354</sup>

#### منا سبت و ارتباط این مقطع با محور سوره:

محور سوره اثبات توحید پروردگار (جل جلاله) در این مقطع مصیر و بازگشت تمام مخلوقات جهان که زندگی و حیات خویش را در دار العمل به سر برده اند بسوی همان خالق جهان و یکتا حتمی است چنانچه که قانون خالق جهان است که در ختم زندگی ابدی که مطابق به اوامر و نواهی الهی رفتار کرده است و یا نکرده است در نتیجه عمل کرد همه آنها حساب گرفته میشود و هر کس مطابق عمل کرد خویش ثواب و پاداش خواهد دیدند چنانچه که وعده و دستور العمل پروردگار (جل جلاله) همین طور است آنانیکه ایمان آورده اند و عمل نیک را انجام داده اند مصیر آنها بهشت جاودان و زندگی

<sup>351</sup>- سوره تغابن آیه (4).

<sup>352</sup>- الطبری، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملی، ابو جعفر، (1420 هـ ق). تفسیر جامع البیان، ج 23 ص 417

<sup>353</sup>- سوره فاطر آیه، (39)

<sup>354</sup>- الطبری، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملی، ابو جعفر، (1420 هـ ق). تفسیر جامع البیان، ج 23 ص 417.

همیشگی و خوشحالی بدون خستگی است، و بر عکس این آنایکه بر الله (جل جلاله) شرک مقرر نموده اند و بر الله (جل جلاله) ایمان نیاورده اند مصرو بازگشت آنها زندگی ابدی و سرمدی و گرفتار در عذابهای گوناگون خواهند بودند چنانچه آیات مقطع و گواه بر این اند هر آنکسی که از وقت کافی که برای خداوند (جل جلاله) برای آن داده بود واز آن استفاده درست نمود در نتیجه عاقبه و فرجام خوبی برای وی خواهد بود و هر آن کسی که از فرصت طلای خویش استفاده درستی نکرده بود در نتیجه عاقبه و فرجام بد و خراب آن خواهد داد شد بخاطر اینکه جزا و عذاب از جنس عمل است.

### رهنمایی های آیات این مقطع:

1- تریب از آتش دوزخ واز عذاب خداوند (جل جلاله). {وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَافِرٍ} <sup>355</sup>.

2- ذکر حال خراب کافران در دوزخ و عدم تخفیف در عذاب ایشان. {وَهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ} <sup>356</sup>.

3- تأمل در برابر فرجام خراب کافران و تسلیت برای اهل ایمان. {أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ} <sup>357</sup>.

4- تجمع عذاب حسی و معنوی برای کافران در زندگی اخروی. {وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَافِرٍ} <sup>358</sup>.  
عذاب معنوی برای کافران در زندگی اخروی {فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ} <sup>359</sup>.

عذاب حسی برای کافران در زندگی اخروی

5- جزا دادن ظالمان و کافران در روز قیامت حتمی و ضروری است. {فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ} <sup>360</sup>.

<sup>355</sup> - سورة فاطر آية (36)

<sup>356</sup> - سورة فاطر آية (37)

<sup>357</sup> - سورة فاطر آية (37)

<sup>358</sup> - سورة فاطر آية (36).

<sup>359</sup> - سورة فاطر آية (37).

6- ندامت و پشیمانی در وقت مشاهده عذاب چندان سودی ندارد. رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ<sup>361</sup>.

7- استفاده نمودن از وقت یک چانس طلای است خصوصا از عمر انسا ن.<sup>362</sup> (أَوْلَمْ نُعَمِّرْكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمْ النَّذِيرُ<sup>363</sup>).

---

<sup>360</sup>- سوره فاطر آیه (37).

<sup>361</sup>- سوره فاطر آیه (37).

<sup>362</sup>- زحیلی، دکتور وهبه، (1418هـ ق) تفسیر منیر، ج 22 ص 581

<sup>363</sup>- سوره فاطر آیه (37).

مناقشه مشرکین در مورد عبادت بتها و انکار آنها از توحید و رسالت

آیات (40-45)

مناقشه مشرکین

خداوند تعالی فرموده:

اقُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَتٍ مِنْهُ بَلْ إِنَّ يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا (40) إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا (41) وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا (42) اسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئِ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأُولِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا (43) أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا (44) وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَىٰ ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا<sup>364</sup>.

ترجمه آیات: بگو آیا دیدید شریکان مقرر کرده خود را آنانکه می پرستید سواى خداى را بنمائید مرا چه چیز آفریده اند از زمین آیا ایشانراست شرکتى در آسمانها نه بلکه آیا دادیم ایشانرا کتابى پس ایشان بر حجت اندازان بلکه وعده نمیدهند ستمکاران بعض ایشان بعض را مگر بطریق فریفتن (40) هر آئینه خدا نگاه میدارد آسمانها و زمین را از آنکه از جای خود بلغزند و اگر بلغزند نگاه ندارد این هر دو را هیچکس بعد از خدا هر آئینه وی است بردبار آمرزگار (41) و قسم خوردند بخدا سخت ترین قسم های خود که اگر بیايد ایشان ترساننده البته خواهند بود راه یافته تر از هر يك امت پس چون آمد بدیشان ترساننده زیاده نکرد در حق ایشان مگر رمیدن را (مراد دارم) (42) سرکشی در زمین و زیاده نکرد مگر بد اندیشی

قیح را و فرود نمی آید وبال بداندیشی قبیح مگر باهل او پس منتظر نیستند مگر آئین عقوبت پیشینیان را پس نخواهی یافت آئین خدا را تبدیلی و نخواهی یافت آئین خدا را تغییری(43) آیا سیر نکرده اند در زمین تا به بینند چگونه شد سر انجام آنانکه پیش از ایشان بودند و آن جماعه بودند زیاده تر از ایشان در قوت و هرگز نیست که عاجز کند خدا را چیزی در آسمانها و نه در زمین هر آئینه او هست دانا توانا(44) و اگر گرفتاری کردی خدا مردمان را بسزای آنچه میگردند نگذاشتی بر پشت زمین هیچ جانوری را و لیکن موقوف میدارد ایشانرا تا میعاد معین پس چون آمد میعاد ایشان پس هر آئینه خدا هست به بندگان خود بینا(45)

### مناسبت وارتباط این مقطع با مقطع قبلی:

پروردگار(جل جلاله) به تعقیب بیان پاداش خوب و نیک به مؤمنان و خوف تهدید برای کافران،ومشركان، در مقطع قبلی تهدید کفار بر اثر کفرشان و ذکر احوال آنها در آتش گفت که آنانکه کافر شدند ایشانراست آتش دوزخ نه حکم کرده شود بر ایشان تا بمیرند و نه سبک کرده شود از ایشان چیزی از عذاب دوزخ همچین سزا میدهیم هر ناسپاس را واهل دوزخ فریاد کنند در آنجا که ای پروردگار ما بیرون آر ما را تا بکنیم کار شایسته بجز آنکه میگردیم (گوئیم) آیا زندگانی ندادیم شما را آن قدر که پند پذیر شود دران هر که پند پذیرفتن خواهد و آمد بشما ترساننده پس بچشید پس نیست ستمکاران را هیچ یاری دهندهر آئینه خدا داننده پنهان آسمانها و زمین است هر آئینه وی داناست بمکنون سینه‌های آنست که گردانید شما را جانشین در زمین پس هر که کافر شود ضرر کفر او بر وی ست و نمی افزاید در حق کافران کفر ایشان نزدیک پروردگار ایشان مگر غضب را و نمی افزاید در حق کافران کفر ایشان مگر زیان را.

و در این مقطع پروردگار(جل جلاله) آنچه را به توحید فراخوانده و به شرک قلم بطلان را میکشد یاد آور شده و مشرکان را در ساده ترین عناصرعبادت که خلق و آفرینش است بمناقشه میخواند که این خدایان ادعای موهوم شما که از آفرینش چیزی عاجز اند پس چگونه آنها را میپرستید<sup>365</sup>.



## تفسیر اجمالی:

خداوند تعالی فرموده:

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَتٍ مِنْهُ بَلْ إِنَّ يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا﴾<sup>366</sup>.

بعد از اینکه آیات کونی شهادت و گواهی دادن به عظمت و بزرگی خداوند (جل جلاله) پس چگونه مشرکین اصرار نمودن به بیان شرک شان، با وجود اینکه معلوم شد بر ایشان که یگانه خالق و رازق الله واحد و یکتا است این آیه شریف تقریر و تأکید نمود که بت های باطل هیچ چیزی را خلق کرده نمیتوانند و مالک هیچ چیزی هم نیستند بنآن مشرکین چرا اصرار بر شرک ایشان میکنند با وجود اینکه کدام حجت و دلیلی هم ندارند. در مقابل الله واحد و یگانه با وصف اینکه خوب میفهمند و خوب یقین و باور هم دارند که هر آینه مشرکین بر دلالت و گمراهی هستند و بر سراب دوکه کننده اند علاقه مندی ایشان به آرزو ها و امید های وهمی و غیر یقینی و شبه باطل است. از خلاصه و مفهوم جزء آیه شریف دانسته میشود که آنانه که از طرف ما سندی بر دست ندارند که د رآن ما به این طور نوشته باشیم که ما اختیارات ، شفا دادن بیماران یا دادن کار به بیکاران، یا بر آورده کردن حاجتی حاجتمندان را به فلان و فلان سپرده ام که در پاسخ این به آن هیچ حجت و علامتی را نمیتوانید نشان دهید<sup>367</sup>.

خداوند تعالی فرموده:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أُمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا﴾<sup>368</sup>.

یعنی این کاینات بی پایانبا نگهداری خداوند متعال قائم واستواراست هیچ فرشته یا جن، یا پیغمبر، یا ولی، یا امام آنرا نگه نداشته است، نگهداشتن کاینات بجای خود که این افراد حتی قادر به نگهداشتن وجود خود ایشان هم نیستند هر یک از آنان برای پیدایش و بقای خودش هر آن محتاج خدای عز و جل است. درباره هر کدام از آنها چنین گمان کردن که حامل چنین صفات و اختیارات خدا است، غیر

<sup>366</sup>- سوره فاطر آیه (40).

<sup>367</sup>- مودودی، سید ابوالاعلی، تفسیر تفهیم القرآن، ج 5 ص 91

<sup>368</sup>- سوره فاطر آیه، (41).

از حماقت خالص و فریب خورده گی چی دلیل دیگری میتواند وجود داشته باشد بیشک خدا بسیار برده بار و حلیم و آمر زنده است که این بیانگر برده باری و تسامح بسیار زیاد خدای بلند مرتبه است که چنین گستاخی های بزرگی در حق ایشان صورت میگیرد اما باز هم در کیفر دادن شتاب نمیکند. نمونه از حلم و برده باری خدای عز و جل را قول خداوند بزرگ اشاره میکند.

{لَنْ زَالَتَا إِنْ أَمَسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ}.

که اگر بخواهد آسمان را بر زمین بیاورد و شتاب کند بر هلاک و عذاب هر گنهگار و تقصیر کار لیکن الله غافر و بخشنده گناه و قبول کننده توبه است<sup>369</sup>.

اسباب و وسائل که مانع ایمان و اسلام آوردن برای شخص واقع میگردد:

خداوند تعالی فرموده:

{وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لِيَكُونُنَّ أَهْدَى مِنَ الْإِحْدَى فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا<sup>370</sup>.

این مطلب را عربها به صورت عام و قریش به صورت خاص با مشاهده انحطاط اخلاقی یهودیان و مسیحیان پیش از بعثت پیغمبر (صلی الله علیه و سلم) میگفتند، ذکر این گفته آنان پیش از این در سورت انعام آیه (157) گذشته است. و در ادامه در سورت صافات آیه های (167-169) هم خواهد آمد سبب نزول آیه (42) سوره فاطر ابن ابو حاتم از ابن ابو هلال نقل کرده است: قریشیان میگفتند: اگر خداوند از میان ما پیغمبر مبعوث کند هیچ ملتی فرمانبردار تر از ما در برابر خدا و پیغمبرش و تمسک به کتابش نخواهد بود.

همین بود که خداوند بزرگ آیات را در سورت (صافات) نازل فرمود: {وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ (167) لَوْ أَنْ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأُولِينَ<sup>371</sup>.

ترجمه: و هر آینه کافران عرب میگفتند (167) اگر بودی پیش ما خبری از پیشینیان (168) البته می شدیم بندگان خالص ساخته خدا (169)

<sup>369</sup> - احمد بن محمد الشرقاوی، تفسیر موضوعی لسور القرآن الکریم، ج 7 ص 286

<sup>370</sup> - سوره فاطر آیه (42).

<sup>371</sup> - سوره صافات آیات (167-169).

در مورد ارتباط با مفهوم آیه قبلی (قریشیان میگفتند : اگر خداوند از میان ما پیغمبر مبعوث کند هیچ ملتی فرمانبردار تر از ما در برابر خدا و پیغمبرش و تمسک به کتابش نخواهد بود)، حتی یهود یان با آمدن پیغمبر بر مسیحیان آرزوی پیروزی را میبردن و میگفتن ما میدانیم که بزودی پیغمبر ظهور خواهد کرد قریشیان سوگند شدیدی خوردن که اگر پیغمبر بیم دهنده از جانب خدا به سراغ شان آید بی تردید، از هر امت دیگری ویا از هر امت های که پیغمبر به سراغ شان آمده اند هدایت یافته تر فرمانبردار تر و پذیرفته تر خواهند بود.

چنانچه خداوند متعال (جل جلاله) در سوره اعراف شریف آیه (157) مهربانی میکند.

خداوند تعالی فرموده:

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ  
بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ  
وَالْأَعْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ  
أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ<sup>372</sup>.

ترجمه: خواهیم نوشت رحمت اخرویه برای آنانکه پیروی میکنند آن پیغمبر را که نبی امی ست آنکه میبایند نعت او نوشته نزدیک خویش در توررات و انجیل میفرماید ایشانرا بکار پسندیده و منع میکند ایشان را از ناپسندیده و حلال میسازد برای ایشان پاکیزها و حرام می کند بر ایشان ناپاکیزها را و ساقط میکند از ایشان بارگران ایشانرا و آن مشقتها را که بود بر ایشان پس آنانکه ایمان آوردند باو و تعظیم کردند او را و یاری دادند او را و پیروی کردند نوری را که همراه وی نازل کرده شده است ایشانند رستگاران.

حتی یهود یان با آمدن پیغمبر بر مسیحیان آرزوی پیروزی را میبردن و میگفتن ما میدانیم که بزودی پیغمبر ظهور خواهد کرد قریشیان سوگند شدیدی خوردن که اگر پیغمبر بیم دهنده از جانب خدا به سراغ شان آید بی تردید، از هر امت دیگری ویا از هر امت های که پیغمبر به سراغ شان آمده اند هدایت یافته تر فرمانبردار تر و پذیرفته تر خواهند بود.

شبیبه این مطلب راعربها به صورت عام و قریش به صورت خاص با مشاهده احتیاط اخلاقی یهودیان،  
ومسیحیان پیش از بعثت پیغمبر (صلی الله علیه و سلم) تا نگویند کتاب آسمانی تنها بر دو طایفه  
پیش از ما (یهود نصارا) نازل شده بود و ما از بحث و بررسی آنها بی خبر بودیمدر سوره انعام آیه (157)  
چنین آمده است.

خداوند تعالی فرموده:

أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابَ عَلَى طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لِعَافِينَ<sup>373</sup>.

**ترجمه:** واین قرآن کتابیست که فرستادیمش با برکت پس پیروی او کنید و پرهیزگاری کنید تا مهربانی  
کرده شود بر شما. یعنی ما این کتاب را با این ویژه گی های نازل کردیم تا نگوید کتاب آسمانی تنها بر  
دو طایفه پیش از ما (یهود نصارا) نازل شده بود و ما از بحث و بررسی آنها بی خبر بودیم.<sup>374</sup>

**تشویق و ترغیب به سیرونشانه‌های قدرتهای بی پان الله متعالی بپند و عبرت:**

خداوند تعالی فرموده:

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ  
اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا (44) وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ  
بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ  
كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا<sup>375</sup>.

ختم سوره مبارکه دعوت و ترغیب به سیر و دیدن آثار و قدرت های الهی ضمن مثال در امم ماضیه و  
سابقه که چگونه برگشتن این امت ها از قوت به ضعف و امن به طرف خوف , و از وحدت به طرف فرقت  
و از عزت به طرف ذلت و خواری و غیره<sup>376</sup>.

**حلم، گذشت و لطف مهربانی خداوند متعال (جل جلاله) با لای مخلوق و بنده گان خویش:**

خداوند تعالی فرموده:

<sup>373</sup>- سوره انعام آیه (156).

<sup>374</sup>- احمد بن محمد الشرقاوی، تفسیر موضوعی لسور القرآن الکریم. ج 7 ص 288

<sup>375</sup>- سوره فاطر آیه (45-45).

<sup>376</sup>- احمد بن محمد الشرقاوی، تفسیر موضوعی لسور القرآن الکریم. ج 7 ص 291

أُولُو يَأْخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا<sup>377</sup>.

درآیه مبارکه اشاره به لطف و مرحمت خداوند متعال (جل جلاله) میکند یعنی اگر خداوند عذاب را به تعجیل می انداخت و آدمیان را به سبب تمام گناه هانشان مواخذه میکرد، همه آسمانیان و زمینیان را با تمام امکانات و داده های شان حلاک میساخت و حتی جنبنده در روی زمین باقی نمیگذاشت اما او تعالی با فضل و کرم مرحمت اش مجازات و مواخذه بنده گان را در برابر اعمال شان تا فرصت و میعاد معین (روز قیامت) به تأخیر میندازد<sup>378</sup>.

### مناسبت وارتباط میان مقطع ومحور سوره:

سیر وگردش بغرض پند و عبرت است در وقت مشاهده و دیدن نشانها،علامات و قدرتهای بی پایان خداوند بزرگ (جل جلاله) و در عین حال آگاهی حاصل نمودن است از عاقبة وانجام مردمان گذشته که در برابر اوامر خداوند بزرگ (جل جلاله) نافرمانی و در برابر نواهی خداوند بزرگ (جل جلاله) اتیان و دست به معصیت زدند که در نتیجه عذاب و جزا برای منکرین دعوت و توحید که همه اینها دال اند بر اثبات وحدانیت الله (جل جلاله) سبب بر تباهی و هلاکت آنها گردید.

در نتیجه برداشت ما مسلمانان در برابر وقایع اقوام هلاک شده طوری باید باشد که هیچ قوت، طاقت، و ذات بدون قوت، طاقت، و ذات خداوند بزرگ (جل جلاله) در برابر نظام کائنات هرگز نیست و نه خواهد بود فقط و فقط خداوند بزرگ (جل جلاله) ازلی، ابدی، سرمدی، بود است میباشد<sup>379</sup>.

### رهنمای آیات این مقطع

1- مکر و فریب بر میگردد بخود انسانها. {وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئِ إِلَّا بِأَهْلِهِ<sup>380</sup>}.

<sup>377</sup>- سوره فاطر آیه (45).

<sup>378</sup>- زحیلی، دکتور وهبه، تفسیر منیر، ج 22 ص 592

<sup>379</sup>- احمد بن محمد الشرفاوی، تفسیر موضوعی لسور القرآن الکریم. ج 7 ص 292

<sup>380</sup>- سوره فاطر آیه (43).

2- مهلت خداوند بزرگ (جل جلاله) برای فریب کاران استدراج است. {وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا<sup>381</sup>.

3- قریشیان قبل از بعثت پیامبر (صلی الله علیه وسلم) هنگامی که به آنان خبر داد اهل کتاب آنرا دروغو شمردند. {فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا<sup>382</sup>.

4- سوگند اهل کتاب به اینکه اگر پیامبری برای آنان فرستاده شود مسلماً هدایت یافته از همه مردم خواهند بودند. {وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِيحَادِي الْأُمَمِ<sup>383</sup>.

5- عاقبت و فرجام بد و نقض پیمان و وعده.

6- جایگاه مشرکان لجوج در برابر پیامبر (صلی الله علیه وسلم).

7- مقتضای رحمت خدا (جل جلاله) این است که گنهگاران و کافران را به زودی مجازات نمی کند. {وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا<sup>384</sup>.

8- تفکر و تدبیر در برابر دأب و عادات الهی در برابر اعمال بنده گانش.

9- قدرتهای خداوند بزرگ (جل جلاله) بی شمار و درج حساب کرده نمیشوند<sup>385</sup>.

10- {أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا<sup>386</sup>.

مناسبت میان اول سوره و آخر سوره:

<sup>381</sup> - سوره فاطر آیه (45).

<sup>382</sup> - سوره فاطر آیه (42).

<sup>383</sup> - سوره فاطر آیه (42).

<sup>384</sup> - سوره فاطر آیه (45).

<sup>385</sup> - احمد بن محمد الشرقاوی، تفسیر موضوعی لسور القرآن الکریم، ج 7 ص 292

<sup>386</sup> - سوره فاطر آیه (44).

الف: درآغاز سوره سخن رفته است از خلق و آفرینش آسمان و زمین، {الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَّثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} <sup>387</sup>.

و در آخر سوره سخن رفته است از نعمت بزرگ دیگر که حفظ آسمان و زمین است، {إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا} <sup>388</sup>.

ب: درآغاز و وسط سوره سخن رفته است از تسلیت به رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در برابر تکذیب کفار، {وَإِنْ يَكْذِبُوا فَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ} <sup>389</sup>.

{وَإِنْ يَكْذِبُوا فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ} <sup>390</sup>.

و در آخر سوره سخن رفته است از نقض شکنی و تکذیب پیامبر ان (علیهم السلام)

{وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لِيَكُونُنَّ أَهْدَى مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا} <sup>391</sup>.

---

<sup>387</sup> - سوره فاطر آیه (1).

<sup>388</sup> - سوره فاطر آیه (41).

<sup>389</sup> - سوره فاطر آیه (4).

<sup>390</sup> - سوره فاطر آیه (25).

<sup>391</sup> - سوره فاطر آیه (42).

**خاتمه:**

خاتمه مشتمل است بر موارد ذیل:

**اول:** نتیجه گیری

**دوم:** پیشنهادات

**سوم:** فهرس



## اول: نتیجه گیری

سوره مبارکه (فاطر) یکی از جمله سوره های مکی قرآن کریم بوده که حاوی موضوعات مهم عقیدتی چون توحید رسالت و معاد است، موضوعات متذکره در سائر سوره های قرآن کریم به عبارات مختلف و متنوع و شیوه های مختلف مطرح گردیده اند، با در نظر داشت موضوعاتی را که این سوره احتوا کرده است و تفسیر و تشریح موضوعات متذکره به شکل موضوعی آن در روشنایی آیات دیگر قرآن کریم و احادیث نبی کریم صلی الله علیه و سلم به نتایج ذیل دست می یابیم.

1- متفاوت بودن خلقت ملائکهها، از سیاق آیه (1) سوره فاطر، قرآن کریم فهمیده میشود که زیادت در خلقت عام و شامل است بطور مثال زیادت در حسن صورت، در چشم، زبان، عقل، فکر، جرات قلب، سماحة نفس و غیره.

2- با حذر داشتن از شیطان چونکه شیطان دشمن تمام انسانها است و آنها را فریب میدهد و از راه راست منحرف میگرداند.

3- کسانیکه به الله متعال کفر ورزیدند از برای ایشان در آخرت عذاب سخت است، و آنانیکه ایمان آوردند و عمل نیک را انجام داده اند از برای ایشان پاداش بزرگ است.

4- هدایت و رهنمای فقط و فقط از آن الله متعال (جل جلاله) است و همچنان ضلالت و گمراهی فقط و فقط از آن الله متعال (جل جلاله) است.

5- عزت و ذلت همه از جانب الله متعال (جل جلاله) است.

6- هر داعی تا حد توان خویش به دعوت مکلف و مأمور است و باید از صبر، تسبیح، و نماز در مقابل سختی ها استعانت جوید.

7- تمام مراحل خلقت انسانها به امر الله متعال (جل جلاله) سپری میگردد

8- قرآن کریم به عنوان بزرگترین وسیله پند و اندرز انسان ها است.

9- انسانها به سبب مال و ثروت مغرور و فریب نخورند.

10- فرار از قضا و قدر الله (جل جلاله) جهل و نادانی است.

11- تمام مخلوقات بسوی الله (جل جلاله) محتاج و نیاز مند هستند.

12- جواب از جرم فردی است هیچ کس جواب کسی دیگری را الله (جل جلاله) داده نمی تواند.

13- مؤمن و کافر هرگز برابر شده نمی توانند.

14- وقت و عمر بلند ترین و باارزش ترین چیزی درامورات زندگی است.

## دوم: پیشنهادات

بعد از تکمیل رساله می‌خواهم در اخیر به شکل مختصر پیشنهادیه ذیل را خدمت رهبری دانشگاه سلام تقدیم نمایم.

1- از مقامات محترم دانشگاه سلام می‌خواهم تا فرصت های بیشتر تحصیلی را به جامعه ما مساعد نمایند.

2- برنامه ماستری را ارتقا داده و برای محصلین خویش زمینه مافوق ماستری (دکتورا) را در این دانشگاه فراهم سازند.

3- کتاب خانه این دانشگاه را به یک کتاب خانه معیاری و مجهز به سطح کشور ارتقا دهند.

4- به همه کسانی که از برنامه ماستری فارغ میشوند، توصیه شود تا تفسیر موضوعی سوره های قرآن کریم را به عنوان رساله ماستری خویش انتخاب نمایند، تا یک تفسیر موضوعی مکمل از قرآن کریم به زبان های ملی کشور به جامعه تقدیم شود.

سوم: فهرس

فهرست آیات:

شماره	طرف آیه	سوره	صفحه
1	{فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ}	البقرة	99
2	{وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ}.	ال عمران	42
3	{إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ}	ال عمران	64
4	{تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ}	ال عمران	68
5	{الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ}	نسا	59
6	{فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ}	نسا	88
7	{الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ}	انعام	27
8	{وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ}	انعام	30
9	{أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي}	انعام	78
10	{أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابَ عَلَى طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا}	انعام	110
11	{يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمُ مِنَ الْجَنَّةِ}	اعراف	44
12	{الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا}	اعراف	110
14	{وَأَخْرَجُوا مُرَجُومَ لَأْمَرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ}.	توبه	91
15	{أَوَلَا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ}.	يونس	65
16	{لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ}	يونس	88
17	{وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ}	يونس	30
18	{مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصْمَىٰ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ}	هود	79
19	{قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ}	رعد	33
20	{اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيصُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ}	رعد	61

69	رعد	{اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَىٰ الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ	21
86	رعد	{وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُّتَجَاوِرَاتٍ وَجَنَاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ	22
27	كهف	{ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا	23
49	كهف	{فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ	24
100	طه	{إِنَّهُ مَن يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا	25
88	نور	{رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ	26
66	فرقان	{وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ	27
49	شعرا	{لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ	28
34	نمل	{أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ	29
75	عنكبوت	{وَلِيَحْمِلَنَّ أُنْقَالَهُمْ وَأُنْقَالًا مَّعَ أُنْقَالِهِمْ}	30
102	عنكبوت	{وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةً	31
34	روم	{اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مَن	32
42	لقمان	{يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَأَخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَن	33
27	سبا	{الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ	34
68	يس	{لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ	35
109	صافات	{وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ (167) لَوْ أَن عِندَنَا ذِكْرًا مِّنَ الْأُولِينَ}	36
44	ص	{قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ	37
75	زمر	{إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ	38
62	غافر	{لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِّمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ	39
56	فصلت	{وَمِنَ آيَاتِهِ أَنْكَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً إِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ	40

62	شورا	{ أو يزوجهم ذكراً وإناثاً }	41
74	محمد	{هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ	42
67	رحمان	{ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ }	43
103	تغابن	{يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسْرُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ	44
33	ملك	{أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُوا فِي عُنُوٍّ وَنُفُورٍ	45
103	ملك	{وَأَسْرُوا قَوْلَكُمْ أَوْ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ}.	46
57	نوح	وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا (17) ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ	47
76	عبس	{يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (34) وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ (35) وَصَاحِبَتِهِ	48

فهرست احاديث:

شماره	طرف حديث	صفحه
1	إِذَا حَدَّثْنَاكُمْ بِحَدِيثٍ أَتَيْنَاكُمْ بِتَصْدِيقِ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ.	60
2	«أَمَّا أَهْلُ النَّارِ الَّذِينَ هُمْ أَهْلُهَا لَا يَمُوتُونَ وَلَا يَحْيَوْنَ، وَأَمَّا أَنَسٌ يُرِيدُ اللَّهُ بِهِمُ الرَّحْمَةَ فَيَمِيتُهُمْ فِي النَّارِ، فَيَدْخُلُ عَلَيْهِمُ الشُّفَعَاءُ، فَيَأْخُذُ الرَّجُلُ الضُّبَارَةَ فَيَبْتُئُهُمْ»	100
3	"أمتي ثلاثة أثلاث: فثلث يدخلون الجنة بغير حساب ولا عذاب، وثلث يحاسبون حسابا يسيرا.	91
4	إِنَّ أَحَدَكُمْ يُجْمَعُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا ثُمَّ عُلِقَهُ مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ يَكُونُ مُضَعَّةً مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ.	65
5	إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوهٌ حَضْرَةٌ وَإِنَّ اللَّهَ مُسْتَخْلِفُكُمْ فِيهَا فَيَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ فَاتَّقُوا الدُّنْيَا وَاتَّقُوا النَّسَاءَ .	51
6	أَنَّهُ رَأَى جِبْرِيلَ لَهُ سِتُّ مِائَةٍ جَنَاحٍ.	29
7	بَيْنَ النَّفْخَتَيْنِ أَرْبَعُونَ قَالُوا يَا أَبَا هُرَيْرَةَ أَرْبَعُونَ يَوْمًا قَالَ أَيْبُتُ قَالَ أَرْبَعُونَ سَنَةً قَالَ أَيْبُتُ	58
8	"قال الله: { ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ }	92
9	قَالَ هُمْ أُمَّةٌ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَرَثَتُهُمُ اللَّهُ تَعَالَى كُلُّ كِتَابٍ أَنْزَلَهُ ، فَظَالِمُهُمْ يُغْفَرُ لَهُ وَمُقْتَصِدُهُمْ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا..	89
10	كَانَ يَقُولُ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ الْجَدُّ.	31
11	"كلهم من هذه الأمة{	90
12	لَنْ يُنَجِّيَ أَحَدًا مِنْكُمْ عَمَلُهُ قَالَ رَجُلٌ وَلَا إِيَّاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ وَلَا إِيَّايَ إِلَّا أَنْ يَتَّعَمَدَنِي اللَّهُ مِنْهُ بِرَحْمَةٍ وَلَكِنْ سَدَّدُوا.	93
13	لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَوَكَّلُونَ عَلَى اللَّهِ حَقَّ تَوَكُّلِهِ لَرَزَقْتُمْ كَمَا يُرْزَقُ الطَّيْرُ تَغْدُو خِمَاصًا	35



	وَتَرَوْحُ بَطَانًا.	
61	مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُبْسَطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ، وَأَنْ يُنْسَأَ لَهُ فِي أَثَرِهِ فَلْيَصِلْ رَحْمَهُ".	14
75	مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً حَسَنَةً، فَلَهُ أَجْرُهَا، وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا بَعْدَهُ، مِنْ غَيْرِ	15
90	«هُؤُلَاءِ كُلُّهُمْ بِمَنْزِلَةِ وَاحِدَةٍ، وَكُلُّهُمْ فِي الْجَنَّةِ».	16
92	يُحَاسِبُونَ فِي طُولِ الْمَحْشَرِ، ثُمَّ هُمْ الَّذِينَ تَلَافَاهُمْ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ، فَهُمْ الَّذِينَ يَقُولُونَ: {الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ.	17
63	يدخل الملك على النطفة بعدما تستقر في الرحم بأربعين أو بخمس وأربعين ليلة فيقول : أي رب أشقي، أم سعيد؟ أذكر ، أم أنثى؟ فيقول الله . .	18
58	يُنزِلُ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيَنْبُتُونَ كَمَا يَنْبُتُ الْبَقْلُ قَالَ وَلَيْسَ مِنَ الْإِنْسَانِ شَيْءٌ إِلَّا يَبْلَى إِلَّا عَظْمًا وَاحِدًا وَهُوَ عَجْبُ الذَّنْبِ وَمِنْهُ يَرْكَبُ الْخَلْقُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.	19
93	يُوتَى بِأَنْعَمِ أَهْلِ الدُّنْيَا مِنْ أَهْلِ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُصْبَعُ فِي النَّارِ صَبْعَةً ثُمَّ يُقَالُ يَا ابْنَ آدَمَ.	20

فهرست أعلام:

شماره	اسم	صفحه
1	انس بن مالك	95
2	ابوالدرداء عويمر بن مالك	92
3	ابن عباس	28
4	اسامه ابن زيد	92
5	ابوعبدالرحمان عبدالله ابن مسعود	29
6	ابو سعيد الخدرى	43
7	ابوقلابه	46
8	عبدالرحمان ابن صخرابوهريره	57
9	أحمد بن حنبل	17
19	زجاج	46
11	محمد بن ادريس	47
12	محمد بن بهادر بن عبدالله	11
13	ترمذى	35
14	راجى عبدالقدوس	10
15	الزحيلي: وهبة بن مصطفى	49
16	زرکشى، بدرالدين محمد بن عبدالله	11
17	سعيد بن جبیر	46
18	سعيد، عبدالستار فتح	4
19	الطبرى، جامع البيان ابن جرير	94
20	ابومحمد عبدالرحمان بن ابى حاتم	94
21	قتاده بن دعامة بن قتاده بن عزيز السدوسى	63
22	مجاهد، مجاهد بن جبر	60
23	اصفهانى ابوالقاسم الحسين بن محمد	10
24	واثله بن اسقع	17

## فهرست مصادر ومراجع:

### القرآن الكريم

- 1- ابنعاشور، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور التونسي. (1997م). التحرير والتنوير. تونس. ناشر: دار سحنون للنشر والتوزيع.
- 2- ابن كثير، ابوالفداء اسماعيل بن عمر بن كثير بن ضوء بن ورع القرشى. (1402هـ ق). تفسير ابن كثير الاختصار والتحقيق محمد على صابوني. ناشر: مكتبة حقانيه، پشاور پاکستان.
- 3- ابن كثير، ابوالفداء اسماعيل بن عمر بن كثير بن ضوء بن ورع القرشى. تفسير القرآن العظيم = (تفسير ابن كثير). ناشر: مكتبة فريديه، پشاور پاکستان.
- 4- البخارى، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل بن ابراهيم بن مغيره الجعفى. (1407هـ ق) الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخارى. الناشر: دار ابن كثير اليمامة بيروت، طبع سوم، محقق: دكتور مصطفى ديب البغا استاذ الحديث وعلومه فى كلية الشريعة جامعة دمشق.
- 5- بدخشانى، محمد اكرام الدين، (1394هـ ش) ازهر البيان فى تفسير كلام الرحمن، مكتبة الاسلاميه لاهور. چاپ اول.
- 6- البغدادي، علاء الدين بن محمد بن إبراهيم البغدادي، (1399هـ ش). لباب النقول فى معانى التنزيل = تفسير خازن، ناشر: دار الفكر بيروت لبنان.
- 7- راجى، عبدالقدوس، (1395هـ ش) علوم القرآن، ناشر، انتشارات خراسان، نوبت چاپ، سوم.
- 8- الرازى، ابو عبدالله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمى الرازى الملقب بفخرالدين الرازى خطيب الرى، (ب ت). التفسير الكبير، ناشر: مكتبة عثمانيه، كويته پاکستان.
- 9- رستمى، ابو زكريا عبدالسلام، (1430هـ ق). احسن الكلام، مترجم: صادق بنت سيد عبدالاحد، ناشر: دار التفسير جامعه عربيه سيفن چوك كوهات ردو پشاور پاکستان.

- 10- زحيلي، دكتور وهبه، (1418هـ ق). التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج. الناشر: دار الفكر المعاصر دمشق. الطبع الثانيه.
- 11- الزركشى، ابو عبدالله بدرالدين محمد بن عبدالله بن بهادر، (ب ت) البرهان في علوم القرآن، تحقيق، محمد ابوالفضل ابراهيم، ناشر: بيروت دار المعرفه.
- 12- سجستاني، ابو داود، سليمان بن الأشعث، (ب ت) سنن ابى داوود، الناشر: دار الكتاب العربي - بيروت وزارة الأوقاف المصرية وأشاروا إلى جمعية المكنز الإسلامى.
- 13- سعيد، عبدالسار فتح الله، المدخل الى التفسير الموضوعى، (1406هـ ق 1986م). دار توضع والنشر الاسلاميه، طبع اول.
- 14- السيوطى، جلال الدين عبدالرحمن بن ابى بكر، الإتقان في علوم القرآن، (1394هـ ش). مترجم: قزوينى، سيد مهدي حائرى، ناشر: سايت كتاب خانه عقيدته، [www.ageedeh.com](http://www.ageedeh.com) ايميل: [book@ageedeh.com](mailto:book@ageedeh.com).
- 15- الشيبانى، ابو عبدالله احمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن اسد. (1420هـ ق). المسند الامام احمد بن حنبل، محقق شعيب الأرنؤوط وآخرون، الناشر: مؤسسة الرساله، طبع دوم.
- 16- صابونى، محمد على، (ب ت) صفوة التفاسير، ناشر: مكتبه القرآن والسنة، محله جنگى پشاور، پاکستان.
- 17- الطبرى، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملى، ابو جعفر، (1420هـ ق). جامع البيان في تأويل القرآن، المحقق: أحمد محمد شاكر، الناشر: مؤسسة الرسالة، طبع اول.
- 18- عثمانى، محمد شفيع، (ب ت) تفسير معارف القرآن، مترجم: حسين پور، مولانا محمد يوسف، انتشارات شيخ الاسلام احمد جام.
- 19- عثمانى، محمد تقى، علوم القرآن، (1383هـ ش). مترجم: عيى دهنه، محمد عمر، چاپ اول.
- 20- على، حضرت مولانا حسين على، (ب ت) تفسير جواهر القرآن، مترجم: صالحانى، عبدالرحمن، ناشر: مكتبه السعيديه پشاور، پاکستان.

- 21- مسلم، دكتور مصطفى وجمعى ازعلمای نخبه علم تفسير وعلوم القرآن، مباحث فى التفسير الموضوعى، (1426 هـ ق - 2005 م). ناشر: دار القلم، طبع چهارم.
- 22- مودودى، سيد أبو الأعلى، تفسير تفهيم القرآن، (1398 هـ ش). مترجم: قنبر زهى، عبدالغنى سليم، نشر احسان، تهران.
- 23- النجار، محمد النجار، إبراهيم مصطفى - أحمد الزيات، المعجم الوسيط، (ب ت) ناشر: دار الدعوة، تحقيق: مجمع اللغة العربية.
- 24- النسفى، عبدالله بن احمد بن محمود، (ب ت) مدارك التنزيل وحقائق التأويل = تفسير مدارك، ناشر: المكتبة الحقانية پشاور پاکستان.
- 25- النيشاپورى، أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري، (ب ت) الجامع الصحيح المسمى صحيح مسلم، الناشر: دار الجيل بيروت دار الأفاق الجديدة.
- 26- الاندلسى، محمد بن يوسف. (ابو حيان الاندلسى). البحر المحيط. بيروت لبنان. (1422 هـ ق) تحقيق: عادل احمد موجود و الشيخ على محمد معوض. طبع اول.

## Summary

The purpose pursued in this surah is to warn the people of Makkah and its rulers about the way they chose at that time against the Prophet's (peace and blessings of Allah be upon him) call for monotheism, through advice, fear, warnings, and reprimands. be reprimanded and be understood in the form of teaching and learning, in the series of words, the prophet (peace be upon him) has been comforted repeatedly that when you fully fulfill the right of benevolence and advice, and those who insist on going astray They do not accept the right path, there is no responsibility towards you. In this regard, great tidings have been given to the believers so that their spirits can be strengthened and they can remain firm and firm on the path of truth by trusting in the promises of God (Glorified and Exalted be He).

Still, the discussion and research in this surah can be considered as one of the important and fundamental needs of the current society, because a correct and deep understanding of the surahs and verses of the Holy Quran, especially the blessed Surah (Fatir), has polished the human soul and is the only way to cure people from internal diseases. Intellectual spirit and belief). And this issue has caused me to choose the thematic interpretation of Surah (Fatir) as my master's dissertation or thesis, so that all the topics included in this Surah are fundamentally and comprehensively in the light of other verses of the Holy Qur'an and the hadiths of the Prophet of Islam, Hazrat Muhammad Mustafa. (Peace and blessings of Allah be upon him) has interpreted and explained in a topical way so that all sections of our society can benefit from it.

It is worth mentioning that in order to compile and research this treatise, I have used the method of thematic interpretation, and this surah has been divided into seven sections, and then the verses of each section have been translated, and in the translation of the verses, I have used Tafsir Noor authored by Dr. Mustafa Khorram Del. I have explained the sections together and followed by the summary interpretation of the same section, after that I have given each section the verses and hadiths that were related to that section, and then I have made the connection between the section and the original of Surah Rabiyan and I have finished by mentioning the guidance of the verses of the sections. .

And in the end, I have concluded the treatise with a conclusion and a list of verses, hadiths, signs, and a list of sources and references.



**Salam University**

**Faculty of Sharia and Law**

**Master Program in Tafseer and  
Hadith**



**Islamic Emarat of Afghanistan**

**Ministry of Higher Education**

**DM of Academic Affairs**

**Thematic of Tafsir- e-**

**Surah Fater**

**A Masters thesis**

**Student: Said Naqebuallah Mufaker**

**Supervisor: Dr. Nasrumnallah Mujahed**

**Year: 2022**



**Salam University**

**Faculty of Sharia And Law**

**Master Program in Tafseer Hadith**



**Islamic Emirat of Afghanistan**

**Ministry of Higher Education**

**DM Education**

# **Tafsir- e- Thematic of Surah fater**

**A Master's thesis**

**Student: Said Naqeballahmufaker**

**Supervisor: Dr. NasrumenallahMujahed**

**Year:2020**



